



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

آموزشی آبشار

رشد

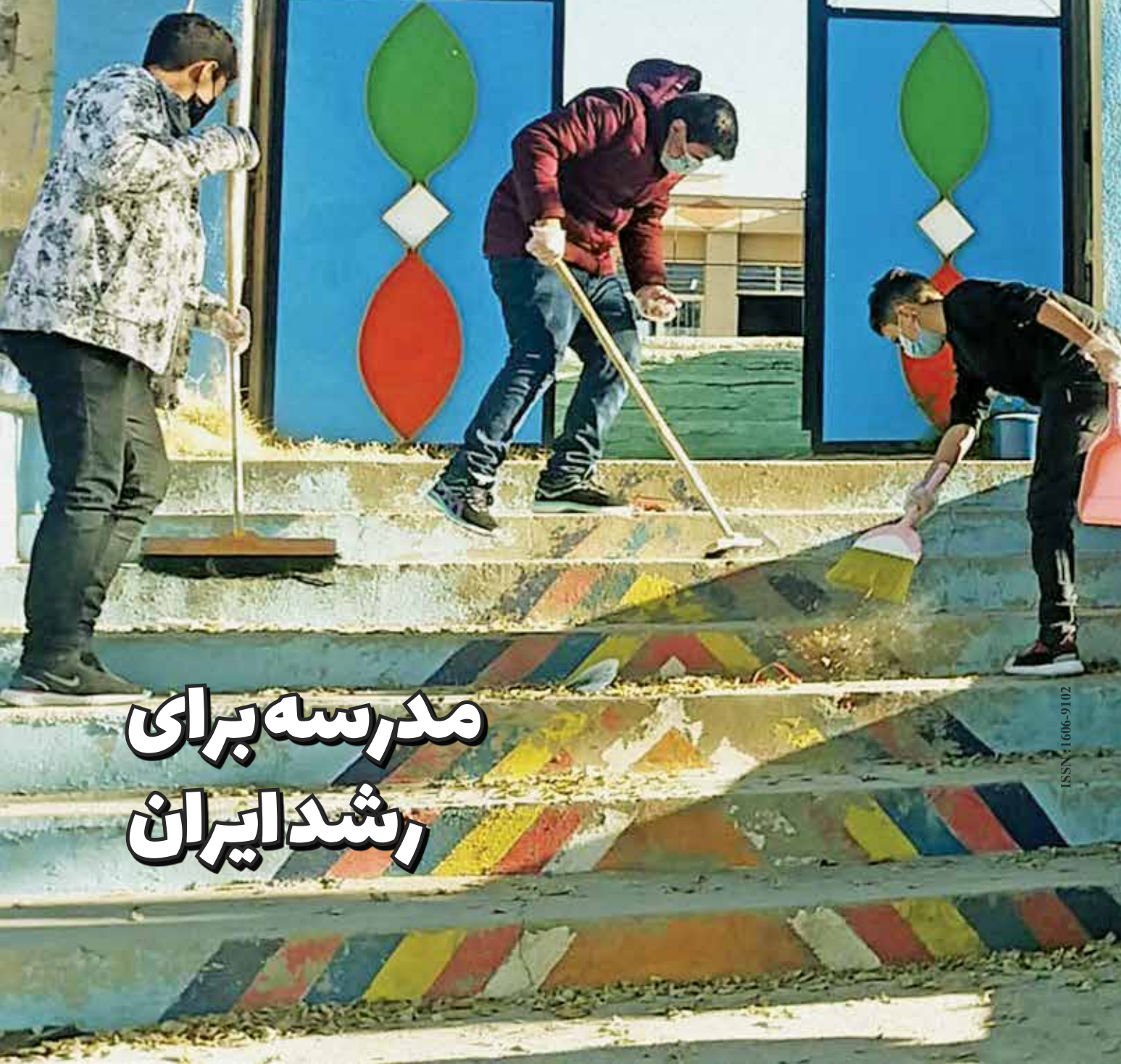
ماهانامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست و نهم | اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ | شماره‌ی پی‌درپی ۲۳۷ | ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

۸



مدرسه برای رشد ایران

ISSN: 1606-9102



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و هر کس باید بنگرد که برای فردای خود چه چیزی از پیش فرستاده است؛
و از خدا پروا کنید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و
اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان معلمان و
کارشناسان
وزارت آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست و نهم | اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵
شماره‌ی پی‌درپی ۱۲۳۷ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۳۰۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی در پیام‌رسان شاد
@roshd_amoomezesh_ebtadaei

فهرست

- ۲ **حماسه‌ی مردم ایران** | مهدی رضایی
- ۶ **مناسبت‌های ماه** | مریم ملکی

آموزش

- ۱۰ **کنار چشمه‌ی بهشتی** | مریم خدادادی، مریم‌السادات پورمسجدی میبیدی
- ۱۲ **عروسک آموزگار** | مریم شهرآبادی
- ۱۴ **از دهاکو چولو** | گزارش از ائلدار محمدزاده صدیق
- ۱۶ **معلم در میدان** | سیدعلی عبداللهی حسینی، عذرا بیگم هزبری
- ۱۸ **جایگاه بکر یانگی و دوز یانگی در جامعه‌های معاصر** | سیدپنجم علوی‌مقدم، مرضیه دهقان‌نیری
- ۲۰ **راز نخل‌ها** | مجید نیسی
- ۲۲ **او را به خودش معرفی کن** | فاطمه افسای
- ۲۴ **رشد با رشد** | اعظم هارونی، کیمیا محمدی کاشانی

در کلاس

- ۲۶ **درخت ایرانمونه** | محمد سبحانی، حمید توانا، زهرا غلامی، مریم احمدی، زهراسادات نورانی
- ۳۱ **از کاغذ باطله تا اثر هنری** | مریم اسدی
- ۳۴ **درس‌های داستان‌نما** | سعیده جعفری
- ۳۶ **ستاره‌های دست‌ساز** | پری حاجی‌خانی
- ۳۸ **گشتی‌سازی در کلاس درس** | فرزانه نوراللهی

تجربه

- ۴۲ **فانیه‌های پر تلالو** | زهرا بهرامی‌فر
- ۴۴ **دو بال تربیت** | فاطمه قاسمیان
- ۴۶ **از هیچ چیز نمی‌ترسم** | مریم رسولی
- ۴۸ **جنگ فرضی** | فاطمه شکراله‌ایپری

به نام خدا

اللهم صلِّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی

سردبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرهوش،

مریم پراکنده، امیرذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حق

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱



درگاه ورود به سامانه‌ی
فروش و اشتراک



nazar.roshdmag.ir
برای ثبت نظرات شما
در مورد این مجله



در نقشه، پراکندگی فرهنگی‌با مشارکت‌کننده از هر استان را در این شماره می‌بینید.



قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. • قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی و آموزشی باشد. • روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. • چکیده داشته باشد با هدف و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. • اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است: • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



مهدی رضایی

به جای تحمیدیه:

تکیه به عرش داده‌ای، به این زمانه خیرهای
چقدر آیه سوخته، چه روزگار تیره‌ای
خیره به پست تر شدن، خیره به خیره سر شدن
خیره به حمله ور شدن، خیره به خون جگر شدن
به این همه فراغ، به برده داری نوین،
به خوردن تن جنین، به این قساوت زمین
مدرسه‌های بی پناه، دخترکان بی گناه،
بیا کمک رسیده آه، سنگدلان رو سیاه
دریدگان پر غضب، دهان نجس و بی ادب
مریض و واجب‌المطب، قماش تجزیه طلب
فحش به ساحت وطن، در التماس اهرمن
نمی‌زنی چرا بز، آه وطن وطن وطن
صبر چگونه می‌کنی بر این همه جفا علی
بغض چگونه می‌خوری یاد بده به ما علی

شاعر: مهدی عباسی

این روزها دوباره دل‌هایمان سنگین
شده است. گویی بخشی از آسمان
این سرزمین، سایه‌دارتر از همیشه،
بر سرمان افتاده است. خبرهای تلخ،
داغ از دست دادن جمعی از هم‌وطنان
عزیزمان، شهادت رهبر معظم انقلاب
اسلامی و لحظه‌هایی که هیچ واژه‌ای
نمی‌تواند مرهمی بر آن‌ها باشد، در
ذهنمان جاری می‌شوند و بی‌اختیار
ما را می‌برند به ایام هشت سال دفاع
مقدس؛ سال‌هایی که مردم این خاک با
رنج آشنا بودند و زخم جنگ نه فقط در
مرزها که در دل‌ها و خانه‌ها نیز نقش
بسته بود. امروز هم با همه‌ی امیدیه که
ساخته بودیم، دوباره درگیر روزهایی
شده‌ایم که یادآور همان رنج‌هاست؛
روزهایی که حس می‌کنیم تاریخ از ما
می‌خواهد بار دیگر امتحان پس بدهیم،
بار دیگر کنار هم بایستیم و بار دیگر
چراغ راه هم شویم.



حماسه‌ی مردم ایران

در آن دوران، مردم با همه‌ی سختی‌ها، با دل‌هایی لرزان اما استوار، در کنار رزمندگان ایستادند و با دست‌های خالی و قلب‌هایی پر از ایمان، حماسه‌هایی آفریدند که هنوز هم آوازه‌ی آن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. ظلمی که به این سرزمین می‌شد، زخمی عمیق بود؛ زخمی که روی هر خانه، هر کوچه و هر دلی نشانه‌ای گذاشت؛ اما در میان همان تاریکی‌ها، روشنائی‌هایی بود که هیچ تیر و ترکش و آوار نمی‌توانست خاموششان کند: روشنائی دست‌هایی که به یاری هم می‌رفتند، روشنائی اشک‌هایی که به هم قوت قلب می‌دادند و روشنائی معلمانی که میان صدای آژیر و بی‌برقی و اضطراب، برای کودکانشان درس امید می‌نوشتند.

و حالا امروز، در این روزهای دشوار، همان روشنائی‌ها دوباره جان می‌گیرد. هر حادثه‌ی تلخی که رخ می‌دهد، هر داغی که بر دلمان می‌نشیند، دوباره آن حقیقت دیرینه را یادآور می‌شود: ما ملتی هستیم که اگرچه زخم می‌خوریم، اما نمی‌شکنیم. ملتی که دردهایش را به تنهایی نمی‌گذراند، بلکه در آغوش مردمش تاب می‌آورد. ما ملتِ پادشکننده‌ایم. ضربه‌ها ما را خرد نمی‌کنند، بلکه بذر قدرت و وحدت را در دل‌هایمان می‌کارند. تاریخ بارها امتحانمان کرده است؛ از روزهای آتش و خمپاره تا امواج درد امروز. هر بار خواسته‌اند ما را متوقف کنند، نه تنها ایستاده‌ایم، بلکه از دل خاکستر حوادث، چون جوانه‌های تازه، از نو رویده‌ایم. پادشکنندگی یعنی همین: توان دگرشدن، توان برخاستن و تبدیل رنج به نیرو. ما ملتی هستیم که از سختی، جان تازه می‌گیریم.

در میانه‌ی همین روزهای سخت، نقش مدرسه و معلم بیش از همیشه معنا پیدا می‌کند. ما معلمان، وارث خاطرات نسلی هستیم که میان دود و آوار، هنوز برای بچه‌ها لایلی امید می‌خواند. امروز نیز در دل کلاس‌های کوچکمان، همان پیام را زنده نگه می‌داریم: اینکه حتی در سخت‌ترین روزها زندگی ادامه دارد؛ روشنائی ادامه دارد و امید اگرچه گاهی آرام و خسته، اما همیشه پابرجاست.

در این روزهای اخیر که دوباره سایه‌ی جنگ

بر دیوارهای شهر و مدرسه افتاده، خانواده‌ی آموزش و پرورش نیز بی‌نصیب از داغ نبوده است. طبق اعلام رسمی وزارت آموزش و پرورش، در این حمله‌ی ظالمانه ۶۷ نفر از فرهنگیان عزیزمان به شهادت رسیدند. از این تعداد، ۱۲ نفر همکار مرد و ۴۶ نفر خانم بودند. ۹ نفر از این شهدا از پیش‌کسوتان و بازنشستگان بودند ۶ نفر مرد و ۳ نفر خانم. هر کدام از این عزیزان چراغی بودند در کلاس درسی یا خانه‌ای در گوشه‌ی ایران؛ چراغ‌هایی که خاموش شدند؛ اما گرمایشان در جان دانش‌آموزان و همکارانشان باقی مانده است.

در کنار این داغ، خبر ۱۹۶ دانش‌آموز مجروح دلی را آرام نمی‌گذارد. هر یک از این فرزندان امید خانواده‌ای بودند؛ کودکی که دفترش هنوز بوی نان صبحگاهی مادر را می‌داد، یا پسری که تازه یاد گرفته بود برای دوستش نامه بنویسد. زخمی شدن آنان یعنی زخمی شدن امید، زخمی شدن فردای مدرسه‌ها. همچنین ۲۶ فرهنگی مجروح شده‌اند؛ انسان‌هایی که دیروز میان درس و مسئولیت، با عشق به تعلیم نسل بعد نفس می‌کشیدند و امروز دردشان یادآور تعهدی است که هرگز از پای نمی‌افتد.

آمارها فقط عدد نیستند. ۹۹۳ فضای آموزشی آسیب دیده است؛ یعنی ۹۹۳ جایی که پناه کودکان و معلمانی بود که هر صبح، در آغوش تخته و کتاب، رؤیای دانستن را زنده نگه می‌داشتند. ۵۴ فضای اداری نیز آسیب دیده‌اند؛ اتاق‌هایی که در آن، تصمیم‌های تربیتی گرفته می‌شد، نامه‌های محبت‌آمیز معلمان به دست مسئولان می‌رسید. ۱۷ کانون فرهنگی، ۳۶ سالن ورزشی و ۸ اردوگاه دانش‌آموزی هم تخریب شده‌اند؛ جاهایی که قرار بود خنده و دوستی و ماجراجویی بخشی از تربیت کودکانمان باشد. هر کدام از این مکان‌ها، فصل کوچکی از کتاب زندگی نوجوانان ما بوده‌اند که حالا با خاک و آوار آمیخته، اما معنایش از بین نرفته است.

باید از داغ «مدرسه‌ی شجره‌ی طیبه میناب» یاد کنیم. داغ شهادت دانش‌آموزان و معلمانی که در کلاس درس ددمنشانه هدف قرار گرفتند و قلب‌های همه‌ی ایرانیان را داغ‌دار

کردند. در این جنایت هولناک ۱۵۶ شهید شامل ۱۲۰ دانش‌آموز (۷۳ پسر و ۴۷ دختر)، ۲۶ معلم (همگی خانم)، ۷ نفر اولیای دانش‌آموزان (۴ نفر آقا و ۳ نفر خانم)، یک نفر راننده‌ی سرویس مدرسه، یک نفر فن‌ورز (تکنیسین) داروخانه‌ی درمانگاه مجاور مدرسه و یک جنین شش‌ماهه به شهادت رسیدند.

شاید سنگ و دیوار فرو بریزد، اما کلاس درس ساختنی است، حتی بر خاک و در دل تاریکی. ما معلمان، وارثان فرهنگی هستیم که تسلیم شکست نمی‌شود. وقتی زمین می‌لرزد، ما دفتر را باز می‌کنیم. وقتی آسمان تاریک می‌شود، ما قصه‌ی روشنائی را برای بچه‌ها می‌خوانیم. پادشکنندگی ما همین است؛ اینکه از رنج، درس بسازیم، از داغ، معنا بتراشیم و از خرابی‌ها، دوباره امید را بنا کنیم. ملت ما زخم می‌خورد؛ اما نمی‌شکند. می‌سوزد؛ اما دوباره می‌روید. معلم ایرانی قلب تپنده‌ی همین رویش است.

جنگ در هر جای دنیا که باشد، با خود وحشت می‌آورد؛ خیابان‌ها را ساکت می‌کند، خانه‌ها را پرفشار و دل‌ها را بی‌پناه. معمولاً در چنین روزهایی مردم درها را می‌بندند، فروشگاه‌ها خالی می‌شوند و شهرها رنگ اضطراب می‌گیرند؛ اما در این سرزمین، قصه کمی متفاوت است. بارها دیده‌ایم که هرگاه روزگار سخت می‌شود، آدم‌هایمان به جای پنهان شدن، به جای تنها ماندن، به دل خیابان‌ها آمده‌اند؛ نه از سر بی‌خیالی که از سر همدلی. آمده‌اند تا کنار هم بایستند تا نگاهشان دست‌های لرزان همسایه را آرام کند؛ تا حضورشان دل شهر را گرم‌تر نگه دارد.

انگار در اعماق وجود این مردم، با همه‌ی تفاوت‌ها و دل‌مشغولی‌ها، یک باور مشترک جاری است: اینکه هیچ تاریکی‌ای آن قدر پر قدرت نیست که بتواند روشنائی ایمان را خاموش کند، اینکه دل آدمی، وقتی به پناهی بزرگ‌تر از خودش تکیه می‌دهد، در میان هر آشوبی هم می‌تواند محکم بماند. قرآن به ما چنین آموخته است: «وَمَا التَّصَرُّ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْغَزِيْرِ الْحَكِيمِ» (آل عمران/۱۲۶). همین آیه سال‌هاست که در لحظه‌های سخت، همچون دستی مهربان، قلب‌ها را آرام کرده و امید را در جان‌ها زنده نگه داشته است. مردم ما این حقیقت را با رفتارشان زندگی کرده‌اند؛

با حضورشان، با آرامشی که در دل توفان به هم منتقل کرده‌اند، با باوری که میان خانه‌های کوچک و بزرگ این سرزمین جریان داشته و دارد. هر کدامشان گویی شعله‌ی کوچکی از امید بوده‌اند که اگر تنها بماند، شاید لرزان شود، اما وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، نوری می‌سازند که هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند خاموشش کند.

و در این میان، معلمان و دانش‌آموزان ما چون ستاره‌های درخشان در آسمان پرستاره‌ی مقاومت هستند. آن‌ها که تنها در کلاس درس، روشنی‌بخش جان بچه‌ها نیستند، بلکه در بطن همین روزهای سخت، حضوری پررنگ و حیاتی داشته‌اند. از تدارک سفره‌های ساده‌ی افطار و سحر برای دل‌های روزه‌دار رزمندگان، تا آن حضور دلگرم‌کننده در خیابان‌ها که نشان از همبستگی و همدلی داشت؛ از تلاش برای رفع

اشکال درس‌های پیچیده، تا تقویت بنیه‌ی علمی همین آینده‌سازان کشور در دل بحران. این‌ها همه مصداق واقعی «و ما النصر الا من عندالله» است؛ جایی که ایمان به عمل می‌پیوندد و عشق به وطن و آینده، خود را در این تلاش‌های ستودنی نشان می‌دهد. این حضور همه‌جانبه، از تلاش‌های کوچک و بزرگ گرفته تا فداکاری‌های بزرگ‌تر، به ما اثبات می‌کند که آینده متعلق به کسانی است که با عشق و دانش و با تکیه بر ایمانی راسخ، برای ساختن فردایی بهتر گام برمی‌دارند. این همان یادشکندگی است که از دل درد، رویش امید را نوید می‌دهد و نشان می‌دهد که حتی در سخت‌ترین شرایط، چراغ دانش و مقاومت در این سرزمین هرگز خاموش نخواهد شد.

با پایان یافتن آخرین شماره‌ی نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی در این دوره، بر خود لازم

می‌دانیم از همراهی، همدلی و تلاش‌های بی‌وقفه‌ی شما همکاران ارجمند فرهنگی و اولیای گرامی دانش‌آموزان عزیز، در طول یک سال پرفرازونشیب صمیمانه تشکر کنیم. در روزهایی که خبرهای تلخ جنگ، دل‌هایمان را سنگین کرده و یادآور دوران مقاومت و ایستادگی ملت ایران بود، شاهد حضور فوق‌العاده‌ی شما در عرصه‌های متعدد بودیم. این تلاش‌ها که در دلگرمی‌بخشی به نسل آینده تجلی یافت، گواه عهده‌ی ناگسستنی با «آینده» است؛ آینده‌ای که با چنین تلاش‌های ستودنی، از آن ما خواهد بود. در ابتدا، بنا بر روال معمول، سرمقاله‌ای با موضوعی دیگر در نظر گرفته بودیم؛ اما تقدیر چنین رقم خورد که ایام جنگ و ضرورت بازتاب حماسه‌ی مقاومت و تاب‌آوری ملت بزرگ ایران، ما را به‌سوی نگارش متنی دیگر

رهنمون سازد. تجربه‌هایی که در بطن این وقایع تاریخی آموختیم، از درس و بحث کتاب‌ها، عمیق‌تر و ماندگارتر است. این درس‌های زندگی که صبر، ایستادگی، همبستگی و اراده‌ی پولادین را به ما آموختند، سرمایه‌هایی گران‌بها برای آینده‌ی کشورمان خواهند بود. ما نیز به‌عنوان خادمان فرهنگ و آموزش، خود را متعهد می‌دانیم که یاد و نام این شهیدان فداکار فرهنگ و دانش را زنده نگه داریم و از دل همین تاریکی‌ها، پرچم روشنایی آموزش را در سال‌های پیش رو بلندتر برافرازیم.

به فصل دل‌انگیز تابستان نزدیک می‌شویم. این دوران فرصتی مغتنم برای اندیشیدن، بازسازی روح و جسم و تجدید قوا برای آغاز سال تحصیلی جدید است. تابستان، نه تنها زمانی برای استراحت که فرصتی است برای اندیشیدن به آموخته‌های گذشته و برنامه‌ریزی برای آینده‌ای روشن‌تر است. امیدواریم در این فرصت، با ذهنی آرام و قلبی مطمئن، خود را برای هدایت نسل آینده آماده سازید. ما نیز مشتاقانه در سال تحصیلی آینده، همچون گذشته، همراه و هم‌قدم شما خواهیم



آخرین آمار دانش‌آموزان شهید در جنگ رمضان

بود تا با هم، مسیر روشن آموزش و پرورش را در پیش گیریم. خداوند متعال در قرآن کریم، خطاب به پیامبر(ص) گرمی‌اش و به تبع آن، به همه‌ی ما جویندگان راه حق، می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (پس هنگامی که [از کار مهمی] فراغت یافتی، [به کاری دیگر] بکوش) (شرح/۷). پایان این سال تحصیلی، «فراغت» از مأموریتی سنگین و پربرکت است؛ اما این فراغت به معنای توقف نیست؛ بلکه نشانه‌ی آغاز کوششی نوست. همین که این سال به پایان رسید، فصلی تازه برای نصب و تلاش مجدد آغاز می‌شود؛ تلاشی آگاهانه‌تر، مسلح‌تر و متمرکزتر بر رشد همه‌جانبه‌ی کودک، آن‌گونه که شایسته‌ی اوست.

در پایان، هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی، صمیمانه از همراهی ارزشمند، نظرات سازنده و انرژی مثبت شما همکاران عزیز در طول این سال سپاسگزاری می‌کند. شما هستید که به صفحات این مجله روح و معنا بخشیده‌اید. از شما دعوت می‌کنیم این همراهی را در سال تحصیلی آینده نیز تداوم بخشید. رشد آموزش ابتدایی خانه‌ی همه‌ی شماست. منتظر دریافت تجربه‌های عملی، طرح‌درس‌های نوآورانه، نقدهای دلسوزانه و پیشنهادهای ارزشمند شما در قالب مقاله، گزارش و یادداشت هستیم تا بتوانیم این دست‌نامه را هر ماه پربارتر و کاربردی‌تر از قبل، کنار دستتان قرار دهیم.

از صمیم قلب، آرزوی پیروزی و سربلندی برای رزمندگان شجاع میهنمان و نابودی کامل دشمنان آشوبگر و ستمگر را داریم. در پرتو همین آرزوها، برای تک‌تک دانش‌آموزان، آینده‌سازان این مرزوبوم، رویش شکوفه‌های استعداد، شکفتن گل‌های امید و پرواز پرندگان خلاقیت در آسمان زندگی را آرزومندیم. برای معلمان فرهیخته و دلسوز، سلامتی، عزت و ادامه‌ی توفیق در رسالت انبیاگونه‌شان را خواهیم و برای مدرسه‌ها و مراکز آموزشی این سرزمین، صلابت، روشنایی و تبدیل شدن به پایگاهی امن برای رشد و بالندگی نسل‌های آینده را مسئلت داریم. باشد که ایران ما همواره سرافراز و سربلند، چون خورشیدی تابان، بدرخشد. إن شاء الله!





مریم ملکی
گارشناس ارشد فلسفه و حکمت
اسلامی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی

وارد می‌کند، در حقیقت جان تازه‌ای به جریان یادگیری می‌بخشد و مفاهیم را از قالب انتزاعی کتاب‌ها به میدان تجربه و زندگی روزمره منتقل می‌کند. برای نمونه، «روز طبیعت» تنها یک تقویم مناسبتی نیست؛ پنجره‌ای است برای گفت‌وگو درباره‌ی چرخه‌ی حیات، نقش پوشش گیاهی در سلامت زمین، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و حتی اجرای پروژه‌های کوچک کشت و مراقبت از گیاه. این رویکرد، یادگیری را از متن به عمل، از گفته به تجربه و از درس به زندگی پیوند می‌دهد.

کاربرد مناسبت‌ها در تدریس، افزون بر ارتباط‌دادن مفاهیم درسی به واقعیت‌های زندگی، انگیزه‌ی یادگیری را نیز افزایش می‌دهد. کودکان هنگامی که می‌بینند آنچه در کتاب می‌آموزند با

تقویم فقط مجموعه‌ای از روزها و ماه‌ها نیست؛ بلکه گنجینه‌ای زنده از مناسبت‌های ملی، مذهبی، فرهنگی و علمی است که می‌تواند در خدمت آموزش و پرورش قرار گیرد. هر مناسبت فرصتی آموزشی است؛ فرصتی برای گفت‌وگو، برای تأمل و برای تجربه‌کردن یادگیری در بستری واقعی و جذاب. معلمانی که با نگاه خلاقانه و پویا به کلاس درس می‌نگرند، به‌خوبی می‌دانند که مناسبت‌ها فقط یادآور یک تاریخ نیستند، بلکه پلی هستند میان محتوای درسی و جهان عینی و قابل لمس دانش‌آموزان.

وقتی آموزگار مناسبت‌های تقویمی را در برنامه‌ی آموزشی خود

۱۰ اردیبهشت: روز ملی خلیج فارس

کتاب: مطالعات اجتماعی پایه‌ی پنجم
* درس ۱۱ (ناهمواری‌های ایران)،
صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰

توضیح: در این درس خلیج فارس به عنوان یکی از عوارض مهم طبیعی ایران معرفی شده است و اهمیت آن شرح داده می‌شود.



۶ اردیبهشت: فاجعه‌ی انفجار بندرعباس

کتاب: اشاری مستقیم ندارد.



۹ اردیبهشت: روز ملی روان‌شناس و مشاور

کتاب: هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم
* درس ۶ (راز موفقیت)، صفحه‌های ۳۶ تا ۳۹
توضیح: در این درس اهمیت مشورت و راهنمایی گرفتن از افراد آگاه و مشاور آموزش داده می‌شود.

۱ اردیبهشت: روز بزرگداشت سعدی

کتاب: فارسی پایه‌ی ششم
درس ۱ (حکایت)، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۸
توضیح: درس اول کتاب فارسی ششم با عنوان «حکایت» به داستان‌هایی از گلستان سعدی اختصاص دارد. در این درس زندگی و اهمیت سعدی معرفی می‌شود.



۱۱ اردیبهشت: روز جهانی کارگر

کتاب: هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم
* درس ۱۰ (کار و تلاش)، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳
توضیح: ارزش کار و احترام به زحمت‌کشان و کارگران در این درس آموزش داده شده است.



۹ اردیبهشت: ولادت امام رضا (ع)

کتاب: هدیه‌های آسمان پایه‌ی سوم
* درس ۱۴ (امام رضا علیه السلام)،
صفحه‌های ۶۸ تا ۷۱
توضیح: درس مستقلاً به زندگی و اخلاق امام رضا (ع) اختصاص یافته است.



۳ اردیبهشت: روز بزرگداشت شیخ بهایی؛

روز معماری
کتاب: مطالعات اجتماعی پایه‌ی پنجم
* درس ۱۴ (زندگی در نواحی مختلف ایران)،
صفحه‌ی ۷۴
توضیح: در این درس به معماری ایرانی و دانشمندان مؤثر در معماری مانند شیخ بهایی اشاره شده است.
کتاب: هدیه‌های آسمان پایه‌ی ششم
* درس ۱۱ (دانشمندان مسلمان)،
صفحه‌های ۶۶ تا ۶۹

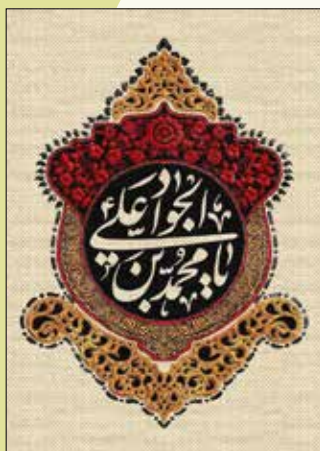
توضیح: زندگی و دستاوردهای شیخ بهایی به‌عنوان دانشمندی مسلمان معرفی شده است.

از این ظرفیت عظیم بیش از پیش بهره ببریم. به همین منظور، در هر شماره، مناسبت‌های ماه پیش‌رو را همراه با ارجاعات دقیق به محتوای مرتبط در کتاب‌های درسی، پیشنهاد‌های آموزشی، ایده‌های خلاقانه، فعالیت‌های عملی، پروژه‌های کلاسی و کارگاه‌های قابل اجرا کردیم.

از همکاران گرانمایه دعوت می‌کنیم تجربه‌های ارزشمند خود را درباره‌ی بهره‌گیری از مناسبت‌ها در کلاس درس با ما در میان بگذارند. بی‌تردید تبادل این تجربه‌ها، رویکردهای آموزشی ما را پربارتر کرده و در نهایت ما را به هدف مشترکمان نزدیک‌تر خواهد کرد: یادگیری مؤثرتر، عمیق‌تر و ماندگارتر برای کودکان این سرزمین.

رخداد‌های پیرامونشان پیوند خورده است، احساس معنا، تعلق و ضرورت بیشتری پیدا می‌کنند. مناسبت‌ها بستری مؤثر برای تقویت مهارت‌های مهم زندگی نیز هستند: پرسشگری، گفت‌وگو، مشارکت، همدلی، برنامه‌ریزی، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری. یادگیری در چنین فضاهایی، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی را در بطن فعالیت‌های ساده اما اثرگذار کلاس تثبیت می‌کند.

برخورد با مناسبت‌های تقویمی طیفی گسترده دارد؛ از بی‌توجهی کامل تا برنامه‌ریزی هدفمند و الهام‌بخش. در سال‌های اخیر، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تلاش کرده است نگاه دوم را تقویت کند و نشان دهد که چگونه می‌توان مناسبت‌ها را به فرصتی واقعی برای یاددهی و یادگیری تبدیل کرد. امسال نیز بر آن بودیم که



۲۵ اردیبهشت: روز بزرگداشت فردوسی

کتاب: فارسی پایه‌ی پنجم

* درس ۴ (راز زندگی)، صفحه‌های ۳۶ تا ۴۱

توضیح: این درس به داستانی از شاهنامه‌ی فردوسی اختصاص دارد و در مقدمه‌ی آن به معرفی فردوسی پرداخته شده است.



۱۲ اردیبهشت: روز معلم

کتاب: هدیه‌های آسمان پایه‌ی سوم

* درس ۲ (مربی مهربان)، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۳

توضیح: این درس به‌طور کامل به نقش معلم و احترام به او اختصاص دارد.

۲۷ اردیبهشت: شهادت امام جواد (ع)

کتاب: هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم

* درس ۱۳ (امامان هدی)، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۵

توضیح: در این درس به زندگی امام جواد (ع) و دیگر امامان اشاره شده است.



۲۸ اردیبهشت: روز بزرگداشت

حکیم عمر خیام

کتاب: ریاضی پایه‌ی ششم

* بخش «دانش ریاضی» در حاشیه‌ی کتاب، نزدیک صفحه‌ی ۳۰

توضیح: در حاشیه، کتابی با عنوان دانشمند، ریاضی‌دان و منجم معرفی شده است.

۲۷ اردیبهشت: روز ارتباطات و روابط عمومی

کتاب: مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم

* درس ۱۶ (ارتباطات)، صفحه‌های ۸۶ تا ۸۹

توضیح: در این درس اهمیت ارتباطات در جهان امروز و انواع آن آموزش داده می‌شود.



۲۲ اردیبهشت: زادروز مریم میرزاخانی

کتاب: ریاضی پایه‌ی ششم

* بخش «فعالیت» در انتهای کتاب، صفحه‌ی ۱۵۲

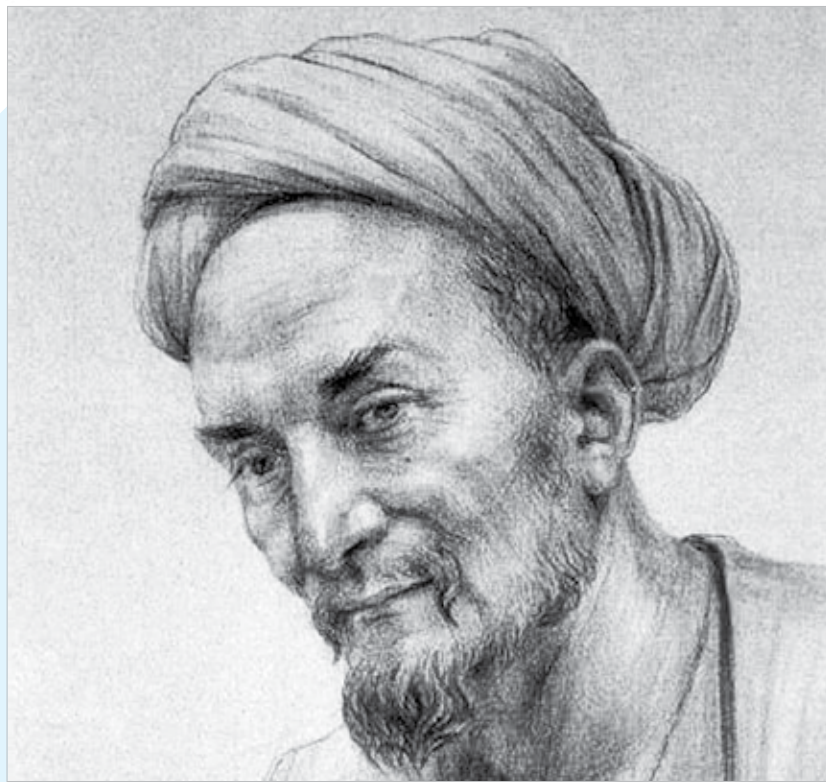
توضیح: در قالب فعالیتی پژوهشی، زندگی و دستاوردهای مریم میرزاخانی به عنوان الگویی موفق معرفی شده است.



کتاب: فارسی پایه‌ی ششم

* درس ۱۷ (رباعی)، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۸

توضیح: در این درس رباعیاتی از خیام آمده و او به عنوان شاعر و دانشمند معرفی شده است.



گفت‌وگوی مؤثر و مهرورزانه را می‌آموزد.

به جای طرح درس

بوستان سعدی (سعدی‌نامه)
این کتاب سرشار از حکمت عملی است. داستان‌های کوتاه و پندهای آن، مانند کلاسی برای مهارت زندگی، از عدالت و انصاف، عفو و گذشت، و تلاش و قناعت سخن می‌گوید. زبانی ساده و روایی دارد و دروازه‌ای عالی برای ورود کودکان به دنیای شعر کهن است.

گلستان سعدی
این کتاب نگارشی هنرمندانه دارد و آکنده از نکات اجتماعی و اخلاقی است. نشر آهنگین و مسجع آن گوش کودکان را با موزیک زیبای زبان فارسی آشنا می‌سازد و ذائقه‌ی ادبی آنان را پرورش می‌دهد.

چگونه این گنج را به کلاس ببریم؟
همکار عزیز، نیاز نیست ساعت زیادی را به این امر اختصاص دهید؛ لحظات طلایی ابتدای کلاس، پس از زنگ تفریح یا در پایان روز کافی است.
قصه‌گویی حکیمانه: حکایت کوتاه و جذابی

در میان هیاهوی آموزش‌های فنی و پیچیدگی‌های دنیای نوین، گاهی لازم است مکثی کنیم و به سرچشمه‌های زلال فرهنگ و هویت خود بازگردیم. شعر فارسی، غذای روح ملتی است. در این میان، سعدی شیرازی، آن استاد بی‌بدیل سخن، نه فقط شاعر که معلم بزرگ اخلاق، روان‌شناسی ژرف‌نگر و دیپلماتی برای فرهنگ ایرانی است.

چرا شعر خوانی؟ و چرا سعدی؟
وقتی دانش‌آموز پایه‌ی سوم، با آهنگین خواندن بیت «بنی آدم اعضای یکدیگرند...»، همراه دوستان هم‌کلاسی‌اش دست می‌زند، او تنها شعر را حفظ نکرده، بلکه مفهوم همدلی جهانی را در ذهن خود نهادینه کرده است. وقتی دانش‌آموز پایه‌ی پنجم حکایت «پسر و سنگ‌تراش» را از بوستان می‌شنود، با عواقب بی‌تابی و ناشکیبایی آشنا می‌شود و وقتی دانش‌آموز پایه‌ی ششم از گلستان می‌خواند که «نگویند سخن‌های تلخ و درشت / که خود دوست به دشمن فراوان سرشت»، آداب

را از بوستان (مثل حکایت «دیگری را هم باید خواست» به زبان ساده و امروزی تعریف کنید. سپس بیت اصلی آن را بخوانید. بگذارید بچه‌ها درباره‌ی پیام آن گفت‌وگو کنند.

مشق مهر: از دانش‌آموزان بخواهید بیتی از سعدی را درباره‌ی مهربانی روی کارت زیبایی بنویسند و به دیوار کلاس یا دفتر خود بچسبانند؛ مثلاً این شعر: «چندان که بتوانی میازار کس / که در نشیب است روزگار بسر»

نمایش خلاق: حکایت ساده‌ای را به صورت نمایش دو یا سه نفره با کمک دانش‌آموزان اجرا کنید. لباس یا ابزار خاصی نیاز نیست؛ همین که بچه‌ها نقش‌ها را تقسیم کنند، کافی است.

شعر روزانه: روی تابلوی کلاس، بیتی از سعدی با عنوان «شعار هفته» یا «پیام روز» بنویسید. صبح‌ها یک بار با هم بلند بخوانید. تکرار، این سخنان را در حافظه و قلب کودکان حک می‌کند.

کارگاه ضرب‌المثل: بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج ما ریشه در حکایت‌های سعدی دارد؛ مثل «گریه را دم حجله کشتن» یا «سنگ بزرگ نشانه‌ی نزدن است». فراموش نکنیم که هدف ما تربیت حافظه‌پروری نیست، بلکه پرورش قلب‌های بیدار و ذهن‌های پرسشگر است. بگذاریم کودکان لذت ریتم و قافیه، شگفتی پیام‌های کهن و کاربرد آن‌ها را در زندگی امروز تجربه کنند.

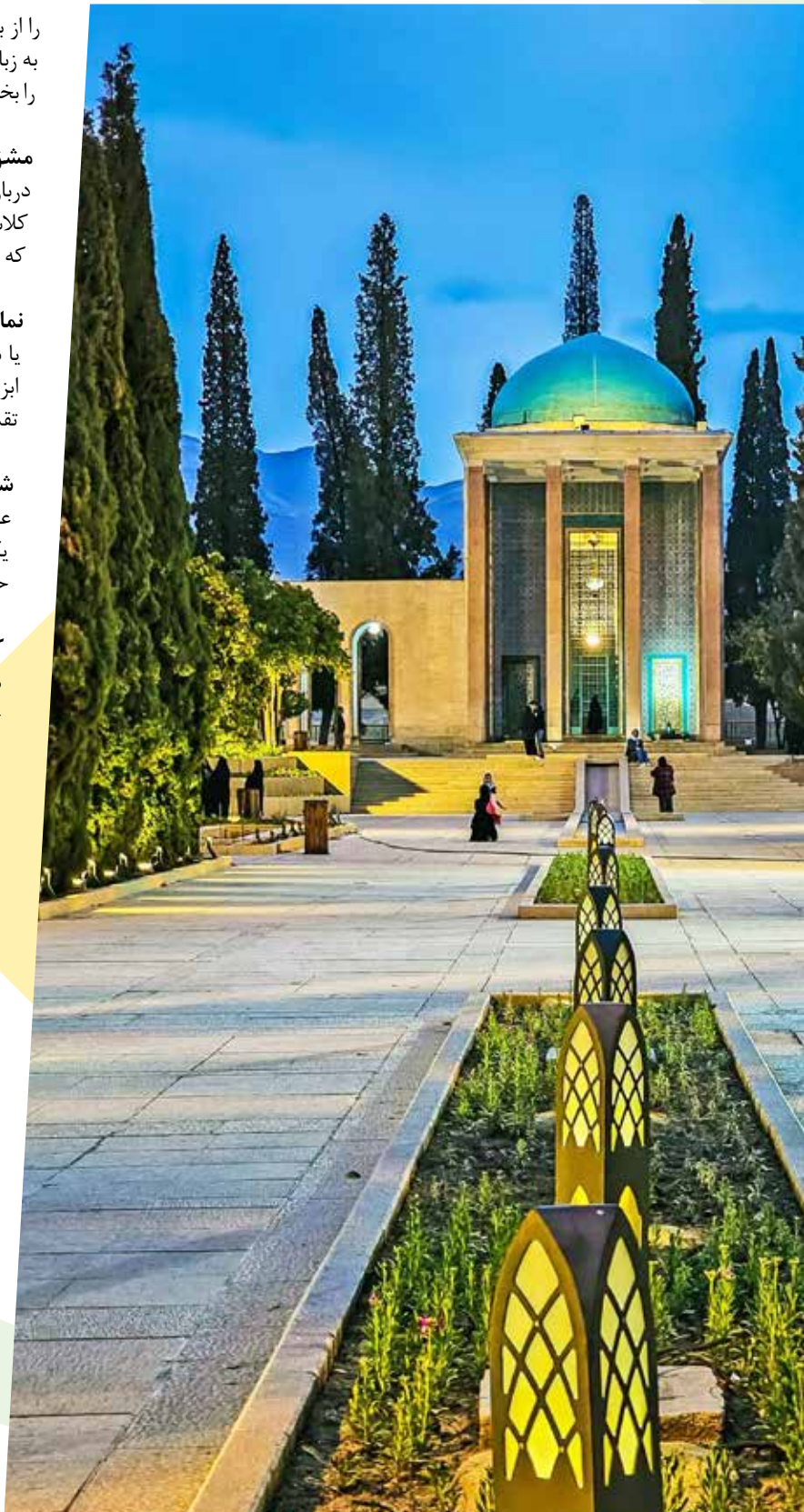
بیان این نکته هم خالی از لطف نیست: دانش‌آموز ابتدایی حتماً توان فهم متون سعدی را دارد؛ بگذارید این تصور که دانش‌آموز نمی‌تواند به خوبی درک کند، از ذهن ما رخ ببندد. زبان بوستان و گلستان ساده است و البته عمیق و پرمحتوا.

پارسایی را دیدم بر کنار دریا که زخم پلنگ داشت و به هیچ دارو به نمی‌شد. مدت‌ها در آن رنجور بود و شکر خدای عزوجل علی‌الدوام گفتی. پرسیدندش که شکر چه می‌گویی؟ گفت: شکر آنکه به مصیبتی گرفتارم، نه به معصیتی (گلستان سعدی).

گر مرا زار به کشتن دهد آن یار عزیز / تا نگویی که در آن دم غم جانم باشد
گویم از بنده‌ی مسکین چه گنه صادر شد / کاو دل‌آزرده شد از من، غم آنم باشد

منبع

۱. گلستان سعدی، باب دوم، حکایت شماره‌ی ۱۳.



کنار چشمه‌ی بهشتی

ملاحظه‌هایی در باب آموزش سوره‌ی کوثر به کودکان

هدف تربیتی سوره‌ی کوثر

۱. شکرگزاری و قدردانی از نعمت‌ها؛
۲. شناخت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان نعمتی بزرگ.

برای آموزش سوره‌ی کوثر، ابتدا لازم است خود را در فضای سوره ببینیم. ارادت بیشتر به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) حال و هوای سوره‌ی کوثر را در لحظاتمان جاری می‌کند. خوب است حقیقت کوثر را با عظمت ببینیم و خود را نیازمند و مشتاق آن بدانیم. خوب است بخواهیم به واسطه‌ی نماز، به پیامبر (ص) عظیم‌الشأن نزدیک‌تر شویم و با اتصال به کوثر، جریان پیدا کنیم و به جاودانگی برسیم. می‌دانیم که دانش‌آموزان ما ظرفیت گفت‌وگو درباره‌ی این حقیقت‌ها را ندارند؛ اما همین حال و هوای ما بدون اینکه با بچه‌ها حرفی از آن بزنینم، به‌طور طبیعی روی آن‌ها و فضای کلاس اثر می‌گذارد. به یاد داشته باشیم که اصلی‌ترین کار در آموزش سوره، خواندن سوره در فضایی شاد، امن و همراه با معنویت و نشاط است (درّبخش و خدادادی، ۱۴۰۳).

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کار معلم در پایه‌ی اول، القای پاک‌بودن و خوب‌بودن و مهربان‌بودن است (اخوت، رضازاده، ۱۴۰۲). علاوه بر خواندن سوره، می‌توانیم از انواع قالب‌های فعالیت برای

مریم خدادادی

کارشناس ارشد قرآن و حدیث

مریم‌السادات پورمسجدی میبدی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

حقیقت‌ها قوانین ثابتی هستند که بر زندگی انسان و هستی‌اش سیطره دارند و موجب سیر انسان و هستی به‌سوی پروردگار می‌شوند. طبیعی است که ضرورت دارد حقایقی که به فرزندانمان گفته می‌شود، در سطح درکشان باشد. فهم قرآن در دوره‌های ابتدایی و متوسطه رویکرد آموزش حقایق سوره‌های قرآن به دانش‌آموزان، از طریق انس با سوره و انتقال پیامی متناسب با سطح رشد و درک دانش‌آموزان است (اخوت، ۱۳۹۹).

سوره‌ی مبارکه‌ی کوثر در رویکرد فهم قرآن، برای شکوفایی ابراز شاکرانه در نظر گرفته شده است. به واسطه‌ی این سوره، کودک با موضوعاتی چون نعمت‌داشتن، قدردانی و شکر نعمت و وجود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها آشنا می‌شود. به دانش‌آموزان می‌گوییم که «سوره‌ی کوثر» می‌خواهد حواسمان به نعمت‌هایی باشد که خداوند به ما داده است و قدر آن‌ها را بدانیم، به خصوص که بعضی از این نعمت‌ها خیلی بزرگ و مهم هستند.

انتقال بهتر پیام سوره استفاده کنیم. البته می‌دانیم که اصل آموزش سوره، بازی و شعر و قصه‌گویی و انواع فعالیت‌ها نیست؛ بلکه تغییری است که به واسطه‌ی همراهی با سوره اتفاق می‌افتد. یعنی ممکن است آموزگاری از هیچ بازی یا داستان خاصی برای انتقال پیام سوره استفاده نکند و فقط سوره را بخواند، سپس پیام سوره را در موقعیتی مناسب بیان کند و با استمرار این روش طی چند هفته، دانش‌آموزان را به هدف تربیتی سوره برساند؛ اما برخی فعالیت‌هایی که می‌توان برای انتقال پیام سوره‌ی کوثر به دانش‌آموزان از آن‌ها کمک گرفت، این موارد است:

● کتاب‌های کودک، داستان‌ها و شعرهایی که در مورد انواع نعمت‌هاست. در این زمینه از کتاب‌های علمی کودکان نیز می‌توان کمک گرفت.

● فعالیت‌ها و بازی‌هایی که کودکان در آن‌ها، انواع نعمت‌ها را مشاهده و ارزش نعمت‌ها را درک می‌کنند. مثلاً بازی‌هایی که در آن‌ها، بدون کمک گرفتن از دست‌ها باید کاری را انجام داد.

● کتاب‌های کودک، داستان‌ها و شعرهایی که در مورد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و به‌طور کلی اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند و کودکان را با خوبی‌های ایشان مواجه می‌کنند. البته لازم است کتاب‌هایی را که در این زمینه نوشته و منتشر شده است، با دقت و وسواس بیشتری انتخاب کنیم. بهتر است کتاب‌هایی را انتخاب کنیم که بین بچه‌ها و معصومین، رابطه‌ی قلبی ایجاد می‌کند. کتاب‌هایی که در حد سن کلاس اولی‌ها و به دور از شعارزدگی است.

مراحل آموزش سوره‌ی کوثر

بنا بر آنچه گفته شد، سیر آموزش سوره‌ی مبارکه‌ی کوثر طی سه هفته‌ای که بر سوره وقوف داریم، می‌تواند به این شکل باشد؛ اما ما تا هر مرحله‌ای که شرایط کلاسمان اجازه می‌داد، پیش می‌رویم:

● **مرحله‌ی اول:** نعمت‌های ملموس زندگی را به دانش‌آموزان نشان می‌دهیم و آن‌ها را





آموزش سوره‌ی
مبارک‌هی کوثر



اول ابتدایی بودند. هیچ محدودیتی در اینکه سوره‌ها به پایه‌های دیگر نیز آموزش داده شوند، وجود ندارد؛ تنها باید با توجه به اقتضات رشدی دانش‌آموزان هر پایه، روش‌های ارائه و اهداف متناسب با آن پایه را دنبال کنیم. برای ارزیابی آموزش‌های انجام‌شده نیز می‌توان گفت: «علاوه بر محبت به سوره‌ی مبارک‌هی کوثر و انس با آن، هر قدر شکر زبانی نعمت‌ها، شناخت نعمت‌ها و توجه به آن‌ها و قدردانی عملی از نعمت‌ها در دانش‌آموزان بیشتر شده باشد، به همان نسبت آموزش سوره‌ی کوثر موفقیت‌آمیزتر بوده است» (مدرسه‌ی دانشجویی قرآن و عترت، ۱۳۹۹).

● **مرحله‌ی سوم:** به وجود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌عنوان نعمتی بزرگ توجه و سعی می‌کنیم انس و محبت دانش‌آموزان به آن حضرت را شکوفا سازیم. قدردانی از این نعمت بزرگ را به‌واسطه‌ی انجام کارهای خوبی معرفی می‌کنیم که پیامبر از ما می‌خواهند. بچه‌ها باید بدانند که هرچه بیشتر خوبی کنند، به پیامبر مهربان نزدیک‌تر می‌شوند و بیشتر و بیشتر شبیه ایشان می‌شوند. همچنین خوب است بدانند هرچه به پیامبر نزدیک‌تر باشند، نعمت‌های بیشتری خواهند داشت.

● **مرحله‌ی چهارم:** اگر مراحل قبل طی و شوق نزدیک‌شدن به پیامبر در بچه‌ها شکوفا شد، نماز را به‌عنوان راه اصلی نزدیک‌شدن به آن حضرت معرفی می‌کنیم و به این وسیله بچه‌ها را به نماز مشتاق می‌سازیم (دربخش و خدادادی، ۱۴۰۳).

سوره‌ی مبارک‌هی کوثر در هر پایه و ارزیابی آموزش

موضوعاتی که مطرح شدند، ابعاد گوناگون آموزش سوره‌ی مبارک‌هی حمد، در پایه‌ی

با مفهوم نعمت‌داشتن آشنا می‌کنیم؛ به این واسطه آن‌ها را به شکرگزاری ترغیب می‌کنیم؛ برای کودکان شکر زبانی هم کافی است. اگر سوره‌ی حمد را آموزش داده باشیم، بچه‌ها بسیاری از نعمت‌ها را قبلاً در قالب زیبایی‌ها دیده‌اند و احتمالاً شکرگزاری را به‌طور ضمنی در آن سوره آموخته‌اند. اکنون آن‌ها باید بیاموزند که خدا ما را دوست دارد و نعمت‌های بسیاری در اختیار ما قرار داده است که لازم است قدر آن نعمت‌ها را بدانیم. همان‌طور که گفته شد، ما در سوره‌ی حمد با نشان دادن زیبایی‌ها، روی حال خوش بچه‌ها تمرکز داشتیم و اکنون در سوره‌ی کوثر، بیشتر تمرکز ما روی قدردانی و شکرگزاری از نعمت‌هاست.

● **مرحله‌ی دوم:** دانش‌آموزان را متوجه تمایز نعمت‌ها می‌کنیم؛ به این صورت که در قالب فعالیت‌های متعدد، نعمت‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم تا خود بچه‌ها متوجه بزرگی و عظمت بعضی از نعمت‌ها نسبت به بعضی دیگر بشوند. در این میان لازم است عظمت نعمت پدر و مادر هم مورد توجه قرار بگیرد. در این مرحله می‌توانیم به نعمت‌های نامحسوس‌تر و انتزاعی‌تر هم بپردازیم.

منابع

۱. اخوت. احمدرضا (۱۳۹۹). فهم قرآن در دبستان و دبیرستان. چاپ دوم. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۲. اخوت. احمدرضا؛ رضازاده. یاسر (۱۴۰۲). کتاب کودک و فهم قرآن. چاپ دوم. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۳. دزبخت. رضا؛ خدادادی. مریم (۱۴۰۳). فهم قرآن در پایه‌ی اول دبستان. چاپ اول. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۴. مدرسه‌ی دانشجویی قرآن و عترت (ع) (۱۳۹۹). آموزش مفاهیم سوره‌ی حمد به دانش‌آموزان دبستان. چاپ اول.

گفت‌وگو کننده: مریم شهرآبادی

گاهی کلاس درس جایی است برای آرام گرفتن و ساختن امید و آرزو. هر کلاس جهانی است پر از پرسش، لبخند و گاهی بغض‌های کوچک و معلم قلب تپنده‌ی این جهان است. در میان تمام برنامه‌ها، کتاب‌ها و چارچوب‌های آموزشی هنوز معلمانی هستند که آموزش را فقط انتقال محتوا نمی‌بینند، بلکه آن را تجربه‌ای انسانی و سرشار از مهر و محبت می‌دانند؛ معلمانی که واژه‌ها را با قصه، بازی و تخیل جان می‌دهند. در این شماره، پای صحبت‌های خانم آرزو کریمی کمره نشستیم؛ آموزگاری که قصه را ابزار آموزش می‌داند و با همراهی «فرزک‌خان» تجربه‌ای متفاوت از یادگیری را برای دانش‌آموزانش رقم زده است.

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

آرزو کریمی کمره هشتم متولد ۱۳۶۹. فارغ‌التحصیل کارشناسی دانشگاه فرهنگیان در رشته‌ی علوم تربیتی و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت آموزشی در دانشگاه شهید بهشتی. از سال ۱۳۹۲ وارد آموزش و پرورش شدم. فعالیت حرفه‌ای خودم را از یکی از مدرسه‌های ابتدایی در شهرستان ورامین در منطقه‌ی کم‌برخوردار شروع کردم. این مدرسه نقطه‌ی شکل‌گیری بسیاری از تجربه‌های عمیق آموزشی من بود. در سال‌های بعد، هم آموزگار پایه‌های دیگر بودم و هم در حوزه‌ی گروه‌های آموزشی و راهبری معلمان فعالیت می‌کردم. این جابه‌جایی‌ها برای من فرصتی بود تا هم در کلاس درس رشد کنم و هم در سطح منطقه تجربه‌ها و ایده‌هایم را به اشتراک بگذارم.

امروز بعد از سال‌ها تدریس،

معلمی برای شما چه معنایی دارد؟

معلمی برای من فقط یک شغل نیست، زیستن است. در این سال‌ها با گریه‌های کودکان اشک ریختم، با لبخندشان جان گرفتم، از پیشرفتشان به خود بالیدم، برای مشکلاتشان بی‌قرار شدم. شب‌هایی بوده است که به‌خاطر شرایط روحی یا خانوادگی دانش‌آموزی خواب به چشمم نیامده است و فقط به این فکر کرده‌ام که چطور می‌توانم



عروسک آموزگار

بهانه‌ای برای بازی و نشاط در کلاس درس



عروسک فرزک

آیا تجربه‌ای دارید که «فرزک» به حل چالشی آموزشی یا رفتاری کمک کرده باشد؟

بله. من دانش‌آموزان کلاس اولی را که دچار اضطراب جدایی از مادر بودند، فقط با کمک فرزک‌خان توانستم آرام کنم. فرزک‌خان با این بچه‌ها خوب ارتباط برقرار کرده و همدردی عمیقی بین آن‌ها به وجود آمده است. حتی برخی اوقات بعد از پایان مدرسه به من زنگ می‌زنند یا پیام می‌گذارند و می‌خواهند با فرزک صحبت کنند. من هم با این بچه‌ها همکاری می‌کنم.

اگر خاطره‌ای از زمان تدریس دارید، بفرمایید.

در کلاس درس، هر روز خاطره است و تک‌تک روزهای خوب و بدش برایم بارز هستند. در یکی از سال‌های اول تدریس با کلاسی مواجه شدم که بیشتر دانش‌آموزانش کودک کار بودند. با همان معیارهای همیشگی، برای یکی از بچه‌ها مدام درباره‌ی نظافت و انجام تکلیف‌هایش یادداشت می‌گذاشتم. او بعد از کلاس گفت: پدر و مادر ندارد و با مادر بزرگش زندگی می‌کند. بعد از مدرسه زباله‌گردی می‌کند و حتی نان کافی برای خوردن ندارند. گفت اگر بخواهد تکلیف‌هایش را بنویسد، گرسنه می‌ماند؛ جمله‌ای که برایم تکان‌دهنده و بیدارکننده بود. از آن روز روشم را تغییر دادم و تکلیف خانه را برای این دانش‌آموزان حذف کردم. این تجربه به درس عمیقی برای درک شرایط دانش‌آموزانم تبدیل شد.

و در آخر اگر بخواهید توصیه‌ای طلایی به همکارانتان داشته باشید، چیست؟

با فروتنی تأکید می‌کنم هنوز در حال آموختن هستیم؛ اما از همکارانم می‌خواهم هر روز با عشق و برنامه‌ای قوی وارد کلاس شوند. بسیاری از دانش‌آموزان تمام امیدشان به مدرسه است، حتی آن‌هایی که امکانات ویژه ندارند. دانش مهم است؛ اما انسانیت، اخلاق، کنجکاوی و مهارت‌آموزی مهم‌تر هستند. سرنوشت افراد حاصل محیط رشد است، نه فقط اقتصاد. مسئولیت ما پرورش فرزندان ایران است و ثمره‌ی این نگاه در زندگی ما جاری می‌شود.

سالش شده بود. وقتی وارد کلاس می‌شد، از کلاس درس و یکنواختی آن می‌ترسید. همه‌ی این موارد دست به دست هم داد تا از این روش برای آموزش استفاده کنم.

عروسک «فرزک‌خان» چگونه متولد و وارد کلاس درس شما شد؟

فرزک‌خان از دل نیازی آموزشی متولد شد. بر حسب اتفاق، سالی که معلم پایه‌ی اول ابتدایی شدم، بیشتر بچه‌های کلاس متولد نیمه‌ی اول سال و تازه شش ساله شده بودند. تصمیم گرفتم دوست و همکاری را برای آموزش به کلاس اضافه کنم تا بچه‌ها همزادپنداری کنند. اگر به خاطر داشته باشید، عروسکی تلویزیونی به نام «سنجد» داشتیم که دهانش متحرک بود و خیلی خوب توانسته بود با بچه‌ها ارتباط برقرار کند. من هم به دنبال چنین عروسکی بودم که چشمم به فرزک افتاد و آن را برای کلاس خریدم. حالا چرا اسمش فرزک شد؟ چون اولین ورودش به کلاس به عنوان عروسکی بود که در کارهایش خیلی فرز و چابک بود.

آیا استفاده از عروسک تغییری در کلاس شما ایجاد کرده است؟

بله. کلاس را زنده، پویا و پرنشاط کرده است و دانش‌آموزان با عشق و علاقه سر کلاس می‌نشینند. بعد از مدتی عامل کنترل کلاس می‌شود؛ مثلاً اگر دانش‌آموزان نظم را رعایت نکنند، فرزک‌خان تا اطلاع ثانوی به مرخصی می‌رود و برای اینکه مجدد به کلاس برگردد، بچه‌ها باید برای حفظ نظم در کلاس تلاش کنند.

آیا دانش‌آموزان واکنش متفاوتی نسبت به درس‌هایی که با «فرزک» ارائه می‌شود، دارند؟

فرزک برای همه‌ی درس‌ها و بخش‌های آموزشی امکان اجرا ندارد. بیشتر به عنوان شروع‌کننده و یخ‌شکن کلاس یا زمانی که کلاس یکنواخت شده است، یا مطالب طولانی هستند، می‌آید و دانش‌آموزان استقبال می‌کنند. بهترین درسی که بازخورد مثبت گرفتیم، روخوانی و املا فارسی است. بچه‌ها غلط گفتاری فرزک را می‌گیرند و با او می‌خندند. نکته‌ی مهم این است که فرزک‌خان بیشتر تا پایان کلاس دوم تأثیر خوبی دارد؛ اما برای پایه‌های دیگر هر چند ماه یک بار سروکله‌اش پیدا می‌شود.

کمی از بار دلش سبک کنم. هر سال تدریس برای من به اندازه‌ی تعداد دانش‌آموزانم تجربه بوده است، گویی اگر ۳۰ دانش‌آموز داشته‌ام، ۳۰ جهان متفاوت را زیسته‌ام. معلمی برای من یعنی امید، همراهی بدون چشمداشت با کودکانی که آینده‌ی این سرزمین‌اند.

کلاس آرمانی از نگاه شما چه ویژگی‌هایی دارد؟

کلاس آرمانی هم‌قد و هم‌رنگ دنیای کودک است. فضایی است که کودک در آن احساس امنیت، آرامش و تعلق کند. جایی که آموزش محدود به یک تخته و چند نیمکت نباشد، بلکه تمام محیط مدرسه ظرفیت یادگیری داشته باشد. کلاس آرمانی فضایی زنده است؛ جایی که ریاضی کشف می‌شود، فارسی تجربه و علوم لمس می‌شود.

آیا برای تدریس از روش یا ایده‌ی خاصی استفاده می‌کنید؟

قصه‌گویی، داستان‌پردازی و ایفای نقش که استفاده از عروسک «فرزک» است بخش جدایی‌ناپذیر کلاس من است. کودکان با قصه زندگی می‌کنند، با تخیل یاد می‌گیرند و با بازی رشد می‌کنند. من تلاش می‌کنم آموزش را در قالب تجربه‌ای جذاب و معنادار ارائه کنم. در کنار آن هم، درس‌های عملی مانند علوم را به صورت مشارکتی آموزش می‌دهم.

چرا قصه و بازی تا این اندازه در کلاس شما پررنگ است؟

چون باور دارم کار اصلی کودک بازی است نه فقط درس خواندن. آموزش زمانی مؤثرتر خواهد بود که در بستر لذت‌بخش و متناسب با دنیای کودک ارائه شود. مثلاً وقتی دارویی برای فرد بیماری تجویز شده که برای بهبودیش لازم است اما برای استفاده از آن مقاومت می‌کند شاید لازم باشد آن را با خوراکی که مورد علاقه‌ی اوست مخلوط کنیم تا طعم دارو کمتر حس شود.

ایده‌ی قصه‌ها از کجا شکل گرفت؟

از زمان کودکی به ادبیات و قصه علاقه داشتم. قصه برای من ابزار نیست بلکه بخشی از هویت آموزشی من است. دوره‌های آموزشی زیادی با استادان برجسته‌ای دیده بودم؛ اما این ایده بیشتر از زمانی آغاز شد که معلم کلاس اول ابتدایی شدم و دانش‌آموزی داشتم که تازه شش

اژدها کوچولو

گزارشی از میزگرد تخصصی رونمایی مجموعه‌ی یازده جلدی اژدها کوچولو با چند هدف آموزشی

گزارش از ائلدار محمدزاده صدیق

در سال‌های نخست تحصیل فرا می‌گیرند و به همین دلیل، به یکی از دغدغه‌های اصلی معلمان و والدین تبدیل شده است.» این متخصص تعلیم و تربیت افزود: «مجموعه‌ی ده جلدی اژدها کوچولو به همراه یک کتابچه‌ی تمرین، ضمن روایت داستان‌های مستقل، دنباله‌دار و جذاب، می‌کوشد با الگوبرداری از آزمون‌های جهانی پرلز (سنجش بین‌المللی مهارت خواندن)، لذت و شوق خواندن را در کودکان ایجاد کند.»

وی در ادامه توضیح داد که در هر جلد از این مجموعه، علاوه بر آموزش مهارت حل مسئله، ده مهارت اصلی زندگی (مورد تأکید سازمان بهداشت جهانی) نیز به عنوان اهداف جانبی دنبال می‌شوند. مجدفرف گفت: «این مجموعه برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، آموزگاران و والدین آنان مناسب است و با تقویت مهارت خواندن، می‌تواند به پیشرفت دانش‌آموزان در دیگر درس‌ها نیز کمک کند.»

مرتضی مجدفرف در این نشست افزود: «من خودم را بیش از هر چیز یک معلم می‌دانم و به این موضوع افتخار می‌کنم. این مجموعه کتاب‌ها، علاوه بر توسعه‌ی سواد خواندن، دو هدف دیگر را نیز دنبال می‌کنند: نخست، آموزش روش‌های حل مسئله؛ به این صورت که در هر جلد، اژدها کوچولو با شیوه‌ای خاص، مسئله یا چالشی را که پیش آمده است، حل می‌کند. نام این روش‌ها در متن اصلی کتاب‌ها نیامده است، اما در کتابچه‌ی تمرین و در بخش مربوط به هر داستان، کودک به‌طور غیرمستقیم راهنمایی می‌شود تا خود به این روش حل مسئله پی ببرد.»

مجدفرف آموزش مهارت‌های زندگی را دیگر هدف پنهان این مجموعه کتاب‌ها دانست و توضیح داد: «یکی از اهداف اصلی مجموعه‌ی اژدها کوچولو، آموزش غیرمستقیم برخی مهارت‌های زندگی مورد نیاز کودکان است که با اندکی دقت قابل بازیابی است.» این مؤلف برجسته‌ی حوزه‌ی تعلیم و تربیت کشورمان ادامه داد: «در کتابچه‌ی تمرین در ده بخش مجزا از هم برای هر یک از کت‌های اصلی، یک مجموعه تمرین چهار صفحه‌ای پیش‌بینی شده است که بعد از خواندن انفرادی یا دسته‌جمعی هر یک از کتاب‌ها، می‌توان این تمرینات را که به‌صورت پرفراز کار شده است، از کتاب‌ها جدا کرد و در اختیار بچه‌ها قرار داد؛ لذا بهتر است کتابچه‌های تمرین نزد معلم کلاس باقی بماند.»

او در پاسخ به این سوال که کتابچه‌ی تمرین تألیف است یا ترجمه، گفت: «کتابچه‌ی تمرین، ویژه‌ی

خواندن کودکان ترک تدوین شده‌اند. یکی از دشواری‌های ترجمه‌ی این یازده جلد، وجود بازی‌های زبانی فراوان در گفت‌وگوهای میان شخصیت‌ها و قهرمانان مجموعه بود؛ بازی‌هایی که کودک هنگام خواندن باید به تنهایی یا با راهنمایی معلم، آن‌ها را دریابد. به گفته‌ی مجدفرف، پس از ترجمه، کتاب‌ها بازبینی شدند و بر اساس متن فارسی، تغییرات زبانی ویژه‌ای در آن‌ها اعمال شد تا برای دانش‌آموزان ملموس‌تر باشند. تدوین جلد یازدهم نیز که شامل تمرین‌هایی برای ده جلد پیشین است، بدون دشواری انجام شد. بنابراین، جلد یازدهم ترجمه نیست، بلکه تألیفی است که بر پایه‌ی ده جلد ترجمه‌شده تدوین شده است. تصویرگری این مجموعه را نیز رضا همتی‌راد بر عهده داشته است. در اردیبهشت‌ماه، میزگردی برای رونمایی و بررسی این مجموعه در باغ کتاب تهران برگزار شد.

مرتضی مجدفرف در این نشست گفت: «خواندن از اساسی‌ترین مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان

اژدها کوچولو مجموعه‌ای یازده جلدی است که خانم بانو یوجه، از پداگوژیست‌های ترکیه، آن را ویژه‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی نوشته است. این مجموعه را انتشارات سروش با ترجمه‌ی دکتر مرتضی مجدفرف، سردبیر سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، منتشر کرده است. این کتاب‌های داستان برای کودکان پایه‌های دوم تا ششم ابتدایی طراحی شده‌اند و هدف اصلی آن‌ها تقویت و توسعه‌ی سواد خواندن است.

مجموعه‌ی یادشده، علاوه بر ترجمه به زبان فارسی، با فرهنگ ایرانی و اقتضائات آموزش در ایران نیز تطبیق داده شده است. از آنجا که زبان اصلی کتاب‌ها ترکی استانبولی است و این کشور نیز در زمینه‌ی سواد خواندن و آزمون‌های پرلز وضعیت مطلوبی ندارد، این آثار با نظارت وزارت معارف ترکیه و با هدف جبران کاستی‌های سواد



**سواد خواندن،
مهارت‌های زندگی و
حل مسئله را در این
مجموعه بیابید**

کاربران مجموعه ده جلدی اژدها کوچولو، در ایران تألیف شده است. کتابچه در اصل براساس متن ترکی استانبولی کتاب و توسط مؤلف اصلی آن تدوین شده بود که برای کاربران ایرانی قابل استفاده نبود. لذا کل تمرین‌ها براساس متن ترجمه‌شده‌ی فارسی از نو تدوین شد و حالت تألیفی پیدا کرد. «مرتضی مجدفر درباره‌ی مخاطبان این مجموعه‌ی یازده جلدی نیز گفت: «مجموعه کتاب‌های اژدها کوچولو به‌طور مشخص ویژه‌ی دانش‌آموزان دوم تا ششم ابتدایی است که می‌توانند به‌طور انفرادی کتاب را بخوانند یا معلمشان برای آن‌ها بخواند. در این میان کودکان پیش‌دبستانی و اول ابتدایی را هم می‌توان به مخاطبان کتاب افزود. معلم، مربی یا پدران و مادران می‌توانند با خواندن کتاب برای این بازه‌ی سنی شرایط استفاده را برای این کودکان نیز فراهم آورند. مجدفر هدف اصلی این مجموعه‌ی ده جلدی را توسعه‌ی سواد خواندن عنوان کرد و گفت: «خواندن، مادر یادگیری همه‌ی درس‌هاست و اگر مهارت بچه‌ها در حوزه‌ی خواندن توسعه یابد، می‌توان به افزایش توان یادگیری آنان در سایر درس‌ها هم امیدوار بود. به همین منظور هم در متن کتاب‌ها و هم در کتابچه‌ی تمرین، فعالیت‌ها و چالش‌های متعددی گنجانده شده است.» او در پایان تأکید کرد که هدف از این مجموعه، تقویت مهارت خواندن و ارتقای توان یادگیری در سایر درس‌هاست.

نماینده‌ی انتشارات سروش نیز در این نشست اظهار امیدواری کرد که انتشار این مجموعه در تحقق اهداف آموزشی و فرهنگی کودکان دوره‌ی ابتدایی کشورمان تأثیرگذار باشد. دکتر گوهری‌پور گفت: این کتاب‌ها تحت عنوان مجموعه‌ی آموزشی «شوق خواندن» منتشر شده است.

کتاب‌های این مجموعه عبارت‌اند از:

۱. قهرمان به دنیا می‌آید؛
۲. دامی برای روباه حيله‌گر؛
۳. قالیچه‌ی خیال؛
۴. گوسفندان کجا هستند؟
۵. گل سرگمشده؛
۶. لانه‌های کبوتران؛
۷. چه بلایی سر جانور صورتی آمد؟
۸. کبک کی خوشمزه‌تره؟
۹. طوطی و راج؛
۱۰. سفر در زمان؛
۱۱. کتاب تمرین.

شایان ذکر است این عنوان کتاب‌ها، صد و چهل و هفتمین تا صد و پنجاه و هشتمین عنوان کتاب‌های منتشر شده‌ای است که این متخصص و پیشکسوت تعلیم و تربیت کشورمان به رشته‌ی تحریر درآورده است. کتاب صد و پنجاه و نهم وی تحت عنوان «لذت معلمی» و کتاب صد و شصتم با عنوان «خوف و رعب آمد به جای عقل و هوش» در مورد آموزش در شرایط بحران، مانند جنگ، زلزله، سیل، توفان، رانش زمین و... در همین چند ماه اخیر منتشر شده و با استقبال مخاطبان ایرانی روبه‌رو شده است.



معلم در میدان

تجربه‌ای از اجرای طرح درس چریکی



آغاز مسیر؛ از ایده تا آموزش

کارگاه را با این جمله آغاز کردیم: «اگر معلم چریک باشیم، یادگیری هرگز تکراری نمی‌شود!» نگاه‌های معلمان ترکیبی از تعجب و لبخند بود. گفتیم: «چریک آموزشی کسی است که در میدان آموزش، با خلاقیت، شجاعت و منابع اندک، تأثیری عمیق می‌گذارد؛ کسی که درس را به تجربه تبدیل می‌کند، نه به دستورالعمل.»

در کارگاه، درباره‌ی اصول چریکی در آموزش صحبت کردیم: غافل‌گیری، مشارکت، یادگیری از دل عمل، تغییر رفتار پایدار و خلاقیت در موقعیت‌های واقعی. سپس تصمیم گرفتیم یکی از درس‌های پایه‌ی سوم را بر اساس این رویکرد طراحی کنیم تا در میدان واقعی آزموده شود. خانم «م. ر»، معلم پرانرژی پایه‌ی سوم، داوطلب شد تا طرح را در کلاس خود اجرا کند. نشستیم و با کمک هم طرح نوشتیم و بر اساس سناریویی چریکی آن را تدوین کردیم؛ ما به عنوان مربی، نقش تسهیلگر را داشتیم و او نقش مجری میدان.

مرحله‌ی اول: غافل‌گیری آموزشی

نخستین تصمیم ما طراحی شروع متفاوت بود؛ شروعی که دانش‌آموز را از لحظه‌ی اول به درون تجربه ببرد. سناریو چنین بود: معلم با ماسکی از برگ‌های سبز وارد می‌شود. نور را کمی کم می‌کند و صدای جنگل پخش می‌شود. سپس با لحن آرام و جدی می‌گوید: «بچه‌ها! امروز مأمور نجات در جنگل عددها هستیم؛ میمون‌های کوچک گم شده‌اند و شما باید با کمک ضرب، آن‌ها را نجات دهید.» هدف این مرحله، بیدار کردن احساس، هیجان و کنجکاوی دانش‌آموزان بود؛ همان موتور حرکت ذهن در فرایند یادگیری.

ذهنی؛ چیزی میان خلاقیت، جسارت و تغییر. این عبارت چنان تأثیری گذاشته بود که حتی چند روز پس از بازگشت، واژه‌ی «چریکی» مدام در ذهنم تکرار می‌شد و بی‌وقفه در سرم می‌چرخید.

با خودم فکر کردم: آیا معلم هم می‌تواند چریک باشد؟ آیا معلم می‌تواند در چارچوب رسمی آموزش، با خلاقیت خود جریان یادگیری را زنده کند؟

برای پاسخ به پرسش‌ها، جست‌وجو کردم و به کتابی برخوردیم به نام «بازاریابی چریکی» اثر جی کنراد لوینسون. ابتدا تصور نمی‌کردم بازاریابی و آموزش ربطی به هم داشته باشند؛ اما با خواندن مقدمه و فهرست، دریافتیم نویسنده درباره‌ی همان نگرشی صحبت می‌کند که سال‌ها در آموزش به دنبالش بوده‌ام؛ بازاریابی چریکی با بودجه‌ای اندک و خلاقیتی فراوان، می‌تواند رفتار مردم را تغییر دهد. در دفترچه‌ی مربیگری‌ام نوشتیم:

«معلم چریکی کسی است که با امکانات محدود، بیشترین تأثیر را بر ذهن و رفتار یادگیرنده می‌گذارد.»

اما از اندیشه تا عمل، راهی باید پیموده می‌شد. برای مشورت، به سراغ خانم دکتر هژبری، مؤسس و مدیر مدرسه‌ی نوآور مهرگان، رفتیم؛ کسی که همیشه در عمل پیشرو بوده است. وقتی ایده را برایش تعریف کردم، با شور گفت: «این ایده ارزش زیستن دارد، نه فقط گفتن. بیا آن را به تجربه تبدیل کنیم؛ معلمان را وارد ماجرا کن و بین چه می‌شود.» پیشنهاد را پذیرفتم و برنامه‌ریزی کردیم تا در یکی از جلسات شورای معلمان، موضوع «طرح درس چریکی» را معرفی کنیم.

سید علی عبداللہی حسینی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، مربی (کوچ)
عملکرد

عذرا بیگم هژبری
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدیر مدرسه‌ی ابتدایی

گاهی در مسیر کار حرفه‌ای، واژه‌ای می‌تواند جهان ذهنی آدم را زیرورو کند. برای من، آن واژه «چریکی» بود.

در یکی از کارگاه‌هایی که با جمعی از مدیران مدرسه‌های نوآور در تهران برگزار شده بود، شرکت کرده بودم. هنگام گفت‌وگو درباره‌ی طراحی خلاقانه‌ی درس، یکی از مدرسان در خلال بحث، با لحنی کنجکاو پرسید: «تا حالا چیزی درباره‌ی طرح درس چریکی شنیده‌اید؟» همین اشاره‌ی کوتاه و گذرا، ذهن مرا به شدت درگیر و جرقه‌ی پرداختن جدی‌تر به این مفهوم را در من ایجاد کرد.

راستش، نشنیده بودم؛ اما همان لحظه، آن واژه در ذهنم جرقه زد؛ مثل صدایی که از عمق سال‌ها تجربه، بیدارم کند. از آن روز، عبارت «طرح درس چریکی» تبدیل شد به دغدغه‌ای





کلاس پخش شد. معلم گفت: «عملیات نجات موفقیت‌آمیز بود!» و کارت‌های افتخار را بین گروه‌ها تقسیم کرد: «چریک خلاق»، «حسابگر دقیق»، «یادگیرنده‌ی جسور»؛ اما مهم‌تر از کارت‌ها، لحظه‌ی تأمل پایانی بود. معلم پرسید: «اگر ضرب را نمی‌دانستیم، می‌توانستیم میمون‌ها را نجات دهیم؟» دانش‌آموزی آرام گفت: «نه؛ چون باید بدانیم عددها چگونه با هم کار می‌کنند، مثل زمانی که با هم کار کردیم.» آن لبخندها و آن جمله‌ها معنای یادگیری را برپایمان روشن کرد.

تأمل پایانی

اکنون که به آن تجربه نگاه می‌کنیم، روشن است که آنچه در کلاس سوم رخ داد، فقط یک درس ریاضی نبود. ما به‌جای آموزش صرف ضرب، جسارت و همکاری را با بچه‌ها کار کردیم. دانش‌آموزان دریافته‌اند که تفکر جمعی چگونه می‌تواند به کشف معنا منجر شود و معلم یاد گرفته است که گاهی باید کنترل را رها کند تا یادگیری جریان یابد.

این تجربه برای ما نه‌تنها پاسخی بود به پرسش معلمان درباره‌ی «طرح درس چریکی»، بلکه اثبات این باور است که آموزش، وقتی با تخیل و دل همراه شود، قادر است زندگی‌ها را تغییر دهد و هنوز هم هرگاه در کارگاه‌های مربیگری با معلمان حرف می‌زنیم، با لبخند می‌گوییم: «گاهی کافی است صدای جنگل عددها را در کلاس پخش کنید تا جادوی یادگیری آغاز شود.»

کم‌کم ملاحظه شد که جمع‌های تکراری روی کاغذها ظاهر می‌شوند، مدل‌ها شکل می‌گیرند و بحث‌های جدی در گروه‌ها جریان پیدا می‌کنند. انگیزه‌ی انجام مأموریت، جای تکلیف را گرفته بود.

مرحله‌ی سوم: عملیات میدانی

در این مرحله، یادگیری از حالت ذهنی خارج شد و به میدان عمل آمد. بچه‌ها روی میزها خم شده بودند، مهره‌ها را جابه‌جا می‌کردند، درخت‌ها را می‌چیدند و میمون‌ها را دسته‌بندی می‌کردند. کلاس پر از صدا بود؛ اما این سروصدا، صدای یادگیری بود. در یکی از گروه‌ها، دانش‌آموزی گفت: «اگر هر درخت سه میمون دارد و چهار درخت داریم؛ چرا باید چهار بار جمع کنیم؟» همین سؤال ساده، آغاز یک کشف بود. کمی بعد، همان گروه با هیجان صدا زد: «خانم، ما فهمیدیم. این می‌شود $3+3+3+3$ ، ولی می‌شود کوتاه‌تر هم نوشت: 4×3 »

معلم با لبخند پرسید: «چرا این کوتاه‌تر است؟» «اگر درخت‌ها بیشتر شوند، کدام راه بهتر جواب می‌دهد؟»

دانش‌آموزان خودشان توضیح دادند، استدلال کردند و به نتیجه رسیدند. مفهوم ضرب، نه از تخته و نه از زبان معلم، بلکه از دل تجربه‌ی خودشان بیرون آمد. در این لحظه، نقش معلم فقط مشاهده، هدایت ظریف و جلوگیری از بن‌بست بود؛ نه پاسخ‌دادن.

عملیات میدانی به بچه‌ها اجازه داد با عددها کار کنند، نه اینکه فقط آن‌ها را بشنوند. دیدن اینکه چگونه مفهومی انتزاعی در دست‌های کوچکشان جان می‌گیرد، یکی از همان لحظه‌های ناب معلمی بود.

مرحله‌ی چهارم: رمزگشایی گروهی

پس از عملیات میدانی، گروه‌ها یافته‌هایشان را روی تخته نوشتند و معلم با پرسش‌های سقراطی آن‌ها را به درک عمیق‌تر هدایت کرد: «چه تفاوتی میان $3+3+3+3$ و 4×3 می‌بینید؟ کدام کوتاه‌تر است؟ در زندگی واقعی کدام یک کاربردی‌تر است؟» اینجا، دانش‌آموزان از تجربه‌ی بازی و کشف به تحلیل و زبان ریاضی رسیدند؛ پلی میان تخیل و منطق.

مرحله‌ی پنجم:

جشن پیروزی و تأمل پایانی

پس از پایان مأموریت، صدای طبل شادی در

مرحله‌ی دوم: مأموریت یادگیری

بعد از آن شروع متفاوت و ورود به فضای جنگل عددها، وقت آن بود که یادگیری شکل بگیرد؛ نه با تعریف و توضیح، بلکه با یک مأموریت واقعی. به جای آنکه بگوییم «ضرب یعنی جمع تکراری»، مأموریت روی کارت‌ها نوشته و به بچه‌ها داده شد:

«جنگل به چند بخش تقسیم شده است. در هر بخش، میمون‌ها به‌صورت منظم زندگی می‌کنند. مأموریت شما این است که بدون شمردن تک‌تک، تعداد میمون‌ها را پیدا کنید. وقت کم است و گروه نجات باید سریع و دقیق عمل کند.»

کلاس به چهار گروه تقسیم شد. هر گروه نقشی کوچکی از جنگل داشت، علاوه‌ی چند کارت مأموریت، چینه‌ها و مهره‌ها. از همان ابتدا مشخص بود که بچه‌ها حس می‌کنند وارد «کاری جدی» شده‌اند. برای اینکه کارها منظم پیش برود، در هر گروه نقش‌ها مشخص شد: یکی تحلیل می‌کرد، یکی مدل می‌ساخت، یکی یافته‌ها را می‌نوشت و یکی هم مسئول گزارش بود. این تقسیم نقش‌ها باعث شد هیچ‌کس کنار ننشیند و همه خودشان را مسئول موفقیت مأموریت بدانند.

در کلاس هیچ توضیحی داده نشد که بچه‌ها چه باید بکنند. فقط با حرکت در بین گروه‌ها و گاهی با یک سؤال مسیر فکشان روشن‌تر می‌شد:

«اگر بخواهید سریع‌تر حساب کنید، چه راهی بهتر است؟»

«آیا لازم است همه‌ی میمون‌ها را یکی‌یکی بشمارید؟»

«همه‌ی درخت‌ها مثل هم هستند یا فرق دارند؟»



جایگاه یکزبانگی و دوزبانگی در جامعه‌های معاصر

قسمت دوم

سید بهنام علوی مقدم
دکترای زبان‌شناسی
مرضیه دهقان نیری
دانش آموخته دکتری زبان‌شناسی

زبان مادری

زبان مادری اولین زبانی است که فرد آن را می‌آموزد؛ زبانی که فرد بدان تکلم می‌کند، با آن رشد می‌یابد و عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط خود را توسط آن در یافته‌ها لمس می‌کند و با آن هویت می‌یابد (ارفع و دیگران، ۱۳۹۱).

یکزبانگی

آلیس (۲۰۰۶) فرد یک‌زبانانه را فردی می‌پندارد که به بیش از یک کد زبانی، به‌عنوان وسیله ارتباط جمعی، دسترسی ندارد.

دوزبانگی

در بیشتر کشورها، پدیده‌ی دو یا چندزبانگی (بنا به شرایط متعدد) امری طبیعی و فراگیر است؛ برای مثال در ایران زبان رسمی «زبان فارسی» است. هرچند زبان‌های دیگری از جمله ترکی، عربی، کردی و بلوچی هم رایج هستند. دوزبانگی تعریف‌های متعددی دارد. با توجه به نظرات نظریه‌پردازان، افراد را می‌توان بر اساس سطح آشنایی با زبان دوم (از حداقل چند واژه تا تسلط کامل بر دو زبان) دوزبانانه محسوب کرد. به‌طور کلی، دوزبانگی درمورد فرد یا اجتماعی به کار می‌رود که برای ارتباط از بیش از یک زبان استفاده می‌کنند. همچنین، دوزبانگی عبارت از حالتی است که فرد به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود آموزش می‌یابد.

دوزبانگی یا چندزبانگی به معنای وضعیتی است که فرد، به حکم اجبار یا به‌اختیار، زبان یا زبان‌های دیگری به جز زبان مادری را می‌آموزد و به کار می‌گیرد (بیننده، ۱۳۸۲). واینراش^۱ (۱۹۵۳) بیان کرده است که عملکرد و کاربرد

دوزبانگی یا چندزبانگی را به معنی دانستن و به‌کار بستن دو یا چند زبان متفاوت می‌داند که فرد بر حسب مورد برای نیازهای ارتباطی خود استفاده می‌کند. براهنی (۱۹۵۳) در این زمینه می‌گوید که فرد دوزبانانه به کسی گفته می‌شود که می‌تواند به دو یا چند زبان تکلم کند؛ زبان‌هایی که به درجه‌های گوناگون از لحاظ نظام آوایی، واژگانی و دستوری متفاوت باشند. تعریفی میانه و متعادل از دوزبانگی را گروسچین^۲ (۱۹۹۲) ارائه کرده و تا حدودی مورد قبول محققان قرار گرفته است. در این تعریف، دوزبانگی به استفاده‌ی عادی و روزمره از دو زبان (یا بیشتر) اطلاق می‌شود. از این منظر، کودکان دوزبانانه کودکانی هستند که در زندگی روزمره‌ی خود (خانه و مدرسه) نیازمند استفاده از دو زبان هستند. پژوهشگران سعی کرده‌اند بر اساس دسته‌بندی‌های متفاوت به تعریف دوزبانگی

دو زبان به‌وسیله‌ی فرد را دوزبانگی گویند و فردی را که این ویژگی را دارد، دوزبانانه می‌نامند. مدرسی (۱۳۶۸، ۳۳-۳۱) دوزبانگی را توانایی فرد در کاربرد دو زبان تعبیر می‌کند و دوزبانانه را فردی می‌داند که به دو زبان در حدی تسلط دارد که می‌تواند بر حسب ضرورت، هر یک را به‌تناوب و به‌جای دیگری به کار گیرد. نیلی‌پور (۱۳۷۱)



دوزبانه‌ی انگلیسی‌فارسی کسی است که بر انگلیسی به‌عنوان زبان اول بیش از فارسی که زبان دوم اوست، تسلط داشته باشد؛ اما دوزبانه‌ی فارسی‌انگلیسی بر فارسی بیش از انگلیسی مسلط است. بر همین اساس می‌توان افرادی را یافت که به دلایل متعدد مانند داشتن پدر و مادری به زبان‌های متفاوت، بر دو زبان تسلط کامل یا یکسانی دارند. بنابراین دوزبانه‌ها را از نظر میزان تسلط آن‌ها به دو زبان می‌توان به دو گروه دوزبانه‌ی هم‌تراز و دوزبانه‌ی چیره تقسیم کرد. دوزبانه‌ی هم‌تراز فردی است که به هر دو زبان به‌طور یکسان مسلط است؛ اما دوزبانه‌ی چیره کسی است که بر یکی از دو زبان تسلط بیشتر دارد.

چندزبانگی

مهاجرت‌ها و نقل مکان‌های گروهی با دلایل متفاوتی همچون کار و سیاست‌گذاری دولت‌ها از کشوری به کشور دیگر و همچنین مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، زمینه‌ی پدیده‌ای به نام «چندزبانگی»^۱ را فراهم آورده است (ضیاءحسینی، ۱۳۸۸، ۲۲۷ و ۲۲۸). در مورد چندزبانگی نیز مانند دوزبانگی در میان زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. افرادی همچون گراسجین (۲۰۱۰، ۴) و زندی (۱۳۸۱، ۱۹۵) بین دوزبانگی و چندزبانگی تفاوتی قائل نیستند. سریدهار (نقل از وارداف، ۱۳۹۳، ۱۶۳) این‌گونه اظهار می‌دارد: «چندزبانگی به معنی تسلط متوازن و بومی‌مانند به همه‌ی زبان‌هایی که فرد می‌داند، کمیاب است. به‌طور معمول، میزان تسلط چندزبانه‌ها به زبان‌های متعددی که می‌دانند، متفاوت است. میزان تسلط فرد به زبان‌هایی که می‌داند ممکن است از دانستن چند واژه، آشنایی با پاره‌گفتارهای کلیشه‌ای مانند احوال‌پرسی، داشتن مهارت‌های مکالمه‌ی اولیه تا تسلط عالی بر دستور زبان و واژگان و گونه‌ی کاربردی و سبک خاص زبان‌ها متفاوت باشد» (به نقل از ابطحی و خدادادیان، ۱۳۹۵، ص ۷۴).

ادامه دارد

ممکن است خودش را دوزبانه بداند، به صرف اینکه می‌تواند با دو زبان صحبت کند و ارتباط کلامی ایجاد کند و فرد دیگر، به دلیل اینکه در خواندن به دو یا چند زبان مهارت دارد، خود را دوزبانه می‌داند. بنابراین نمی‌توان تعریف دقیق و روشنی از دوزبانگی ارائه داد. همان‌گونه که منیری می‌گوید: «گرچه گستره و دامنه‌ی این تعاریف از توانش و تسلط بومی‌وار دو زبان تا توانش حداقلی در زبان دوم و از تعریف وسیع تا تعریف محدود دوزبانگی نوسان دارد، هیچ‌کدام از این تعاریف نمی‌تواند افرادی را که به‌اصطلاح دوزبانه قلمداد می‌شوند، به‌درستی مشخص کند. به همین دلیل، هنوز اجماع کلی روی تعریفی واحد وجود ندارد» (منیری^۷، ۲۰۰۶، ۲). برخی از زبان‌شناسان در روان‌شناسی پیشنهاد کرده‌اند که دوزبانه‌ها را به‌ترتیب تسلط آن‌ها بر زبان‌های اول و دوم نام‌گذاری کنیم؛ مثلاً

بپردازند. از این میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: دوزبانگی افزایشی و کاهش‌ی (هامرس^۲، ۲۰۰۴)؛ دوزبانگی تولیدی و دوزبانگی دریافتی (هاکوتا^۴، ۲۰۰۱)؛ دوزبانگی زود هنگام و دوزبانگی دیر هنگام (گلیسون^۵، ۲۰۰۵)؛ دوزبانه‌ی هم‌تراز و چیره؛ دوزبانه‌ی فردی هم‌پایه و ناهم‌پایه؛ دوزبانگی فردی و اجتماعی. اگرچه پژوهشگرانی که در مورد دوزبانگی و چندزبانگی تحقیق کرده‌اند، خواسته‌اند پدیده‌ی دوزبانگی را تعریف کنند، اما هیچ‌کدام از این تعاریف‌ها جامع و مانع نیستند. چنان‌که دی‌بات و جاننش^۶ (۲۰۱۴) اظهار می‌کنند، این تعاریف‌ها مشکلاتی را به همراه دارند؛ زیرا دوزبانگی از یک حداقل سطح مهارتی به دو زبان تا سطح مهارتی بسیار بالایی که به فرد این اجازه را می‌دهد تا بتواند از دو زبان، همانند گویشور بومی زبان استفاده کند، متغیر است. فردی



پی‌نوشت‌ها

1. Weinrech
2. grosjean
3. Hamers
4. Hakuta
5. Gleason
6. K. Debot & C. Jaensch
7. Moniri
8. Multilingualism

راز نخل‌ها

الگویی برای تربیت معلم همدل و جامعه‌محور



مجید نبیسی
دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، معاون پرورشی
دوره‌ی ابتدایی، خوزستان، شهرستان کرخه

در جهانی که کودکان در معرض بحران‌های اجتماعی و روانی‌اند، آموزش مهارت‌های زندگی چون ایستادگی، همدلی و کار گروهی اهمیتی دوچندان یافته است. تجربه‌ی بازی «نخل و باد» نمونه‌ای بومی، ساده و درعین حال عمیق از تلفیق داستان، بازی و مشارکت در کلاس‌های دوره‌ی اول ابتدایی است. این بازی با هدف آموزش ایستادگی و هم‌بستگی طراحی شده است. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد ضمن معرفی این طرح، ظرفیت‌های آن را برای رشد حرفه‌ای معلمان در حوزه‌ی تربیت اجتماعی، به‌ویژه بر اساس رویکردهای نوین آموزشی، واکاوی کند.

مقدمه

معلم در جایگاه مربی همدل، در سنت‌های تربیتی، معلمی نیست که فقط دانشی را منتقل کند، بلکه تسهیلگر رشد شخصیت و زیست اجتماعی کودک نیز است. در این معنا، معلم باید خود حامل الگوهای رفتاری‌ای باشد که می‌خواهد در کودکان نهادینه کند (Noddings, 2013). در طرح بازی نخل و باد، معلم به‌مثابه‌ی مربی همدل عمل می‌کند؛ کسی که به‌جای سخنرانی مستقیم، با روایت، نقش‌آفرینی و همراهی با کودک، زمینه‌ی درونی‌سازی مفاهیم را فراهم می‌سازد.

ساختار طرح: ترکیب قصه، بازی و کاشت نمادین

بازی نخل و باد در چهار هفته و برای کودکان دوره‌ی اول ابتدایی طراحی شده است. ساختار آن بر سه مؤلفه‌ی محوری استوار است:

قصه‌گویی تربیتی: قصه‌ی «نخل کوچولو و باد بازیگوش» با زبان ساده و تمثیلی، مفاهیمی چون استقامت، اتکا به ریشه (دوستان و خانواده) و آرامش پس از طوفان را منتقل می‌کند. به سبک روایت‌های تربیتی کلاسیک، داستان از تجربه‌ای ساده آغاز و به درکی عمیق ختم می‌شود.





درونی و تثبیت می‌کند.

تحلیل تربیتی: یادگیری اجتماعی عاطفی در عمل مطابق نظریه‌ی یادگیری اجتماعی عاطفی است (CASEL, 2020). کودکان نیاز دارند مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، مدیریت احساسات، همدلی و ارتباط مؤثر را بیاموزند. طرح «نخل و باد» تمام این مؤلفه‌ها را با زبان کودک بیان می‌کند:

خودآگاهی و مقاومت: کودک در قالب نخل می‌آموزد که ایستادگی نیاز به شناخت خوشتن و اتکا به ریشه‌ها دارد. **مدیریت هیجانات:** مواجهه با باد نماد تجربه‌ی مواجهه با تنش است و تلاش کودک برای ایستادگی، تمرینی برای تنظیم هیجان‌هاست.

همدلی و هم‌بستگی: نقش «ریشه» در این بازی، تجربه‌ای از حمایت جمعی و قدرت دوستی را می‌آفریند. **تصمیم‌گیری مسئولانه:** در کاشت پایانی، کودک یاد می‌گیرد که حتی کوچک‌ترین اقداماتش ریشه در مسئولیت‌پذیری دارد.

رشد معلم در بستر تجربه: نگاهی از منظر یادگیری بازتابی از منظر یادگیری بازتابی، هر فعالیت آموزشی فرصتی برای رشد حرفه‌ای معلم است (Schön, 1983). در این طرح، معلم با ایفای نقش قصه‌گو، طراح فعالیت، مشاهده‌گر هیجانات و تحلیلگر رفتارهای کودک مدام درگیر «بازاندیشی در عمل» است. این نوع یادگیری برای شکل‌گیری معلمان جامعه‌محور و حساس به بافت فرهنگی و اجتماعی ضروری است (Trowler, 2012).

بومی‌سازی مفاهیم جهانی با نمادهای محلی

یکی از نوآوری‌های ارزشمند این طرح، استفاده از نخل به‌عنوان نماد پایداری در بافت فرهنگی جنوب کشور است. در جهانی که الگوهای آموزشی بیشتر از جوامع غربی الگوبرداری می‌شوند، چنین تجربه‌هایی نشان می‌دهند که می‌توان مفاهیم جهانی (مانند مقاومت، همدلی، رشد) را با زبانی بومی

بازی مشارکتی: کودکان در قالب نقش‌های نخل، باد و ریشه به‌صورت گروهی تجربه می‌کنند که ایستادگی بدون همراهی امکان‌پذیر نیست. در این بازی، معلم تسهیلگر و مشاهده‌گر تعاملات گروهی است و از ایمنی بچه‌ها مراقبت می‌کند.

نمونه‌ی داستان:

نخل کوچولو و باد بازیگوش

روزی روزگاری، کنار رودخانه‌ی کرخه، نخل کوچولویی سبز شده بود. این نخل برگ‌هایش هنوز کوتاه بودند؛ ولی آرزو داشت روزی مثل پدرش، نخل بزرگی شود که همه‌ی مردم سایه‌اش را دوست داشتند. نخل کوچولو هر روز به آسمان نگاه می‌کرد و به خورشید و پرندوها سلام می‌داد. گاهی هم با باد بازیگوش دوست می‌شد. باد می‌آمد و آرام‌آرام برگ‌هایش را تکان می‌داد. روزی، باد دلش می‌خواست کمی بازی کند. کمی محکم‌تر وزید و گفت: «نخل کوچولو، می‌توانی سر جایت بایستی، ببینم چقدر قوی هستی؟»

نخل کوچولو کمی ترسید. خودش را خم کرد؛ ولی سعی کرد نیفتد. باد خندید و گفت: «اگر باز هم بوزم، می‌توانی مقاومت کنی؟» نخل کوچولو گفت: «من تنها نیستم. ریشه‌های محکمی دارم که دستم را گرفته‌اند.» باد دوباره وزید، این‌بار محکم‌تر. نخل خم شد. برگ‌هایش کمی پایین آمدند، ولی نیفتاد. ریشه‌ها در دل خاک به او کمک کردند. نخل کوچولو نفس عمیقی کشید و ایستاد.

باد گفت: «آفرین! حالا فهمیدم چرا نخل‌ها نمی‌افتند. چون ریشه دارند و قوی‌اند.» نخل کوچولو با صدای آرام گفت: «وقتی باد می‌آید، من خم می‌شوم؛ اما نمی‌شکنم. چون می‌دانم همیشه دوباره بلند می‌شوم.» خورشید از پشت ابرها بیرون آمد و نخل کوچولو را نوازش کرد. باد هم خسته شد و آرام گرفت. از آن روز، همه‌ی پرندوها و حیوانات جنگل فهمیدند که هرکس ریشه داشته باشد و دوستانی که کمکش کنند، هیچ بادی نمی‌تواند او را بشکند. نخل کوچولو خوش حال بود که قوی‌تر از قبل شده است.

نقاشی و کاشت نمادین: در هفته‌های سوم و چهارم، کودک با خلق نقاشی از تجربه و کاشت نهالی کوچک، مفاهیم آموخته‌شده را

و تصویرهایی آشنا به کودک آموزش داد؛ کاری که از معلم می‌طلبد درک عمیق‌تری از زمینه‌های فرهنگی دانش‌آموز داشته باشد (Banks. et al, 2019).

نتیجه‌گیری

«بازی نخل و باد» تنها تمرینی برای کودکان نیست، بلکه کلاس درسی برای معلمان نیز محسوب می‌شود. این طرح، بدون نیاز به ابزارهای گران‌قیمت یا پیچیده، با زبان قصه و بازی، معلم را به سفری در دل یادگیری اجتماعی عاطفی می‌برد. برای معلمان امروز که درگیر آموزش در جهانی بحران‌زده‌اند، چنین طرح‌هایی فرصتی برای بازنگری در نقش‌های حرفه‌ای خود و بازگشت به جوهره‌ی انسانی آموزش هستند.

منابع

1. Banks, J. A., Cookson, P., Gay, G., Hawley, W. D., Irvine, J. J., Nieto, S. & Stephan, W. G. (2019). Diversity and citizenship education: Global perspectives. Jossey-Bass.
2. CASEL. (2020). Core SEL competencies. Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning. <https://casel.org>
3. Noddings, N. (2013). Caring: A relational approach to ethics and moral education (2nd Ed.). University of California Press.
4. Schön, D. A. (1983). The reflective practitioner: How professionals think in action. Basic Books.
5. Trowler, P. (2012). Doing academic practice: Researching higher education. McGraw-Hill Education.

او را به خودش معرفی کن!

راهکارهای تقویت خودآگاهی در دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی

فاطمه افسای

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش
آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی، استان قم

شناخت احساسات، عقاید، ارزش‌ها، نقاط قوت و ضعف است. این مهارت، پایه و اساس مهارت‌های دیگر زندگی از جمله همدلی، تصمیم‌گیری و مقابله با فشار روانی به شمار می‌رود. امام محمد غزالی در کتاب گران سنگ کیمیای سعادت، خودشناسی را مقدمه‌ی خداشناسی می‌داند و بر اهمیت توجه به خوددرونی تأکید می‌کند. در حوزه‌ی آموزش، مطالعات متعددی نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های فعال تدریس و فعالیت‌های خودارزیابی می‌توانند تأثیر معناداری در افزایش خودآگاهی دانش‌آموزان داشته باشند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند هنگامی که دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت می‌کنند، درک عمیق‌تری از خود و

دارای عزت‌نفس، ملتزم به ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌پذیر» تأکید شده است. از دیدگاه قرآن کریم، خودفراموشی نتیجه‌ی خدافراموشی است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر/ ۱۹). امام محمد غزالی نیز خودشناسی را مقدمه‌ی خداشناسی می‌داند (غزالی، ۱۳۸۰). مطالعات متعددی در حوزه‌ی آموزش نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های تدریس فعال و فعالیت‌های خودارزیابی می‌توانند تأثیر معناداری در افزایش خودآگاهی دانش‌آموزان داشته باشند.

خودآگاهی در کتاب‌های

دینی و اخلاقی و اجتماعی

از منظر روان‌شناسی، خودآگاهی به‌معنای توانایی فرد در شناخت دقیق خود، شامل

این مقاله به تجربه‌ی عملی یک آموزگار در اجرای راهکارهای تقویت مهارت خودآگاهی در دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی می‌پردازد. با توجه به مشاهده‌ی نشانه‌هایی مانند عزت‌نفس پایین، بی‌انگیزگی و ضعف در ارتباطات بین‌فردی در ابتدای سال تحصیلی، راهکارهایی عملی به‌مدت یک نیم‌سال تحصیلی، در کلاسی با ۳۵ دانش‌آموز اجرا شد. این راهکارها عبارت بودند از: غنی‌سازی کتابخانه‌ی کلاسی، استفاده از پویانمایی‌های آموزشی، اجرای نمایش، تکمیل کاربرگ‌های خودارزیابی و تمرین شکرگزاری. نتیجه‌ها حاکی از افزایش چشمگیر عزت‌نفس، ایجاد انگیزه‌ی یادگیری، بهبود مهارت‌های ارتباطی و تقویت مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان بود. این تجربه نشان می‌دهد که تلفیق آموزش خودآگاهی با درس‌های اصلی و استفاده از روش‌های فعال و بازی‌محور، حتی با امکانات محدود کلاسی، می‌تواند به نتیجه‌های آموزشی و تربیتی ارزشمندی منجر شود.

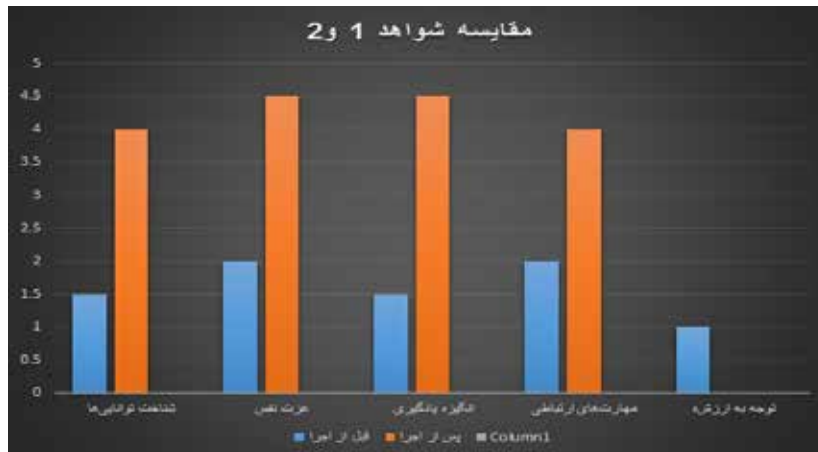
کلیدواژه‌ها: خودآگاهی، سند تحول بنیادین،

مهارت‌های زندگی، اقدام‌پژوهی، تدریس فعال

مقدمه

خودآگاهی یکی از اساسی‌ترین مهارت‌های زندگی است که نقشی بنیادی در شکل‌گیری شخصیت کودکان دارد. این مهارت به‌معنای توانایی فرد در شناخت دقیق خود، شامل شناخت احساسات، عقاید، ارزش‌ها، نقاط قوت و ضعف است و پایه و اساس سایر مهارت‌های زندگی از جمله همدلی، تصمیم‌گیری و مقابله با فشار عصبی به شمار می‌رود (ملکی، ۱۳۸۶). از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز بر تربیت دانش‌آموزانی «خودباور،





توانایی‌هایشان پیدا می‌کنند.

چالش اصلی

- در ابتدای سال تحصیلی، مشاهده شد که گروهی از دانش‌آموزان کلاس این مشکلات را دارند:
- ویژگی‌های جسمانی و توانایی‌های خود را به‌خوبی نمی‌شناسند.
- عزت نفس پایینی دارند و با کوچک‌ترین انتقاد ناراحت می‌شوند.
- انگیزه‌ی کمی برای درس خواندن دارند.
- ارتباط مؤثر و همدلانه‌ای با هم‌کلاسی‌هایشان ندارند.
- نسبت به برخی ارزش‌های دینی مانند حجاب بی‌تفاوت هستند.

نتیجه‌ها و دستاوردها

هدیه‌های آسمان انجام دهید.

- ۱. افزایش عزت‌نفس:** دانش‌آموزان به‌جای سرزنش خود، بیشتر توانایی‌هایشان را بر زبان می‌آوردند و با اشتیاق در فعالیت‌ها مشارکت می‌کردند.
- ۲. ایجاد انگیزه:** بی‌انگیزگی محسوس در ابتدای سال به‌شدت کاهش یافت و فضای کلاس برای یادگیری فعال و مشارکتی بسیار مثبت شد.
- ۳. بهبود روابط بین‌فردی:** درگیری و نزاع بین دانش‌آموزان به‌شکل محسوسی کم شد و جای خود را به همکاری و کمک به یکدیگر داد.
- ۴. تقویت مسئولیت‌پذیری:** دانش‌آموزان در قبول و انجام مسئولیت‌های فردی و گروهی (مانند تحویل به‌موقع تکلیف‌ها یا تمیز نگه‌داشتن کلاس) تمایل بیشتری نشان دادند.
- ۵. توجه به ارزش‌ها:** در بچه‌ها نگرش مثبت‌تری نسبت به رعایت ارزش‌هایی مانند حجاب و احترام به دیگران شکل گرفت.

راهکارهای اجراشده

۱. غنی‌سازی کتابخانه‌ی کلاسی

با افزودن کتاب‌های مرتبط با مهارت خودآگاهی به کتابخانه‌ی کلاسی و اختصاص زنگ کتاب‌خوانی هفتگی، زمینه‌ی آشنایی دانش‌آموزان با این مهارت فراهم شد. همان‌طور که محمدخانی و همکاران (۱۳۹۶) اشاره کرده‌اند، مطالعه‌ی کتاب‌های مناسب می‌تواند در افزایش خودآگاهی مؤثر باشد.

۲. استفاده از پویانمایی‌های آموزشی

پویانمایی‌هایی مانند «من قهرمانم» در کلاس پخش و پس از آن، بحث گروهی برگزار شد. این روش بر اساس پیشنهاد معاون مدرسه و مطابق با یافته‌های رحیم‌زاده و خانیکی (۱۳۹۸) اجرا شد.

۳. اجرای نمایش و ایفای نقش

دانش‌آموزان نمایش‌هایی بر اساس درس‌های کتاب فارسی اجرا کردند. این روش به درک بهتر احساسات و رفتارها کمک کرد و مطابق با راهکارهای پیشنهادی رادفر و حمیدی بود.

۴. کاربرگ‌های خودارزیابی

کاربرگ‌هایی برای شناخت ویژگی‌های جسمانی و رفتاری طراحی شد. این کاربرگ‌ها بر اساس الگوی پیشنهادی ناصری (۱۳۸۶) طراحی شده بود.

۵. تشکر از خداوند

دانش‌آموزان به‌سمت شکرگزاری از نعمت‌های الهی رهنمون شدند. همان‌طور که غزالی (۱۳۸۰) خودآگاهی را مقدمه‌ی خداآگاهی می‌داند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش همسو با نتیجه‌ی تحقیقات محمدخانی و همکاران (۱۳۹۶) و جزایری و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که روش‌های تدریس فعال و فعالیت‌های خودارزیابی می‌توانند در ارتقای خودآگاهی دانش‌آموزان نقش مؤثر داشته باشند. پیشنهاد می‌شود:

- آموزش مهارت خودآگاهی را به‌سادگی و با تلفیق در درس‌های اصلی مانند فارسی و

منابع

۱. قرآن کریم
۲. جزایری، علیرضا؛ رحیمی، سینا؛ دهقانی، محمود (۱۴۰۱). آموزش مهارت‌های زندگی. تهران: انتشارات دانژه.
۳. رحیم‌زاده کلاله، المیرا؛ خانیکی، الیه (۱۳۹۸). آموزش مهارت زندگی برای کودکان و نوجوانان در مدارس. تهران: انتشارات سرمشق.
۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۵). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۵. غزالی، محمد (۱۳۸۰). کیمیای سعادت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. محمدخانی، شهرام؛ نورری، ربابه؛ موتابی، فرشته (۱۳۹۶). مهارت‌های زندگی ویژه‌ی دانش‌آموزان. تهران: انتشارات طلوع دانش.
۷. ملکی، حسن (۱۳۸۶). سی مهارت زندگی ویژه‌ی نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات آبیز.

رشد با رشد

راهکارهایی نوآورانه برای جان بخشی به مجلات رشد در کلاس درس

اعظم هارونی
دکترای مدیریت آموزشی
کیمیا محمدی کاشانی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

مهارت‌های زبانی، توسعه‌ی سواد رسانه‌ای، فهم زیباشناختی و رشد بینش اجتماعی نیز فراهم می‌آورند. ظرفیت‌های بیانی متنوع مانند روایت، مصاحبه، شعر و... و همچنین تصویرسازی خلاق، این مجلات را به بستری برای یادگیری تجربه‌محور بدل کرده‌اند.

این مجلات، تضمینی برای یادگیری اثربخش نیست؛ بلکه آنچه حیاتی است، بازاندیشی در شیوه‌های بهره‌برداری از این منابع و طراحی سازوکارهایی ابتکاری برای ادغام مؤثر آن‌ها در برنامه‌های درسی رسمی و غیررسمی مدرسه است.

مجلات رشد؛

مکملی فراتر از محتوای درسی

رویکرد آموزشی نوین، یادگیری را فرایندی فعال و معنادار تلقی می‌کند. در چنین چارچوبی، مجلات رشد دانش‌آموزی نه تنها به غنای محتوای درسی کمک می‌کنند، بلکه فرصت‌هایی برای پرورش تفکر خلاق، تقویت

در دهه‌های اخیر، نگاه به منابع یادگیری در دوره‌ی ابتدایی از قالب‌های سنتی خارج شده و به‌سوی منابع چندوجهی، مشارکت‌محور و خلاق سوق یافته است. در این میان، مجلات رشد به‌عنوان محتوایی تخصصی، تربیتی و متناسب با ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان، ظرفیت کم‌نظیری را برای تکمیل، تعمیق و ارتقای تجربه‌های آموزشی در مدرسه فراهم می‌کنند. باین‌حال، صرف در دسترس بودن

راهکارهای ابتکاری برای بهره‌گیری

از مجلات رشد در مدرسه‌های ابتدایی

در ادامه، راهکارهایی عملیاتی و خلاقانه برای بهره‌گیری هدفمند از مجلات رشد در فضای مدرسه‌ی ابتدایی، با تمرکز بر رویکردهای نوین یاددهی یادگیری ارائه می‌شود:



تولید دانش دانش آموزی را تقویت می‌کند.

تقویم یادگیری با مجله‌ی رشد

با دانش‌آموزان تقویم هفتگی یا ماهانه‌ای را طراحی کنید که هر روز یا هفته، فعالیت‌های از مجله‌ی رشد در آن گنجانده شود. برای مثال: «سه‌شنبه: شعرخوانی از صفحه‌ی ۴»، «شنبه: گفت‌وگوی کلاسی درباره‌ی داستان شماره‌ی ۲»، «پنج‌شنبه: تمرین نقاشی مفهومی». این کار، مجله را به بخشی زنده و دائمی از فرایند آموزش تبدیل می‌کند.

جمع‌بندی

استفاده از مجلات رشد اگر با رویکردی تحول‌گرا، تلفیقی و مشارکت‌محور همراه باشد، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت یادگیری، توسعه‌ی مهارت‌های پایه و شکل‌گیری تجربه‌های تربیتی عمیق در دوره‌ی ابتدایی شود. مجله‌ای که با هدف سرگرمی به کلاس وارد می‌شود، نهایتاً به منبعی گذرا تبدیل خواهد شد؛ اما اگر به‌مثابه زمینه‌ساز گفت‌وگو، تحلیل، بازآفرینی و آفرینش دانش در نظر گرفته شود، می‌تواند به یکی از ارکان پویایی محیط یادگیری در مدرسه‌های ابتدایی بدل شود.

باشگاه ادبی رسانه‌ای

دانش‌آموزی با محوریت مجله‌ی رشد

با تشکیل گروهی از علاقه‌مندان به نویسندگی، خواندن و طراحی، باشگاهی تحت عنوان «باشگاه رشد» را در مدرسه پایه‌گذاری کنید. اعضای این باشگاه، به بررسی مطالب مجله، نوشتن یادداشت یا داستان کوتاه با الگوگیری از مجله و حتی تولید رسانه‌هایی مانند پادپخش‌های ساده یا تکه‌فیلم‌های خوانش خلاق می‌پردازند. این رویکرد ضمن تقویت سواد چندلایه (متنی، بصری، رسانه‌ای)، حس تعلق دانش‌آموزان را به فرایند یادگیری افزایش می‌دهد.

برگزاری نمایشگاه یادگیری

با محوریت محتوای مجلات رشد

در پایان هر ماه یا به‌صورت فصلی، نمایشگاهی از آثار دانش‌آموزان در خصوص محتوای مجله برگزار کنید؛ آثاری شامل نقاشی، یادداشت، داستان بازنویسی‌شده، آشپزی یا حتی اجرای نمایش کوتاه برگرفته از داستانی در مجله. این رویداد مدرسه را به فضایی برای نمایش یادگیری خلاق تبدیل و پیوند میان فعالیت‌های کلاسی و

● طراحی «ایستگاه رشد» در کلاس درس

مکان ثابتی را در کلاس تحت عنوان «ایستگاه رشد» ایجاد کنید؛ مکانی برای دسترسی آزاد دانش‌آموزان به نسخه‌های منتخب مجله، همراه با کاربرگ‌هایی برای فعالیت‌های بازآفرینی (نوشتن ادامه‌ی داستان، بازنویسی شعر با زبان خود و...). این ایستگاه، فضای غیررسمی اما هدفمندی برای تقویت یادگیری خودراهبر و چندوجهی فراهم می‌کند.

راه‌اندازی کارگاه‌های

یادگیری مبتنی بر متن مجله

با انتخاب متن‌هایی از مجلات رشد کارگاه‌های یادگیری در کلاس برگزار کنید؛ برای نمونه می‌توان متن و شعری را با درون‌مایه‌ی محیط‌زیستی، به‌عنوان فعالیتی برای ایجاد انگیزه در ابتدای تدریس درس علوم تجربی، در نظر گرفت. در این فعالیت، مجلات رشد فقط منبعی جانبی نیستند، بلکه محرک یادگیری مسئله‌محور و گفت‌وگو‌محور نیز خواهند بود.



درختِ ایرانمونه

رویداد ایرانمونه:

این درخت نمونه، امید فردامونه

رویداد «ایرانمونه» در راستای تقویت هویت ملی، با شعار «این درخت نمونه، امید فردامونه»، برای دانش‌آموزان طراحی شده است. این رویداد تلاش می‌کند با زبانی تمثیلی و قابل فهم، تصویری باصالت، زنده، پویا و امیدبخش از ایران ارائه دهد و دانش‌آموزان را با گذشته، حال و آینده‌ی کشور آشنا کند تا ضمن شناخت بهتر ایران، حس تعلق، مسئولیت‌پذیری، نقش‌آفرینی و امید به آینده در آن‌ها تقویت شود.

ایده‌ی کلی این رویداد برگرفته از رشد درخت در طبیعت است. به‌طور کلی گیاه به‌عنوان موجودی ساده می‌تواند با تشبیهی قابل فهم، نمایانگر پدیده‌ای پیچیده همچون کشور یا جامعه باشد؛ چراکه تمثیل مسیر تشکیل بذریه درختی تنومند و در ادامه ثمردادن و ریشه‌دواندن آن، به رشد موجودات دیگر مثل رشد انسان یا رشد حیوان، سریع و ملموس و فهم‌پذیرتر است. همچنین پیوند زدن اجزای درخت به عناصر و مؤلفه‌های کشور و خلق تشبیه میان این دو در قالب زمان گذشته، حال و آینده می‌تواند فهم وحدت‌گرایی را به کشور شکل دهد. به عبارتی دیگر، ریشه‌ی درخت را می‌توان به گذشته و تاریخ ایران، ثمره و میوه‌های آن را به دستاوردهای فعلی کشور و تولید میوه‌های جدید را به دستاوردها و نقش‌آفرینی ناظر به آینده تشبیه کرد. جمع این سه مؤلفه‌ی مهم (گذشته، حال و آینده ایران) می‌تواند نگاهی همه‌جانبه را به کشور برای دانش‌آموز ترسیم کند تا او میان تلاش و مجاهدت‌های گذشته، حال و آینده‌ی کشور ارتباط و معنا بیابد.

از همین رو، در این رویداد دانش‌آموزان با تمثیل کشور خود ایران به درختی تناور آشنا می‌شوند. درختی خارق‌العاده، بی‌نظیر و نمونه که با دیگر درخت‌ها متفاوت است؛ ریشه‌های (تاریخ) عمیق و محکمی دارد، میوه‌های فعلی او (دستاوردها) بسیار زیاد و متنوع هستند و باغبان‌های (مردم) صبور و پرتلاشی دارد که در طول زمان از این درخت محافظت و کمک کرده‌اند که میوه‌های نارس آن برسند و میوه‌های جدید شکل بگیرد. در طی فرایند رویداد، دانش‌آموزان ضمن آشنایی با این تمثیل، تلاش می‌کنند به‌صورت گروهی و در قالب کاربرگ در مورد دستاوردها و ریشه‌های تاریخی ایران بیندیشند و با تهیه و ساخت درخت ایران در کلاس خود، ریشه و ثمره‌های فعلی آن را متصل و زیبا و تکمیل کنند. در ادامه، آن‌ها با تکمیل کاربرگ دوم و پاسخ به این سؤال که میوه‌های آینده چه چیزهایی می‌توانند باشند، نقش خود را در آینده‌ی این درخت، به‌عنوان باغبان، مهم می‌بینند. همچنین آن‌ها می‌توانند در طول سال تحصیلی به انجام فعالیت‌های متنوع ناظر به هر یک از اجزای این درخت بپردازند و هر یک از آن‌ها را بررسی کنند.



من هم یک باغبانم - دخترانه

محمد سبحانی

کارشناس مددکاری اجتماعی و عضو بنیاد تعلیم و تربیت

برهان

حمید توانا

دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی و عضو بنیاد

تعلیم و تربیت برهان

زهرا غلامی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی و عضو

بنیاد تعلیم و تربیت برهان

مریم احمدی

کارشناس ارشد معماری و عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان

و با کمک زهراسادات نورانی

کارشناس علوم کامپیوتر، گرافیکست و عضو بنیاد

تعلیم و تربیت برهان



رویداد ایرانمونه

● پیش‌رویداد (خواندن داستان پیرامون درختی که نماد ایران است و شناخت بیشتر این درخت)؛

● رویداد اصلی (ساخت درخت، شناخت عمیق‌تر عناصر و تفکر برای نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در آینده‌ی ایران)؛

● بخش تکمیلی پس‌رویداد (تکمیل پروژه‌ی درخت ایران و شناخت گسترده‌تر).

این رویداد به‌گونه‌ای طراحی شده است که هر مدرسه بتواند متناسب با شرایط خود، آن را اجرا کند و در صورت تمایل، مسیر آن را در طول سال تحصیلی ادامه دهد. هدف نهایی «ایرانمونه» آن است که دانش‌آموز، در پایان مسیر، با ایرانی روبه‌رو شود که افتخارات گذشته و حال آن را می‌شناسد، به آن تعلق دارد و خود را در ساختن آینده‌اش مؤثر می‌داند.

*** برای معرفی رویداد و تبیین هدف‌های آن برای مربیان و کارکنان آموزشی، ویدئویی آماده شده که با پویش رمزینه قابل مشاهده است.

پیش‌رویداد

پیش‌رویداد در قالب بیان داستانی پیرامون سرگذشت درختی زیبا، تنومند، پرافتخار و باصالت است که گذشته‌ی پرفراز و نشیبی داشته و اکنون قوی و استوار ایستاده است. در انتهای داستان، دانش‌آموزان به این موضوع پی می‌برند که این درخت نماد ایران است.

در ادامه، برای شناخت بهتر این درخت و عناصر آن، گفت‌وگویی هدایت‌شده در کلاس شکل می‌گیرد. دانش‌آموزان کاربرگ این بخش را به‌صورت گروهی انجام می‌هند (زمان پیشنهادی: یک زنگ کلاسی / حدود ۴۵ دقیقه).

گام‌های اجرایی

۱. به‌منظور زمینه‌سازی برای این بخش و همچنین ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود پوستر پیش‌رویداد، قبل از شروع کار، در کلاس یا محیط مدرسه نصب شود.

۲. مربی در قالب داستانی جذاب درختی تنومند را توصیف می‌کند که گذشته‌ای طولانی و پرفراز و نشیب داشته است. درختی با ریشه‌های عمیق، تنه‌ای استوار، شاخه‌هایی گسترده و میوه‌هایی متنوع؛ برخی رسیده، برخی در حال رشد و برخی هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته‌اند. در جریان داستان به نقش باغبان‌ها در طول زمان نیز اشاره می‌شود. می‌توان داستان این

مخاطب

ایده‌ی اصلی رویداد را می‌توان برای دوره‌های اول و دوم ابتدایی اجرا کرد؛ اما فرایند طراحی که در این نوشتار ملاحظه می‌کنید، با تمرکز بر دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی تهیه شده است. با ساده‌سازی مراحل آن، امکان اجرای بخش‌هایی از رویداد برای دوره‌ی اول نیز وجود دارد.

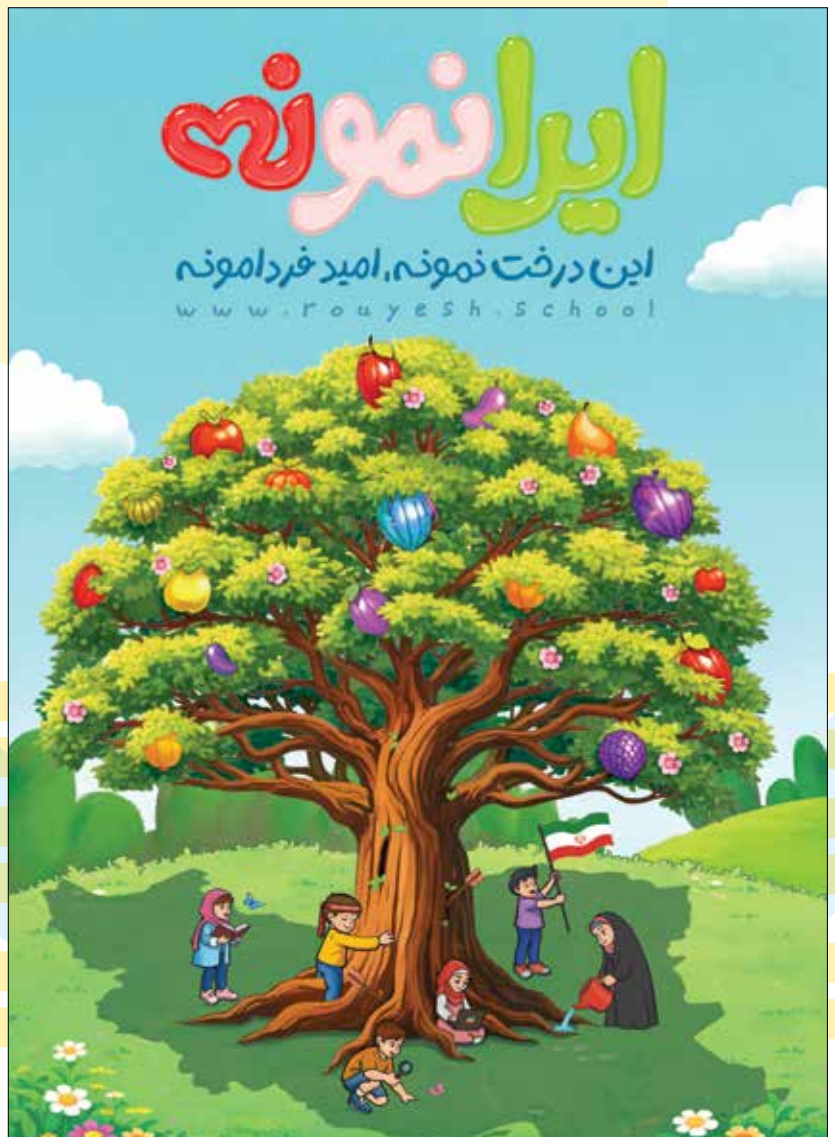
ساختار کلی اجرا

رویداد در دو بخش اصلی و یک بخش تکمیلی اجرا می‌شود:

هدف‌های رویداد

هدف‌های این رویداد را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

- آشنایی و افتخار به پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی ایران؛
- آشنایی و تقویت اعتمادبه‌نفس و غرور ملی به دستاوردهای امروز ایران؛
- امید و نقش‌آفرینی به آینده‌ی ایران به‌عنوان سرزمینی زنده، پویا و در حال رشد؛
- تقویت عشق و علاقه به میهن، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری به گذشته، حال و آینده‌ی کشور.



نقش مربی: مربی ضمن همراهی فعال، دانش‌آموزان را به باز و متنوع فکر کردن تشویق می‌کند. وی در صورت نیاز با ارائه مثال‌های متنوع به محدود نشدن پاسخ‌ها کمک می‌کند (برای کمک به مربی در هدایت دانش‌آموزان، نمونه‌هایی از میوه‌ها (دستاوردها) و ریشه‌ها (پشتوانه‌های تاریخی) در ضمیمه آورده شده است. پیوند).

کاربرگ شناخت درخت ایران

بعد از انجام کاربرگ توسط دانش‌آموزان، هر گروه ریشه‌ها و میوه‌هایی را که مشخص کرده‌اند، اعلام می‌کنند تا همه در جریان کار یکدیگر قرار بگیرند. در ادامه لازم است با همراهی مربی فهرستی از همه ریشه‌ها و میوه‌های کل کلاس آماده و موارد تکراری حذف شود. در نهایت هر گروه برای رویداد اصلی حداقل یک ریشه و یک میوه غیر تکراری داشته باشد (در صورت نیاز، مربی می‌تواند از فایل ضمیمه استفاده و موارد متنوع جدیدی به فهرست اضافه کند. هدف این است که از تکراری بودن کارها جلوگیری شود و بچه‌ها با مجموعه‌ای متنوع از دستاوردهای گذشته و حال ایران و پشتوانه‌های تاریخی و ارزشمند ایران آشنا شوند).

رویداد اصلی (ساخت درخت ایران)
در بخش اصلی رویداد، دانش‌آموزان با توجه به شناختی که در مرحله قبل به پیشینه و دستاوردهای ایران به دست آورده‌اند، با همکاری هم درخت ایران را می‌سازند. سپس به صورت گروهی و در قالب کاربرگ، به آینده‌ی ایران، دستاوردهای آینده و نقش آفرینی خودشان در آینده می‌پردازند. در نهایت ساخت درخت را تکمیل می‌کنند، آن را زیبا می‌سازند و نشان «باغبان ایران» را می‌گیرند (زمان پیشنهادی: دو زنگ کلاسی/ حدود ۹۰ دقیقه).

گام‌ها گام اول

مربی قبل از شروع رویداد، برای انگیزه‌بخشی به دانش‌آموزان و اعلام شروع رسمی رویداد، پوستر اصلی را در معرض دید دانش‌آموزان نصب می‌کند.

گام دوم

در ابتدای رویداد، مربی داستان درخت ایران و

■ گذشته‌ی پرافتخار ایران در قالب «ریشه‌های درخت» معرفی می‌شود.
■ نمونه‌هایی از دستاوردهای کشور در قالب «میوه‌های درخت» مطرح می‌شود.
■ حوادث تاریخی در قالب اتفاقات (طوفان، آسیب، خشک‌سالی و...) بیان می‌شوند.
■ به میوه‌هایی اشاره می‌شود که هنوز رشد نکرده‌اند و می‌توانند در آینده، به دست دانش‌آموزان امروز شکل بگیرند.

۴. در ادامه «کاربرگ شناخت درخت ایران» در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. به این منظور بچه‌ها گروه‌بندی می‌شوند و در قالب گروه‌های چهارنفره با همفکری همدیگر، به شناخت و معرفی دستاوردها (میوه‌ها) و پشتوانه‌های تاریخی (ریشه‌های) درخت ایران می‌پردازند. ریشه‌ها و میوه‌هایی که دانش‌آموزان در این کاربرگ به آن‌ها اشاره می‌کنند، مبنای ساخت درخت ایران در رویداد اصلی خواهند بود.

درخت را برای دانش‌آموزان چاپ و تهیه کرد تا در صورت امکان با خود به منزل ببرند و در مورد ابعاد گوناگون آن تأمل بیشتری کنند.

من هم یک باغبانم!

می‌توانید صوت داستان را با پویش رمزینه دریافت و آن را در کلاس پخش کنید.

پرسش‌هایی که در انتهای داستان پرسیده می‌شوند، دانش‌آموزان را به گفت‌وگو دعوت می‌کنند و فرصت فکر کردن آزاد را به آن‌ها می‌دهند. مربی این گفت‌وگو را هدایت می‌کند. در این گفت‌وگو، پیوند عاطفی دانش‌آموزان با درخت شکل می‌گیرد، اهمیت شناخت ایران مطرح و به این نکته اشاره می‌شود که آینده‌ی این درخت به تلاش و نقش آفرینی دانش‌آموزان (باغبانان آینده) وابسته است. در گفت‌وگویی که پس از خواندن داستان شکل می‌گیرد:



من هم یک باغبانم - پسرانه

مفاهیم ریشه و میوه را مرور می‌کند. با ارجاع به کاربرگ‌های پیش‌رویداد و جمع‌بندی آن، هر گروه چهارنفره حداقل یک میوه و یک ریشه برای ساخت و معرفی در مرحله‌ی رویداد دارد. سپس مراحل کار رویداد و زمان‌بندی آن برای دانش‌آموزان بیان می‌شود.

گام سوم

در گام سوم هر گروه مسئول ساخت و معرفی حداقل یک ریشه و یک میوه، در قالب نقاشی، نوشتار، ساخت کاردستی یا ترکیب این موارد است (خوب است مربی دانش‌آموزان را به تنوع در ساخت، خلاقیت و ایده‌های نو تشویق کند).

متن داستان پیش‌رویداد

گام چهارم

با همفکری همه‌ی دانش‌آموزان و هدایت مربی، شکل و ساختار کلی درخت مشخص می‌شود. بچه‌ها با همکاری هم شمای کلی درخت را می‌سازند تا برای نصب ریشه‌ها و میوه‌ها در مرحله‌ی بعدی آماده شود.

نکته: ساخت درخت می‌تواند بسته به امکانات با مقوای رنگی، کاغذ، پارچه یا وسایل بازیافتی، یا به صورت نقاشی یک درخت بزرگ روی کاغذ پوستر یا تخته، ترکیبی از این موارد یا هر ایده‌ی خلاقانه دیگری باشد. مهم نیست ابزار چیست؛ مهم «ساختن با هم» و ایجاد تجربه‌ی خوب برای دانش‌آموزان است.

گام پنجم

در گام پنجم، هر گروه میوه و ریشه‌های را که ساخته و معرفی کرده است، به درخت نصب می‌کند. گروه‌ها در جریان کار هم قرار می‌گیرند و با ساخته‌های یکدیگر آشنا می‌شوند.

گام ششم

پس از ساخت و تکمیل درخت، دانش‌آموزان به صورت گروهی، به ساخت میوه و معرفی ایده‌هایشان برای دستاوردهای آینده‌ی ایران می‌پردازند. در این مرحله که تحت‌عنوان «ساخت میوه‌ی آینده» مطرح می‌شود، تمرکز روی نقش‌آفرینی برای آینده خواهد بود. به این منظور کاربرگ «میوه‌ی آینده» به دانش‌آموزان داده می‌شود. در این کاربرگ، دانش‌آموزان به صورت گروهی به آینده‌ی ایران، نقش خودشان و دستاوردهای پیشنهادی‌شان برای آینده‌ی کشور فکر می‌کنند. سپس آن را می‌سازند، معرفی و به درختشان نصب می‌کنند. لازم است در این مرحله، مربی دانش‌آموزان را به سمت ایده‌های نو و خلاقانه هدایت کند.

«میوه‌ی آینده»

حالا که درخت ایران را شناختیم، وقت این است که به آینده فکر کنیم. بعضی میوه‌های این درخت هنوز رشد نکرده‌اند و قرار است در آینده، با کمک شما باغبان‌های جدید، به وجود بیایند.

۱. دوست دارید ایران آینده چه چیزهایی داشته باشد که الان کمرنگ است یا جایشان خالی است؟

۲. شما دوست دارید در آینده در چه کارهایی یا چه زمینه‌هایی نقش داشته باشید؟

۳. فکر می‌کنید این کارهای شما چه کمکی به ایران می‌کند؟

۴. حالا که به آینده فکر کردید، وقت آن است که یکی از میوه‌های آینده‌ی این درخت را شما بسازید. چه دستاوردی را انتخاب می‌کنید؟ نام دستاورد (میوه) آینده‌ی شما:

۵. این دستاورد (میوه) آینده چه ویژگی‌هایی دارد و چرا مهم است؟ حالا وقت ساخت و معرفی است.

با همکاری یکدیگر برای دستاورد آینده‌تان میوه‌ی نمادین بسازید (با هر شکل، رنگ و ابزاری



کشورمان ایران است. پیشنهاد می‌شود درخت ایران در کلاس و مدرسه بماند و به‌مرور، بسته به شرایط، در قالب پروژه‌های متعدد تکمیل شود. هدف از تداوم این رویداد، تعمیق شناخت دانش‌آموزان به ایران در زمینه‌های گوناگون و نهادینه‌شدن حس تعلق و انگیزه‌ی کنشگری دانش‌آموزان به ایران است. در ادامه به بیان محورهای پیشنهادی برای تداوم رویداد ایران‌مونه و مثال‌هایی برای هر بخش می‌پردازیم. امیدواریم این پیشنهادها، برای مدرسه‌هایی که مایل‌اند مسیر «ایران‌مونه» را ادامه دهند، راهگشا باشد.

■ تکمیل درخت و اشاره به سایر عناصر مرتبط با درخت ایران؛ ■ پژوهش برای معرفی ریشه و میوه‌های بیشتر؛ ■ ایده‌پردازی بیشتر پیرامون آینده و نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در قالب تولید و معرفی میوه‌های بیشتر برای آینده‌ی درخت ایران؛

○ اشاره به سایر عناصر درخت ایران (خوب است این موارد با همفکری دانش‌آموزان مشخص شود). در ادامه پیشنهادهایی ارائه می‌شود: ■ تنه (تنوع فرهنگ، اقوام، طبیعت و جغرافیای ایران که بستری برای ایجاد شاخه‌های متعدد درخت ایران بوده‌اند)؛ ■ شاخه‌ها (زمینه‌های متعدد و متنوع که بستری برای رشد میوه‌ها خواهند بود؛ مثلاً شاخه‌ی هنر، علوم، صنایع دفاعی، پزشکی و... که هر کدام زیر شاخه‌هایی هم دارند)؛ ■ شکوفه‌ها (اخبار نویدبخش و ایده‌های نو برای ایجاد دستاوردهای آینده)؛ ■ توجه و شناخت حوادثی که ایران از سر گذرانده و از آن‌ها عبور کرده است (این موارد مرتبط با تاریخ ایران می‌تواند در قالب گزارش‌های کوتاه در کنار درخت نصب شوند)؛ ■ شناخت بیشتر و عمیق‌تر پیشینه و تاریخ ایران (ریشه‌ها) و دستاوردهای فعلی ایران (میوه‌ها)؛ ■ پژوهش‌های فردی یا گروهی عمیق‌تر پیرامون هر یک از عناصر؛ ■ معرفی دقیق‌تر هر یک از عناصر (ریشه، میوه و ...) در قالب ساخت روزنامه‌یواری؛ ■ اجرای رادیوی دانش‌آموزی برای معرفی دستاوردهای ایران، پیشینه و سایر عناصر مرتبط. در پایان، دانش‌آموزان با درختی مواجه می‌شوند که حاصل کار و فکر خودشان است، به آن حس تعلق و برای آینده‌اش ایده و امید دارند.

نکته‌ی پایانی: یادمان باشد هدف این رویداد حفظ کردن اطلاعات و ارائه‌ی پاسخ‌های مشخص نیست؛ هدف این است که دانش‌آموزان کشورشان را دوست داشته باشند، به آن فکر کنند و خودشان را در آینده‌ی آن مؤثر بدانند.

نشان «باغبان ایران» داده شود. نشان باغبان آینده پیوند دسترسی به نشان باغبان آینده **نکته:** پیشنهاد می‌شود بعد از نصب میوه‌ها، ریشه‌ها و میوه‌های آینده، کل کلاس با همکاری هم برای زیباترشدن درختشان برگ و عناصر جانبی بسازند و به آن نصب کنند. عناصری مثل پرچم، نام و تصویر قهرمانان ایران یا نمادهای دیگری که هویت درخت ایران را بهتر نشان دهد.

پسارویداد (تداوم مسیر)

تشبیه ایران به درخت فرصت بسیار خوبی برای انتقال برخی آموزش‌های درسی و همچنین ایجاد شناخت همه‌جانبه و عمیق‌تر دانش‌آموزان به

که دوست دارید). حتماً با نقاشی و نوشته، میوه و دستاوردهای آن را معرفی و به میوه ضمیمه کنید برای اینکه مشخص باشد این میوه قرار است در آینده روی درخت ایران برود، نشان «میوه‌ی آینده» را از این کاربرگ جدا و روی آن نصب کنید. میوه‌ی آینده‌ی خودتان را همراه با معرفی آن به درختتان نصب کنید تا دیگران هم با آن آشنا شوند. به امید روزی که درخت ایران پر باشد از دستاوردهای ارزشمند شما

گام هفتم

پیشنهاد می‌شود در پایان رویداد، برای ماندگاری خاطره‌ی این رویداد و به پاس نقش‌آفرینی دانش‌آموزان برای درخت ایران، به هر دانش‌آموز

میوه‌ی آینده

حالا که درخت ایران را شناختیم، وقت این است که به آینده فکر کنیم.
بعضی میوه‌های این درخت هنوز رشد نکرده‌اند و قرار است در آینده، با کمک شما باغبان‌های جدید، به وجود بیایند.

- دوست دارید ایران آینده چه چیزهایی داشته باشد که الان کم‌رنگ است یا جایشان خالی است؟
- شما دوست دارید در آینده در چه کارهایی یا چه زمینه‌هایی نقش داشته باشید؟
- فکر می‌کنید این کارهای شما چه کمکی به ایران می‌کند؟

حالا که به آینده فکر کردید، وقتشه یکی از میوه‌های آینده این درخت رو شما بسازید، چه دستاوردی رو انتخاب می‌کنید؟

- نام دستاورد (میوه، آینده شما):
- این دستاورد (میوه) آینده چه ویژگی‌هایی دارد و چرا مهم است؟

میوه‌ی آینده

میوه‌ی آینده

میوه‌ی آینده

میوه‌ی آینده

حالا وقت ساخت و معرفی است.

- با همکاری هم دیگر برای دستاورد آینده‌تان میوه‌ی نمادین بسازید. آیا هر شکل، رنگ و ابزاری که دوست دارید
- حتماً با نقاشی و نوشته، میوه و دستاوردهای آن را معرفی کنید و به آن ضمیمه کنید
- برای اینکه مشخص باشد این میوه قرار است در آینده روی درخت ایران برود، نشان «میوه آینده» را از این کاربرگ جدا کنید و روی آن نصب کنید.
- میوه آینده خودتان را همراه با معرفی آن به درختتان نصب کنید تا دیگران هم با آن آشنا شوند.

به امید روزی که درخت ایران پر باشد از دستاوردهای ارزشمند شما

از کاغذ باطله تا اثر هنری

معرفی هنر خمیر کاغذ



مریم اسدی
کارشناس ارشد گرافیک و معاون آموزشی
مدرسه در منطقه‌ی ۳ تهران

می‌شود و امکان شکل‌دهی و قالب‌گیری را فراهم می‌کند. از نظر فنی، خمیر کاغذ شامل ترکیبی از الیاف کاغذ، آب و مواد چسبنده است که پس از خشک‌شدن، ساختاری به‌نسبت سخت و مقاوم پیدا می‌کند. این ویژگی باعث شده است که خمیر کاغذ نه تنها برای ساخت اشیای تزئینی، بلکه برای تولید وسایل کاربردی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

تاریخچه‌ی هنر خمیر کاغذ در جهان
اگرچه واژه‌ی خمیر کاغذ فرانسوی است، اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ریشه‌های

سادگی در اجرا، قابلیت بالایی در تولید آثار متنوع هنری و کاربردی دارد. هدف این مقاله، معرفی هنر خمیر کاغذ، بررسی تاریخچه و روش‌های اجرایی آن و تحلیل اهمیت این هنر در زمینه‌ی بازیافت و توسعه‌ی پایدار است.

تعریف و مفهوم خمیر کاغذ

پایه‌ماشه یا همان خمیر کاغذ واژه‌ای فرانسوی به معنای «کاغذ جوییده‌شده» یا «کاغذ له‌شده» است. این اصطلاح به هنری اشاره دارد که در آن، کاغذ پس از خیس شدن و ترکیب با چسب، به ماده‌ای خمیری تبدیل

خمیر کاغذ (پایه‌ماشه)^۱ یکی از هنرهای دستی کهن مبتنی بر کاغذ است که با استفاده از مواد ساده و بازیافتی، امکان تولید آثار هنری متنوع و کاربردی را فراهم می‌کند. این هنر که ریشه‌های تاریخی آن به تمدن چین بازمی‌گردد، در طول زمان در کشورهای گوناگون گسترش یافته است و در ایران نیز سابقه‌ای قابل توجه دارد. در این پژوهش، هنر خمیر کاغذ از نظر تاریخی، فنی و زیست‌محیطی بررسی شده و اهمیت آن به‌عنوان هنری مقرون‌به‌صرفه و سازگار با محیط زیست مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه‌ی این بررسی‌ها نشان می‌دهد که خمیر کاغذ علاوه بر ارزش‌های هنری و فرهنگی، می‌تواند نقش مؤثری در ترویج فرهنگ بازیافت و کاهش پسماندهای کاغذی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: خمیر کاغذ (پایه‌ماشه)، هنرهای دستی، بازیافت، محیط زیست

مقدمه

در دنیای امروز، با افزایش مصرف منابع طبیعی و رشد روزافزون پسماندها، توجه به روش‌های پایدار تولید و استفاده‌ی مجدد از مواد دورریز اهمیت ویژه‌ای یافته است. هنرهای دستی مبتنی بر بازیافت، از جمله هنر خمیر کاغذ، می‌توانند نقش مهمی را در کاهش مصرف مواد اولیه و حفاظت از محیط زیست ایفا کنند.

خمیر کاغذ هنری است که بر پایه‌ی استفاده از کاغذهای باطله و ترکیب آن‌ها با مواد چسبنده شکل می‌گیرد. این هنر، علاوه بر



این هنر به چین باستان بازمی‌گردد. چینی‌ها که مخترع کاغذ بودند، نخستین بار از خمیر کاغذ برای ساخت اشیای متعدد، به‌ویژه کلاه‌های ایمنی، استفاده کردند. قدمت این آثار به دوره‌ی سلسله‌ی «هان» (۲۰۲ پیش از میلاد تا ۲۲۰ میلادی) بازمی‌گردد. در این دوره، برای افزایش استحکام لایه‌های کاغذ از موادی شبیه لاک استفاده می‌شد.

این هنر به‌مرور از طریق مسیرهای تجاری به سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه و اروپا منتقل شد. فرانسه در قرن هفدهم میلادی نخستین کشور اروپایی بود که خمیر کاغذ را به‌طور گسترده به کار گرفت و باعث شناخته‌شدن آن در سطح جهانی شد.

مواد و روش‌های ساخت پاپیه‌ماشه

مواد اولیه

مواد مورد‌استفاده در هنر خمیر کاغذ بسیار ساده و در دسترس هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- کاغذ باطله یا روزنامه؛
- آب؛
- چسب، آرد، نشاسته، چسب چوب یا چسب‌های (PVA)؛
- نمک یا روغن میخک (به‌عنوان مواد ضدکپک)؛
- رنگ و پوشش‌های محافظ.

تهیه‌ی خمیر

برای تهیه‌ی خمیر کاغذ، کاغذهای باطله ابتدا به‌مدت حداقل یک شب در آب خیس یا در آب فراوان جوشانده می‌شوند تا الیاف کاغذ





از هم جدا شوند و به حالت خمیری درآیند. سپس آب اضافی از خمیر گرفته و چسب به آن افزوده می‌شود تا مخلوطی یکدست و چسبنده حاصل شود. هدف اصلی در این مرحله دستیابی به خمیری همگن و مقاوم است که قابلیت شکل‌دهی بالایی داشته باشد.

روش‌های اجرایی خمیر کاغذ

۱. روش نوارهای کاغذی

در این روش، کاغذ به صورت نوارهای باریک بریده و در محلول چسب غوطه‌ور می‌شود. نوارهای اشباع‌شده سپس به صورت لایه‌لایه روی استخوان‌بندی (اسکلت) یا قالب قرار می‌گیرند. این قالب می‌تواند از جنس بادکنک، سیم، تور مرغی یا اشیای آماده باشد. خشک‌شدن تدریجی لایه‌ها استحکام نهایی اثر را افزایش می‌دهد.

۲. روش خمیر کاغذ

در روش خمیر، ماده‌ی خمیری حاصل مستقیماً مانند خاک رس شکل داده می‌شود. این روش آزادی عمل بیشتری به هنرمند می‌دهد و برای ساخت مجسمه‌ها و شکل‌های پیچیده بسیار مناسب است. پس از خشک‌شدن، سطح اثر قابلیت برش، سنباده‌کاری و رنگ‌آمیزی دارد.

رنگ‌آمیزی و مقاوم‌سازی آثار

پس از خشک‌شدن کامل آثار خمیر کاغذ، می‌توان آن‌ها را رنگ‌آمیزی کرد. برای افزایش دوام و مقاومت در برابر رطوبت، به‌ویژه در ظرف‌ها و اشیای کاربردی، استفاده از رنگ‌ها و پوشش‌های ضدآب توصیه می‌شود. ذکر این نکته نیز لازم است که در صورت رنگ‌آمیزی پیش از خشک‌شدن کامل چسب، احتمال ایجاد کپک و پوسیدگی در ساختار داخلی اثر افزایش می‌یابد.

کاربردهای هنر خمیر کاغذ

خمیر کاغذ قابلیت ساخت طیف گسترده‌ای از محصولات را دارد؛ از اشیای کوچک مانند زیورآلات گرفته تا وسایل بزرگ‌تر مانند مجسمه‌ها، قاب‌ها، ظروف و حتی آرایه‌های (دکورهای) صحنه‌ای. وزن سبک و قیمت پایین این محصولات، آن‌ها را برای استفاده در سینما و نمایش‌های صحنه‌ای بسیار مناسب کرده است.

نتیجه‌گیری

خمیر کاغذ هنری ساده، کم‌هزینه و در عین حال بسیار کاربردی است که علاوه بر ارزش‌های هنری و فرهنگی، نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست ایفا می‌کند. بررسی تاریخی و فنی این هنر نشان می‌دهد که خمیر کاغذ می‌تواند به‌عنوان یکی از مصداق‌های هنر پایدار، در توسعه‌ی فرهنگی و زیست‌محیطی جوامع نقش مؤثری داشته باشد.

پی‌نوشت

1. Papier Mache

هنر خمیر کاغذ در ایران

در ایران، هنر خمیر کاغذ سابقه‌ای طولانی دارد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که ساخت وسایل مقوایی نخستین‌بار از شهر هرات آغاز شده است. در دوره‌ی تیموری، با توجه ویژه‌ی دربار به خوش‌نویسی، هنر قلمدان‌سازی رونق یافت. در دوره‌ی صفویه، این هنر در شهرهایی مانند اصفهان و قزوین به اوج خود رسید. آثار معروف به «لاکی» و نقاشی‌های «گل و مرغ» که روی قلمدان‌ها، جعبه‌ها، جلد کتاب‌ها و قاب‌ها دیده می‌شود، بیشتر بر پایه‌ی خمیر کاغذ ساخته شده‌اند.

نقش خمیر کاغذ در

حفاظت از محیط زیست

استفاده از کاغذهای دورریز در هنر خمیر کاغذ، نمونه‌ای از بازیافت خلاقانه است که ضمن کاهش حجم زباله‌ها، ارزش افزوده‌ی فرهنگی و اقتصادی ایجاد می‌کند. این هنر می‌تواند به‌عنوان ابزاری آموزشی برای ترویج فرهنگ بازیافت و آگاهی زیست‌محیطی در جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. حبیبی، م (۱۳۹۵). آشنایی با هنرهای سنتی ایران. تهران: انتشارات سمت.
۲. پاکباز، روئین (۱۳۹۳). دائرةالمعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
۳. نجفی، فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی هنر پایه‌ماشه در ایران». فصلنامه‌ی هنرهای سنتی. ۱۲ (۲).
4. Johnson, S. (2010). Papier-Mâché: Art, Techniques, and History. London: Thames & Hudson.
5. History of Papier Mâché. (2020). Encyclopaedia Britannica.
6. Ross, J. (2015). Recycled Art and Sustainable Craft. New York: Routledge.

سعیده جعفری
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی
سرگروه آموزشی پایه‌ی ششم شیراز



درس‌های داستان‌ها

روایتی از پیوند تخیل با آموزش مفاهیم دشوار در دوره‌ی ابتدایی

قصه‌پردازی ابزاری کارآمد برای ساده‌سازی مفاهیم پیچیده و ایجاد پیوند میان دانایی و دل‌پذیری در آموزش است. این مقاله به بررسی نقش داستان در آموزش مفاهیم علمی و ریاضی در دوره‌ی ابتدایی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه آموزگاران می‌توانند با بازآفرینی مفاهیم در قالب روایت، فرایند یادگیری را پربارتر کنند. همچنین، روش‌هایی برای استخراج داستان از موضوعات درسی و چند نمونه‌ی کاربردی برای الهام‌بخشی به معلمان ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قصه‌پردازی، آموزش مفاهیم درسی، آموزش ریاضی، آموزش علوم، یادگیری پایدار، تخیل آموزشی

مقدمه

سال‌های آغازین آموزش، پایه‌های شناختی، عاطفی و نگرشی دانش‌آموزان را می‌سازند. در این دوران، کودک با دنیای واژگان، تصویرها و خیال‌ها بیش از هر ابزار دیگری پیوند دارد. یکی از کهن‌ترین و مؤثرترین ابزارهای آموزش «قصه» است. داستان، با ساختار روایی خود، مفاهیم را به حافظه‌ی بلندمدت پیوند می‌زند و امکان درک، نگهداری و بازگویی آموخته‌ها را بیشتر می‌کند. در کلاس‌های دوره‌ی ابتدایی، به‌ویژه در درس‌هایی مانند ریاضی و علوم که مفاهیم آن‌ها گاه برای کودک انتزاعی و ناملموس‌اند، بهره‌گیری از داستان می‌تواند آموزش را به تجربه‌ای شیرین و ماندگار تبدیل کند.

مزایای بهره‌گیری از داستان در آموزش مفاهیم درسی

۱. ساده‌سازی مفاهیم پیچیده

مفاهیم علمی مانند چرخه‌ی آب، تبخیر یا ساختار گیاه، و مفاهیم عددی مانند کسر، عددهای اول یا زاویه برای دانش‌آموزان ابتدایی دشوار است. روایت‌سازی این مفاهیم با شخصیت‌پردازی، مسیر فهم را هموار می‌کند. برای نمونه، داستان «سفر قطره» چرخه‌ی آب را به زبانی ملموس روایت می‌کند.



۲. افزایش انگیزه و مشارکت

داستان فضای کلاس را از حالت خشک و رسمی خارج و آن را به محیطی زنده، پر از گفت‌وگو و مشارکت فعال تبدیل می‌کند. کودکان در جریان داستان‌ها با پرسش، حدس، بازگویی و گفت‌وگوی گروهی درگیر می‌شوند.

۳. یادگیری ماندگار و عمیق

ساختار روایت، با داشتن آغاز، گره و پایان کمک می‌کند مفاهیم در ذهن ساختارمند شوند. حافظه‌ی کودک داستان را بهتر نگه می‌دارد تا تعریف‌های رسمی یا نمودارها.

۴. پرورش مهارت‌های زبانی و خلاقیت

قصه‌پردازی نه تنها به آموزش درس‌ها کمک می‌کند، بلکه مهارت واژگانی، جمله‌سازی، داستان‌نویسی و خیال‌پردازی را در بچه‌ها نیز رشد می‌دهد.

روش‌های استخراج داستان از مفاهیم درسی

۱. شخصیت‌سازی برای پدیده‌ها و مفاهیم هر مفهوم درسی را می‌توان به شخصیتی تبدیل کرد؛ مثلاً در درس کسر، عدد «یک‌سوم» می‌تواند بچه‌ای باشد که یاد گرفته سهمش را با دیگران تقسیم کند. در علوم، تبخیر به شخصیتی تبدیل می‌شود که عاشق بالارفتن و سبکی است.

۲. ساختن موقعیت‌های نمایشی

مفاهیم را در قالب داستان‌هایی با ماجراهای ساده و کودک‌پسند بسازیم. مانند اجرای «سه قطره‌ی بارانی» که از ابر جدا می‌شوند، به زمین می‌رسند و سرنوشت متفاوتی پیدا می‌کنند.

۳. بهره‌گیری از تجربه‌های

روزمره‌ی دانش‌آموزان

کودکان دوست دارند خودشان را در داستان ببینند؛ مثلاً داستانی درباره‌ی بچه‌ای که می‌خواهد پول توجیبی‌اش را بین خواهرانش تقسیم کند، می‌تواند آغاز خوبی برای یادگیری نسبت و کسر باشد.

۴. استفاده از الگوهای داستانی آماده

الگوهایی مانند سفر قهرمان، داستان‌های پرسش‌محور، روایت روزمره یا گفت‌وگوی خیالی میان مفاهیم می‌تواند قالب‌های مناسبی برای نوشتن داستان درسی باشد.

نمونه‌هایی از کاربرد داستان

در آموزش درس‌ها

● ریاضی، پایه‌ی ششم

زاویه‌های متمم و مکمل

در داستانی به نام «دوستان جمع‌کردنی»، دو زاویه به نام‌های «نودی» و «صدوهشتادی» معرفی می‌شوند. نودی همیشه دنبال دوستی است که جمع زاویه‌هایشان دقیقاً ۹۰ درجه شود؛ او دوست دارد شکل گوشه‌ای راست را بسازد. صدوهشتادی اما می‌خواهد خط صاف تشکیل دهد و همیشه دنبال کسی می‌گردد که با او به ۱۸۰ درجه برسد. در طول داستان، دانش‌آموز با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که باید انتخاب کند کدام زاویه مکمل است و کدام متمم، و از این راه تفاوت میان این دو مفهوم را با تجربه و تصویر در ذهن خود حک می‌کند.

● علوم، پایه‌ی سوم

چرخه‌ی آب

«قطره‌ی کوچولو» از برکه‌ای آرام به آسمان می‌رود،

ابر می‌شود، باران می‌شود، در رودخانه می‌چرخد، به دریا می‌رسد و باز همان چرخه را آغاز می‌کند.

● ریاضی، پایه‌ی پنجم

آموزش کسرها

در شهر «تقسیمستان»، مغازه‌ای هست که هر خوراکی را به اندازه‌ی خواسته‌ی مشتریان بخش‌بندی می‌کند. بچه‌ها می‌آیند و می‌گویند: «ما یک‌دوم کیک می‌خواهیم» یا «سه‌چهارم لیوان آب‌میوه لطفاً!» این داستان مفاهیم ساده‌ی کسر و مقایسه‌ی آن‌ها را در قالب محیطی آشنا و شاد برای کودک توضیح می‌دهد.

● علوم، پایه‌ی چهارم

الکتریسیته و مدار بسته

داستان «آقای برق و سفر در حلقه‌ی نور» که فقط وقتی موفق می‌شود خانه‌ها را روشن کند که مسیرش بسته و کامل باشد. اگر کلید روشن نباشد یا سیم پاره باشد، او راه را گم می‌کند و چراغ خاموش می‌ماند.

نتیجه‌گیری

قصه‌پردازی هنری کهنی است که در خدمت آموزش نوین درمی‌آید. در کلاس‌های دوره‌ی ابتدایی که پایه‌گذار نگاه کودکان به جهان است، استفاده از روایت در آموزش، ابزاری خلاقانه و مؤثر برای درک مفاهیم علمی و عددی است. معلمان با بهره‌گیری از قصه‌گویی می‌توانند کلاس را از فضای خشک به فضای زنده و معنادار تبدیل کنند. این روش نه تنها آموزش را لذت‌بخش‌تر می‌کند، بلکه به پرورش مهارت‌های زبانی، ذهنی و عاطفی دانش‌آموز نیز کمک می‌کند. همچنین با اجرای داستان‌های ساده و بومی‌سازی‌شده، دانش‌آموزان می‌آموزند که مفاهیم علمی و عددی نه چیزی دور و پیچیده که بخشی از زندگی روزمره‌ی آنان‌اند. ایجاد چنین پیوندی یادگیری را طبیعی، عمیق و پایدار می‌سازد.

منابع

۱. تقی‌زاده، محمود. (۱۳۹۸). «روش‌های خلاق در آموزش ابتدایی». تهران: انتشارات مدرسه.
۲. سادات‌نیا، فاطمه. (۱۴۰۰). «قصه‌گویی در آموزش مفاهیم علمی». مشهد: تربیت معلم.
۳. گرمارودی، نورگس. (۱۳۹۷). «روایت‌محوری در یادگیری کودکان». تهران: پژوهشگاه آموزش و پرورش.
۴. جویباری، منصور. (۱۴۰۱). «کاربرد روایت در تدریس ریاضی». فصلنامه آموزش خلاق، ۵، ۴۱-۵۵.
۵. رضایی، علی. (۱۴۰۲). «نقش تخیل در آموزش مفاهیم پایه». تهران: مؤسسه‌ی رشد اندیشه.



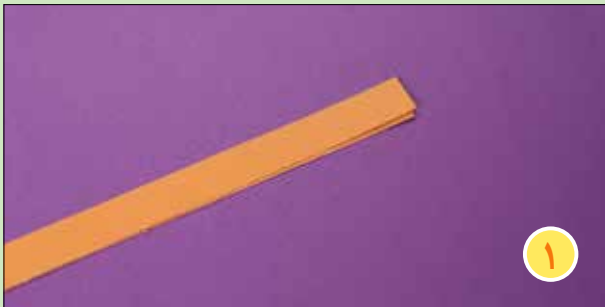
ستاره‌های دست‌ساز

پری حاجی‌خانی
کارشناس فیزیک



آموزش از طریق وسایل کمک‌آموزشی و به‌طور عملی می‌تواند به تقویت درک مفاهیم کمک کند. اگر ساخت این وسایل آسان باشد و دانش‌آموزان خودشان بتوانند ابزاری درست کنند و از روی آن مبحث درسی را مطالعه کنند، می‌تواند بسیار مفیدتر هم باشد. استفاده از وسایل ساده و در دسترس برای آموزش نقش بسیار مهمی دارد. در این راستا استفاده از هنر کاغذتا (اریگامی) برای آموزش می‌تواند راهگشا باشد؛ زیرا ضمن درست کردن یک وسیله، مهارت‌های دست‌ورزی، تمرکز، صبر و پشتکار و... نیز در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. از کاغذتا برای آموزش ریاضی و هندسه می‌توان استفاده کرد. کاغذتایی این شماره مربوط به ستاره‌ای پنج‌پر و منتظم است که با استفاده از نواری کاغذی و بدون چسب ساخته می‌شود. بهتر است نسبت عرض کاغذ به نسبت طول آن کم باشد؛ مثلاً از نوارهای 1×20 سانتی‌متری استفاده کنید

کشیدن و درست کردن یک پنج‌ضلعی منتظم به‌خاطر اندازه‌ی زاویه‌ی آن برای دانش‌آموزان نسبتاً کار دشواری است؛ اما اگر از این روش استفاده کنند، تنها با یک گره‌زدن نوار کاغذی و بدون اندازه‌گیری می‌توانند یک پنج‌ضلعی منتظم داشته باشند و در نهایت آن را به ستاره‌ای حجیم تبدیل بکنند. برای ساخت این ستاره این مرحله‌ها را دنبال کنید.



۱



۲



۳



۴



کشتی سازی در کلاس درس

نگاهی به يك تجربه ی پژوهشی



فرزانه نوراللهی
کارشناس فیزیک

عملی توسط دانش آموزان جایگاه ویژه ای دارد؛ لذا با انتخاب موضوعات ساده، امکان تمرین مکرر این مهارت ها را تا حد حرفه ای شدن برای آن ها فراهم آورید.

۶. بهتر است این نوع فعالیت های عملکردی، غیر از درس علوم، در درس های دیگر هم طراحی و اجرا شوند تا تصور نشود فعالیت پژوهشی در انحصار درس علوم است.

۷. در این روش خاص، دادن بازخورد مؤثر و ارزشیابی بهنگام از کارهای دانش آموزان بسیار اهمیت دارد. در واقع اصل یادگیری و تثبیت آن با بازخوردهای مناسب معلم یا مربی در دانش آموز شکل می گیرد. این عمل به دانش آموز ثابت می کند که این فعالیت های جالب و هیجان انگیز فقط بازی نیستند و هدفمند طراحی شده اند؛ لذا باید با جدیت در انجام آن ها پیش رفت.

یکی از منابع خوبی که برای معرفی پروژه های ساده و کاربردی وجود دارد، مجموعه کتاب های کارپروژه، است. از جلد پنجم این مجموعه، فعالیت شماره ۱۸۴، «شناوری» را انتخاب کرده ایم.

هدف: درک چگونگی شناوری کشتی های سنگین

مواد و وسایل لازم: خط کش، ورقه های آلومینیومی، ۲۰ گیره کاغذ، آب، سطل یا لگن با سطح بزرگ تر از ورقه ی آلومینیومی

روش کار:

۱. از ورقه های آلومینیومی دو مربع، هر یک به ضلع ۳۰ سانتی متر، ببرید.

۲. در یکی از مربع ها، ۱۰ عدد گیره کاغذ

است که در بالا ذکر شد. مهم شیوه ی ارائه، راهنمایی و ارزشیابی دانش آموزان در این مسیر است. ذکر چند توصیه در این راستا حائز اهمیت است:

۱. موضوعات پژوهشی شاید از دیدگاه ما که تجربه های فراوانی از دنیای پیرامون خود داریم، ساده به نظر بیاید، ولی برای کودکان به ویژه ابتدایی دوره ی اول، هنوز فضا بکر و قابل تأمل است.

۲. شیوه ی مواجهه با پروژه ها حتماً باید استفاده از روش علمی و مناسب فعالیت های عملکردی باشد. این روش فرایندی زمان بر است و نمی توان به سرعت از مراحل آن گذشت.

۳. قبل از انجام هر فعالیت پژوهشی، الزاماً باید مربی همه ی مراحل را مطابق دستورالعمل به صورت کامل انجام دهد تا اجرایی بودن آن ها در کلاس مسجل شود. در این صورت، مربی در طول انجام فعالیت ها توسط دانش آموزان با طیب خاطر به تسهیلگری و ارزشیابی می پردازد. بیشتر اوقات وقتی دستورالعمل ها را با وسایل خودتان انجام می دهید، ممکن نتیجه های متفاوتی کسب کنید. از این رو هدایت دقیق و طراحی جدید این پروژه ها به عهده ی معلم است تا نتیجه ی لازم گرفته شود.

۴. بهتر است موضوعاتی انتخاب شوند که به وسایل کم هزینه و در دسترس نیاز باشد تا دانش آموزان بتوانند آن ها را بارها تکرار کنند و لذت این فعالیت ها را چند باره بچشند.

۵. در انجام این فعالیت ها، تمرین مهارت های

➤ آیا درگیر کردن همه ی دانش آموزان برای انجام فعالیت های پژوهشی لازم است؟

➤ چگونه می توان از درس های گوناگون، پلی برای انجام فعالیت های ساده ی پژوهشی ایجاد کرد؟

➤ نقش معلم در تسهیلگری و راهنمایی دانش آموزان در طول فرایند پژوهش به چه صورت است؟

➤ شیوه های ارزشیابی پروژه (فعالیت پژوهشی ساده ی کلاسی) چگونه است؟
پروژه های پژوهشی یا همان فعالیت های عملکردی ساده ی کلاسی بهانه ای برای تفکر و اندیشیدن بهتر و درگیر کردن دانش آموزان با پدیده های شگفت انگیز دنیای اطرافشان هستند. ضمن اینکه در مسیر نواندیشی و بهتر فکر کردن، باید مجهز به ابزار تفکر و بهره گیری از مهارت های عملی شد. استفاده از این فعالیت ها در کلاس درس شرایط رشد همه جانبه را برای دانش آموزان فراهم می آورد. همچنین بستر خیلی خوبی برای «یادگیری از هم» فراهم می شود. در این مسیر، شیوه و روش معلم از موضوع فعالیت بسیار مهم تر است. حتماً شما هم کتاب های بسیاری در این زمینه دیده اید که تعدادی پروژه های ساده برای دانش آموزان معرفی کرده اند. در نگاه نخست ممکن است کتاب های کم اهمیتی به نظر برسند؛ چون ساده اند. جالب است که بیشتر این کتاب ها ترجمه هستند؛ اما نکته ی قابل توجه در تمام این کتاب ها همان اصلی

د	ج	ب	الف	معیارها
				۱ پرسشگر و کنجکاو است.
				۲ به انجام فعالیت‌های کاوشگرانه علاقه‌مند است.
				۳ دستورالعمل فعالیت را به‌درستی دنبال می‌کند.
				۴ درباره‌ی آنچه مشاهده می‌کند، می‌پرسد.
				۵ برای پاسخ به پرسش به روش‌های متعدد (مشاهده از نزدیک / یافتن الگو / انجام آزمایش‌های مقایسه‌ای ساده / دنبال کردن دستورالعمل / رجوع به منابع) عمل می‌کند.
				۶ عوامل مؤثر در وقوع اتفاقات و پدیده‌های ساده را شناسایی می‌کند.
				۷ برای انجام آزمایش‌ها از وسایل مناسب استفاده می‌کند.
				۸ در تدوین و ارائه‌ی گزارش کار مهارت دارد و در صورت لزوم از اصطلاحات علمی (مناسب سن خود) به‌درستی استفاده می‌کند.
				۹ ایده‌های خود را به روش‌های گوناگون با دیگران در میان می‌گذارد / به ایده‌های دیگران توجه می‌کند.
				۱۰ در صورت لزوم آزمایش را تکرار می‌کند.
				۱۱ بر اساس داده‌ها و نتیجه‌های آزمایش‌ها (به‌کارگیری آموخته‌ها) نتیجه‌گیری می‌کند.
				۱۲ برای ادامه‌ی کار یا بهبود روش انجام کار پیشنهادهایی را می‌دهد.

الف : بدون کمک و راهنمایی، کاری انجام نمی‌دهد / علاقه‌ای به انجام کار ندارد.
 ب : به کمک و راهنمایی نسبتاً زیادی نیاز دارد.
 ج : به کمک و راهنمایی محدودی نیاز دارد.
 د : به کمک و راهنمایی نیاز ندارد.

باید مراحل دیگری به روش کار اضافه کنیم یا سؤالاتی از دانش‌آموز بپرسیم تا خودش پیشنهاد اضافه کردن مراحل دیگر را بدهد. در غیر این صورت، هدفی که بر اساس آن فعالیت تعریف شده است، تأمین نمی‌شود. در مرحله‌ی سوم که کاغذ آلومینیومی را مچاله کردیم، بر خلاف انتظار، گلوله

۵. توپ آلومینیومی را هم روی سطح آب بگذارید.

همین جا توقف کنید!

تمام این مراحل را یک بار با وسایل موجود در حیاط خانه انجام دادیم. شما را به مشاهده‌ی دقیق تصویرها دعوت می‌کنم. ضمن انجام فعالیت با وسایل موجود متوجه شدم که

بگذارید و آن را بپیچانید و به شکل توپ مچاله کنید.

۳. مربع دیگر را تا کنید و به شکل قایق درآورید و ۱۰ دانه گیره‌ی کاغذ را درون آن بگذارید.

۴. سطل یا لگن را پر از آب کنید و قایق را روی سطح آب بگذارید.



مرحله ی ۴



مرحله ی ۱



مرحله ی ۲



مرحله ی ۳



مرحله ی ۵



لحاظ شود.

در کلاس قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

نخست، با شور و هیجان دانش‌آموزان را به آب‌بازی دعوت می‌کنیم. سپس با معرفی ملاک‌های ارزشیابی که در جدول آمده است، از آن‌ها می‌خواهیم وسایل کار را که از قبل با خود به کلاس آورده‌اند، همراه کاربرگی که در اختیارشان قرار می‌دهیم، به حیاط مدرسه بیاورند. توصیه‌های لازم برای رعایت نظم و انجام دقیق فعالیت و نوشتن آنچه مشاهده کرده‌اند هم ضمیمه می‌کنیم.

کاربرگ فعالیت شناوری

مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات

چگونه می‌توانید با وسایلی که در اختیار دارید، یک بار کاغذ آلومینیوم و ۱۰ گیره روی آن را در سطح آب شناور و یک بار کاغذ و ۱۰ گیره را غرق و ته‌نشین کنید؟ مراحل را که انجام دادید، با دقت و کامل در برگه بنویسید. اگر مایل بودید طرحی از آزمایش خود را در همین برگه بکشید.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی نهایی آزمایش‌تان چه بود؟ آیا همان چیزی بود که انتظار داشتید؟ چرا بلی یا چرا نه؟

گام بعدی چیست؟

چگونه می‌توانید آزمایش‌تان را بهتر کنید؟ آیا نتیجه‌ی این آزمایش باعث شد که برایتان سؤالات دیگری طرح شود که بتوانید با آزمایش‌های دیگر در مورد آن‌ها تحقیق کنید؟

مطمئن هستیم که شما با تجربه‌های ارزنده‌ای که دارید، می‌توانید کلی فعالیت‌های عملکردی ساده در کلاس خود طراحی و اجرا کنید.

شناور ماند و به زیر آب نرفت. دوباره در مرحله‌ی پنجم گلوله را باز می‌کنیم و کاغذ را به شکل متراکم‌تری درمی‌آوریم و گیره‌ها را میان آن می‌پیچیم و دوباره گلوله را روی سطح آب قرار می‌دهیم. این بار مشاهده می‌کنیم گلوله به زیر آب می‌رود. اینجا می‌توان به تفاوت رفتار دو جرم مساوی (آلومینیوم صفحه‌ای و ۱۰ گیره / آلومینیوم گلوله‌شده و ۱۰ گیره) پی برد.

در مرحله‌ی ششم همان آلومینیوم صفحه‌ای را به شکل جعبه‌ای بی‌در در می‌آوریم و روی سطح آب می‌گذاریم و مشاهده می‌کنیم هرچه گیره و ظرف داخل آن بگذاریم، همچنان شناور می‌ماند.

این‌ها مراحل‌هایی هستند که ما به‌عنوان معلم نیاز است قبل از کلاس انجام دهیم. پس لازم است در روش کاری که کتاب معرفی کرده است، به صلاحدید معلم تغییراتی



مرحله‌ی ۶

مرحله‌ی ۷



پی‌نوشت

۱. مجموعه کتاب‌های کارپروژه (۵ جلدی)، ابزاری برای رویکرد ارزشیابی فرایندمحور، جانیس وان کلیو، ترجمه‌ی طاهره رستگار، نشر مرآت.

ثانیه‌های پرتقالی

آموزش مفهوم دقیقه

زهرا بهرامی‌فر

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی، مازندران، شهرستان جویبار

مقدمه

اجرای نمایش روشی است که می‌تواند بر دانش، همکاری و ارتباط بین معلم و دانش‌آموز تأثیر بگذارد. یادگیری مادام‌العمر لازم است پویا و اثربخش باشد و با تمرین تقویت شود. روش اجرای نمایش یکی از ابزارهای مهم برای رسیدن به این هدف است. دانش‌آموزان هر چیزی را که با چشمان خود ببینند و با دستان خود لمس کنند، بهتر می‌آموزند و آن موضوع در ذهن آن‌ها بهتر ثبت می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تصمیم گرفتم برای آموزش بهتر و تثبیت مفهوم دقیقه و یاددهی الگویابی پنج‌تا پنج‌تا در ساعت که یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های معلمان پایه‌ی دوم است، از روش اجرای نمایش استفاده کنم تا به‌صورت عینی دانش‌آموزان مفهوم دقیقه را دریابند و فرایند الگویابی را به‌خوبی درک کنند. در جلسه‌ی اول، گریزی زده شد به دلایل استفاده از ساعت، تعداد اعداد در صفحه‌ی ساعت و تعداد عقربه‌های آن که بچه‌ها در پایه‌ی اول آموخته بودند.

بچه‌ها با کمک وسایلی که در دسترس داشتند، هر کدام ساعتی را برای خود ساختند. برای جلسه‌ی بعد و پرداختن به موضوع آموزش دقیقه و الگویابی در ساعت، نمایشنامه‌ای را طراحی و تعدادی از دانش‌آموزان را برای اجرای این نمایش انتخاب کردم. متن را به‌گونه‌ای نوشتم که هر دانش‌آموز بتواند نقش خودش را تمرین کند. برای این نمایش یک راوی هم انتخاب شد. روز نمایش فرا رسید و هر کدام از دانش‌آموزان که عددی با مقوا بر لباسشان نصب شده بود، به‌صورت دایره‌وار کنار هم ایستادند و آماده‌ی ایفای نقش شدند.

نمی‌دانست تا به حال چند پرتقال چیده است؟

کشاورز با خود گفت: «ای وای خانه‌ام پر شده از پرتقال! حالا چه کنم؟ دیگر جایی ندارم.» در همسایگی او کرم‌های مهربانی در وسط ساعت زندگی می‌کردند. یکی از آن‌ها گفت: «کشاورز جان، این طوری که نمی‌شود. بیا با هم فکری کنیم تا راهی بیابیم.»

آن‌ها فکر کردند تا بالاخره کرم کوچک (عقربه‌ی ساعت‌شمار) گفت: «ما در خانه‌ی خود قفسه‌های زیادی داریم که تو می‌توانی پرتقال‌هایت را داخل آن‌ها قرار دهی. هر کدام از پرتقال‌ها را در یکی از قفسه‌ها (سبدها) قرار بده. ما حواسمان به پرتقال‌های تو هست.» کشاورز خیلی خوش حال شد و گفت: «بله، خوب است. این طوری جا برای استراحت خودم باز می‌شود.»

اجرای نمایش بر اساس نمایش‌نامه

راوی داستان را شروع کرد: یکی بود، یکی نبود. کشاورز زحمت‌کشی بود که کنار ساعت ۱۲، خانه‌ای داشت و در آن زندگی می‌کرد. کشاورز هر روز کار می‌کرد و میوه‌های پرتقال را از روی درخت می‌چید و در خانه‌اش انبار می‌کرد. روزی متوجه شد که خانه‌اش پر از پرتقال شده است و دیگر جایی حتی برای استراحت خودش نیست. کشاورز حتی



بودند، قرار گرفتند. کشاورز از کرم بزرگ تشکر کرد و گفت: «پس شما از این به بعد مسئول شمارش پرتقال‌های من می‌شوید؟» کرم بزرگ گفت: «با کمال میل!» کرم کوچک که انگار کمی ناراحت شده بود، سرش را خم کرد و آرام گفت: «پس من چی؟» کرم بزرگ گفت: «من و تو با هم همکاری می‌کنیم. من تعداد پرتقال‌ها (دقیقه) را دقیق اعلام می‌کنم و تو عدد ساعت را بدون تغییر بگو.» کرم کوچک گفت: «بله درست می‌گویی. ما با هم همکاری می‌کنیم. من اعداد را بدون تغییر می‌گویم و هر وقت تو به عدد ۱۲ رسیدی و تمام ۶۰ پرتقال را شمردی، صدایم کن تا من یک عدد به سمت جلو حرکت کنم.» سپس راوی نقش معلم را ایفا می‌کند و رو به همه می‌گوید: «بچه‌ها، همان‌طور که در نمایش ما دیدید، به هر کدام از قفسه‌ها در صفحه‌ی ساعت دقیقه می‌گویند و کرم بزرگ که عقربه‌ی دقیقه‌شمار است، مسئول شمارش آن‌هاست و کرم کوچک که عقربه‌ی ساعت‌شمار است، عدد دقیق ساعت را نشان می‌دهد.» بدین ترتیب دانش‌آموزان به‌صورت واقعی و با دیدن قفسه‌های کوچک که به جای آن از سبد در نمایش استفاده کردیم، دریافته‌اند که بین اعداد ساعت چند دقیقه وجود دارد و با الگوی پنج تا پنج تا به راحتی می‌توان آن‌ها را شمرد.

نتیجه‌گیری

در بیشتر کتاب‌هایی که به ارزشیابی پرداخته‌اند، بیان شده است که کیفیت آموختن و تثبیت و تعمیق یادگیری، با افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری توسعه می‌یابد. اگر دانش‌آموزان در فرایند یاددهی یادگیری همکاری و مشارکت داشته باشند، بر سرعت یادگیری و اعتمادبه‌نفس آن‌ها افزوده می‌شود و در خلال آن دانش‌آموز تجربه‌های نوینی را کسب می‌کند. دانش‌آموزان برای یادگیری و آموختن به دنیای علم سفر می‌کنند و معلم به‌عنوان همراه و تسهیلگر، آن‌ها را به سمت اهداف آموزشی و تربیتی هدایت می‌کند. بنابراین معلمان می‌توانند از روش اجرای نمایش برای شناخت و فهم بیشتر موضوعات درسی و ایجاد فضایی مفرح و خلاق در کلاس درس و افزایش کار گروهی استفاده کنند.

کشاورز خوش‌حال شد. عدد ۲ را بغل کرد و گفت: «خیلی متشکرم ساعت ۲.» این اتفاق تا عدد ۱۲ ادامه یافت. کشاورز تمام پرتقال‌های خانه‌اش را در قفسه‌های ساعت انبار کرد؛ اما هنوز هم نمی‌دانست بالاخره چقدر پرتقال داشته است. با خود گفت: «خدا را شکر، بالاخره تمام شد. همه را بیرون از خانه در جای مناسب انبار کردم؛ اما حالا چند پرتقال داشته‌ام؟» کرم بزرگ (عقربه‌ی دقیقه‌شمار) گفت: «تو بنشین، خسته‌ای. من برایت پرتقال‌ها را می‌شمارم.» پرتقال‌ها را پنج تا پنج تا شمرد تا به عدد شصت رسید. در زمان شمارش کرم بازیگوش، دانش‌آموزانی که کلاهی بر سر داشتند که اعداد ۵، ۱۰ و... روی آن نوشته شده بود، هر کدام در پشت سر دانش‌آموزانی که در نقش اعداد ساعت

کشاورز پنج پرتقال برداشت و آن‌ها را در قفسه‌ها چید. در هر قفسه یک پرتقال قرار داد؛ یک، دو، سه، چهار و وقتی به پرتقال پنجم رسید، نمی‌دانست که آن را کجا بگذارد؛ زیرا دیگر قفسه‌ای نبود و به ساعت یک رسیده بود. کشاورز ناراحت شد و گفت: «ای وای، حالا بعدی را کجا بگذارم؟!» ساعت ۱ به صدا درآمد و گفت: «اشکالی ندارد. من پرتقال پنجم را روی سرم می‌گذارم.» کشاورز از خوش‌حالی به سمت بالا پرید و گفت: «چه عالی! خیلی متشکرم ساعت یک.» او به خانه‌اش رفت و پنج پرتقال دیگر برداشت و در قفسه‌ی بعدی چید؛ اما باز به همان مشکل قبلی برخورد. کشاورز گفت: «پرتقال پنجم را کجا بگذارم؟» ساعت دو گفت: «آن را در دهان من (گودی عدد ۲) بگذار. من از آن مواظبت می‌کنم.»



دو بال تربیت



فاطمه قاسمیان
دانشجو معلم، خراسان شمالی، شیروان

بیان مسئله

در جریان کارورزی ۲، در پایه‌ی دوم یکی از مدرسه‌های دوره‌ی ابتدایی برخورد، با مسئله‌ای مواجه شدم که در نگاه اول چندان جدی به نظر نمی‌رسید، اما در عمل، فضای کلاس را تحت تأثیر قرار می‌داد. دخالت برخی از دانش‌آموزان در کار دیگران مسئله‌ی مهمی بود که باید به آن توجه می‌کردم. این مسئله به‌ویژه زمانی نمود پیدا می‌کرد که هر رفتار کوچکی از سوی هم‌کلاسی‌ها، فوراً با جمله‌هایی مانند «اجازه خانم، دوستم مداد من رو برداشت» یا «اجازه خانم، پشت سری من داره با کناریش صحبت می‌کنه» به معلم گزارش داده می‌شد. در نگاه اول ممکن است این نوع رفتار فقط به‌عنوان دقت یا حساسیت دانش‌آموزان به نظم کلاس تلقی شود، اما بررسی عمیق‌تر نشان می‌دهد که این نوع دخالت‌ها گاهی نه از سر مسئولیت‌پذیری، بلکه از سر عادت به فضولی و کسب امتیاز نزد بزرگ‌ترها شکل گرفته‌اند. طی تأمل و تحقیق در این موضوع، به چند عامل مهم ریشه‌ای رسیدم:

الگوی رفتار معلم در کلاس: گاهی هنگام تدریس، وقتی معلم می‌پرسد: «چه کسی دارد صحبت می‌کند؟» و دانش‌آموزی هم‌کلاسی خود را معرفی می‌کند، شخص مخبر از سوی معلم مورد تأیید یا تشویق قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، گزارش‌دادن رفتار دیگران به ارزش تبدیل می‌شود (احمدی و رضایی، ۱۳۹۶).

رفتار والدین در خانه: مثلاً طرفی در خانه شکسته می‌شود و پدر یا مادر از بچه‌ها می‌پرسند: «چه کسی این کار را کرده است؟»، یکی از بچه‌ها فرد خطاکار را معرفی می‌کند، در این هنگام، آن کودک در نگاه والدین محبوب‌تر جلوه می‌نماید. تکرار چنین موقعیت‌هایی کودکان را به گزارش‌دادن تشویق می‌کند (اکبرزاده، ۱۴۰۱).

سوءاستفاده‌ی اطرافیان از صداقت کودک:

گاهی افراد خانواده، برای اطلاع از مسائل خانوادگی، از بچه‌ها سؤال‌هایی می‌پرسند که معمولاً والدین از پاسخ‌دادن به آن‌ها خودداری می‌کنند؛ مثلاً پرسیده می‌شود: «مامان و بابا چرا دعوا کردن؟» و کودک ناخواسته وارد حریمی می‌شود که درک آن برایش زود است.

نقش مدیر یا معاون مدرسه: در برخی موارد، برای اطلاع از وضعیت کلاس، یکی از دانش‌آموزان به‌عنوان «خبرچین» یا به‌اصطلاح «جاسوس» انتخاب می‌شود تا گزارش‌های داخل کلاس را به مسئولان مدرسه انتقال دهد. با این رفتار «دخالت در کار دیگران»، به جای یک ضدارزش، به‌نوعی وظیفه و ارزش تبدیل می‌شود.

همه‌ی این عوامل در کنار هم باعث می‌شوند که کودکان تصور کنند فضولی کردن و گزارش‌دادن، رفتاری درست و حتی قابل تحسین است. در نتیجه، این مسئله نه تنها مانع رشد مسئولیت‌پذیری و استقلال فردی در دانش‌آموزان می‌شود، بلکه فضای اعتماد، همکاری و احترام متقابل را در کلاس تضعیف می‌کند. همین موضوع مرا بر آن داشت که به دنبال راه‌حلی برای کاهش این رفتار و جایگزینی آن با مهارت‌های مناسب اجتماعی باشم (سیدحسینی، ۱۴۰۰).

اقدام عملی

در بخش اقدام عملی، این جانب سعی کردم علت‌ها را حذف کنم یا تغییر دهم تا معلول نیز حذف شود یا تغییر کند.

در اولین اقدام، جلسه‌ای دوستانه با معلم راهنما تشکیل دادم. در آن جلسه، موضوع را مطرح و از ایشان درخواست همکاری کردم؛ اولاً، اینکه علت اول بیان‌شده در قسمت بیان مسئله را حذف کنند و ثانیاً، اگر در کلاس با چنین رفتاری مواجه شدند، سعی کنند با تغییر موضوع، بحث را به سمت دیگری هدایت کنند (محمدی و صبوری، ۱۳۹۵).

اقدام بعدی، بیان موضوع با مدیر و معاونان بود. در این نشست نیز اهمیت این موضوع را توضیح دادم و از آنان خواستم تا جلسه‌ای را با اولیا برنامه‌ریزی کنند تا این مطالب به اطلاع آنان نیز برسد؛ چراکه پرنده‌ی تربیت اگر دو بال داشته باشد، یکی مدرسه است و دیگری ناگزیر خانواده. این دو بال با حرکت هم‌زمان و همکاری و همراهی یکدیگر، مسیر تعالی کودک را رقم می‌زنند.

در جلسه‌ی اولیا، مسائل با زبانی سلیس و روان توضیح داده شد. در نهایت، از همه‌ی عوامل خواہش کردم که پس از رعایت این موارد، اگر با رفتاری این‌چنینی از سوی کودک مواجه شدند، نه او را تشویق و نه تنبیه کنند، بلکه فقط سعی کنند تمرکز کودک را از آن مسئله منحرف و به موضوع دیگری جلب کنند.

بعد از این مراحل، نوبت به اصلاح این رفتار در دانش‌آموزان رسیده بود. در این زمینه اقدامات متفاوتی انجام دادم، از جمله پخش پویانمایی و خواندن قصه و توضیح دوستانه.

در زنگ هنر، برای دانش‌آموزان پویانمایی‌ای مرتبط با این موضوع پخش کردم که بسیار هم مورد توجه آن‌ها قرار گرفت. سپس از آن‌ها خواستم که نظراتشان را در مورد آن پویانمایی بیان کنند. بحث را طوری هدایت کردم که بچه‌ها به قسمت فضولی کردن شخصیت داستان اشاره و نتیجه‌ی آن رفتار را بیان کنند و به این نتیجه برسند که فضولی کردن کار خوبی نیست (سیدحسینی، ۱۴۰۰).

در زنگ هنر هفته‌ی بعد از دانش‌آموزان خواستم به قصه‌ای که می‌گویم دقت کنند. سپس به‌صورت گروهی برای آن نقاشی بکشند. این کار، هم اقدامی برای پیشبرد اهداف کارروزی خودم بود و هم به جذاب‌تر کردن زنگ هنر برای دانش‌آموزان کمک می‌کرد. نقاشی به‌صورت گروهی باعث می‌شود دانش‌آموزان به‌جای اینکه با یکدیگر به رقابت بپردازند و سعی کنند با گزارش دادن کارهای اشتباه یکدیگر به مراتب بالاتر دست یابند، با یکدیگر رفیق باشند و با انجام کارها به‌صورت گروهی تلاش کنند گروه و در نهایت کلاس و جامعه‌شان را ارتقا دهند (محمدی و صبوری، ۱۳۹۵).

پس از این دو اقدام، جلسه‌ای را به صحبت دوستانه با دانش‌آموزان اختصاص و برای آنان توضیح دادم که فضولی کردن کار درستی نیست. این کار باعث می‌شود، هم دانش‌آموزی که فضولی می‌کند و هم دانش‌آموز دیگری که کار او به من گزارش داده می‌شود، در نظر من دیگر دوست‌داشتنی و محبوب نباشند.

پس از آن، هر وقت که دانش‌آموزان رفتار یا گفتار یکدیگر را به من گزارش می‌دادند، به آن‌ها یادآوری می‌کردم که این کار شما باعث می‌شود من از هر دوی شما ناراحت شوم. برای همین، به آن‌ها گوش نمی‌کردم.

نتیجه

- کاهش چشمگیر این رفتار (فضولی کردن) در کلاس؛ ● افزایش نظم در کلاس؛ ● بهبود فرایند یاددهی-یادگیری؛ ● تذکر دادن دانش‌آموزان به یکدیگر برای جلوگیری از این رفتار؛ ● کاهش رقابت؛ ● افزایش رفاقت؛ ● افزایش تمایل دانش‌آموزان به کار گروهی.

منابع

۱. احمدی، م؛ رضایی، ف (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر تشویق در بهبود عملکرد و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، شیراز: مؤسسه‌ی آموزش عالی علامه خویی.
۲. اکبرزاده، ن (۱۴۰۱). «تأثیر تشویق کودک: انواع تشویق کودکان و اشتباهات رایج والدین». بازیابی شده در ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ از <https://www.symasoft.ir/blog/> - تأثیر تشویق - در - کودکان.
۳. سیدحسینی، ف (۱۴۰۰). «اثر بخشی آموزش ارزش‌های اخلاقی از طریق قصه‌گویی و پویانمایی بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی». همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی، روان‌شناسی و مشاوره. بازیابی از <https://www.sid.ir/paper/230184/fa>
۴. محمدی، س؛ صبوری، م (۱۳۹۵). «بررسی اثربخشی قصه‌گویی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان دوره‌ی ابتدایی». دومین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تهران. بازیابی از <https://civilica.com/doc/658773>



از هیچ چیز نمی ترسم

اسرائیل فرستاد. سپس با تعداد زیادی موشک، بخش‌های نظامی اسرائیل را مورد هدف قرار داد که این نشانه‌ی قدرت ایران است. این قدرت ایران مایه‌ی سرافرازی هر ایرانی است.» گفته‌های خانم معلم باعث شادی زیاد بچه‌ها شده بود. خانم معلم بعد از مکث کوتاهی گفت: «بچه‌های گلم شما باید به پدران خود افتخار کنید که باعث امنیت و سربلندی ایران هستند» (مدرسه‌ی ما در شهرکی نظامی قرار داشت و پدران همه‌ی دانش‌آموزان نظامی بودند).

یک زنگ از کلاس با همین شور و هیجان گذشت. شایعات غیررسمی در رسانه‌ها مبنی

خیلی عجیب بود. نمی‌دانستم آن‌ها در مورد چه چیزی آن قدر با هیجان صحبت می‌کنند. پیش یکی از دوستانم رفتم و گفتم: «چیزی شده؟ نکنند مدرسه می‌خواهد ما را به اردو ببرد؟» او گفت: «نه بابا، مگر نمی‌دانی دیشب چه اتفاقی افتاده؟» گفتم: «نه، چی شده؟» او گفت: «دیشب ایران، اسرائیل را موشک باران کرده است. این همه خوش‌حالی در چهره‌ی بچه‌ها به همان دلیل است.» با خوش‌حالی گفتم: «جدی می‌گویی؟» در آن لحظه دوست داشتم، پدرم کنارم بود تا او را بغل می‌کردم و می‌گفتم: «بابا دست شما و دوستانت درد نکند. اگر این همه از شما دور هستیم و به من و دوستانم سخت می‌گذرد، حداقل حالا نتیجه‌ی این همه دل‌نگرانی‌های ما باعث شادی ملت ایران شده است.»

وقتی سر کلاس رفتیم، معلم با چهره‌ای بسیار شاد وارد کلاس شد. او قبل از شروع درس، از حمله‌ی دیشب ایران به اسرائیل گفت. او گفت: «بچه‌ها دیشب حدود ساعت هشت شب، ایران ابتدا پهپادهای فراوانی به سمت

مریم رسولی

کارشناس ارشد پژوهش هنر، مدیر مدرسه در شهری ناحیه‌ی ۲



آن روز صبح مثل همیشه از خواب بیدار شدیم. مامان به من و محمد صبحانه داد. کمکمان کرد تا لباس‌هایمان را بپوشیم و وسایلمان را جمع کنیم. بابا دو ماهی بود که به مأموریت رفته بود و همه‌ی کارهای ما گردن مامان افتاده بود. او هر روز محمد را به مهدکودک می‌رساند، مرا به مدرسه می‌برد و چون خودش هم معاون مدرسه بود، به محل کار خود می‌رفت.

آن روز تا سوار ماشین شدیم، مامان رادیوی ماشین را روشن کرد. مجری با خوش‌حالی و هیجان فراوان صحبت می‌کرد. من خیلی متوجه حرف‌های او نشدم و چون مدرسه‌ام خیلی به خانه نزدیک است، خیلی زود از ماشین پیاده شدم. وقتی وارد مدرسه شدیم، بچه‌های مدرسه با همان خوش‌حالی و هیجان مجری رادیو با هم صحبت می‌کردند. برایم



کودکان بی‌پناه غزه افتادم و گفتم: «نه مامان، نمی‌خواهد بیایی. من از هیچ چیز نمی‌ترسم. اسرائیل هم نمی‌تواند به ایران حمله کند و اگر حمله کند، بابا و دوستانش حساب او را می‌رسند.» مامان از پشت تلفن مرا بوسید و گفت: «آفرین به دختر گل خودم!»

وقتی انشای فاطمه به پایان رسید، با چشمانی پر از اشک او را نگاه کردم و با خودم گفتم: «خانم معلم، چقدر قدر امنیتی را که با دل‌نگرانی‌های امثال فاطمه و مادرش و سلحشوری‌های افرادی همچون پدرش به دست آمده است، می‌دانی؟»

معاون هم به مامان زنگ زد و ماجرا را برای او تعریف کرد و گفت: «اگر امکان دارد بیایید فاطمه را به خانه ببرید؛ چون او خیلی ناراحت است.» مامان گفت: «لطفاً گوشی را به فاطمه جان بدهید تا با او صحبت کنم.» خانم معاون گوشی را به من داد و من هنوز صحبت نکرده، زدم زیر گریه و گفتم: «مامان، لطفاً بیا مرا به خانه ببر.» مامان گفت: «فاطمه جان، تو مگر دختر قوی من نیستی؟ تو باید خیلی شجاع باشی. اسرائیل هیچ کاری نمی‌تواند بکند. حالا اگر باز هم می‌ترسی به دنبالت بیایم.» با حرف‌های مامان دلم آرام گرفت. به یاد

بر حمله‌ی اسرائیل به ایران و وجود مدرسه‌ی ما در یک شهرک نظامی باعث دل‌نگرانی خانواده‌هایمان شده بود. تجربه‌های سابق هم نشان می‌داد که اسرائیل کودک‌کش است و مثل ایران فقط به مقاصد نظامی حمله نمی‌کند؛ بلکه او مدرسه و بیمارستان و مراکز غیرنظامی را مورد تجاوز قرار می‌دهد. برای همین مادران دانش‌آموزان به مدرسه می‌آمدند و یکی‌یکی بچه‌ها را با خود به خانه می‌بردند. من هم به‌خاطر رفتن دوستانم، خیلی احساس تنهایی کردم و به معاون مدرسه گفتم: «خانم علوی، لطفاً با مامانم تماس بگیرید تا بیاید مرا به خانه ببرد.» خانم



دلم باغی پر از شکوفه شد و ذهنم رفت به کودکی خودم. وقتی دوره‌ی ابتدایی بودم؛ شاید کمی از رز بزرگ‌تر. جلوی تلویزیون سیاه و سفید به گمانم چهارده اینچی ای نشسته بودم و اشک‌هایم بی‌اختیار می‌آمدند. دست‌های بی‌دفاع بچه‌های فلسطینی با سنگ پر می‌شدند و مظلومیتشان با خون پاکشان بر زمین اجدادی وطنشان می‌ریخت. در دلم خروار خروار درد و حسرت می‌رویید. آن زمان تصور می‌کردم در برابر قدرت اشغالگران هیچ‌کس نمی‌تواند بایستد. جبهه‌ی من آنجا جلوی تلویزیون بود و فکر می‌کردم حتماً با ظهور امام زمان (عج) درست خواهد شد و نمی‌شود جز غصه‌خوردن برای آن‌ها کاری کرد؛ اما حالا پس از چند دهه دخترک من، دانش‌آموزی کلاس اولی، این‌گونه قاطعانه جلویم می‌ایستد و با صورت سرخ از هیجان با قدرت می‌گوید: «اسرائیل نابود می‌شه. ایران قوی‌ترین‌ه». این همه عزت و سربلندی چیزی مثل قند در دلم آب می‌کند. دیگر گریه نمی‌کنم. دعا می‌کنم که رزمنده‌های ما بدانند نسلی شجاع و قوی پشت آن‌هاست که قوت بگیرند و دست‌های حریص اسرائیل را قاطعانه قطع کنند.

در همین افکار هستم و مشغول پر کردن تفنگ حبابی تا حمله‌ی جانانه‌ای کنم که رزمنده‌ی کوچک ایران با شمشیر حبابی‌اش به پهلویم می‌زند و می‌گوید: «منی گذارم بیای توی قلمروی من». بعد قدمی به عقب می‌رود و رجز می‌خواند: «من با تمام دست و بدنم جلوی شیمیایی رو می‌گیرم. نمی‌ذارم ایران رو اذیت کنی».

در حالی که هنوز گیج درد پهلوی هستم، می‌خندم و می‌گویم: «تسلیم! تسلیم! دیگه شلیک نمی‌کنم». چنان ذوق می‌کند که انگار دنیا را به او داده باشند و با قد کوتاه و بلوز و شلوار صورتی در حیاط خانه بالا و پایین می‌پرد؛ اما عجیب است که من سربازی جان برکف می‌بینم که عاشقانه برای کشورش نفس می‌کشد. زیر لب می‌گویم: «وینصرک الله نصراً عزیزاً» (فتح/ ۳) و در باغ دلم هزار درخت سیب به بار می‌نشیند.



جنگ فرضی

به من می‌گفت: «حمله کن! تو اسرائیلی، منم ایرانم». می‌گفت: «من از تو نمی‌ترسم». و من تندتر به سمتش حجمی از حباب‌ها را شلیک می‌کردم. هر شلیک ده‌ها حباب به سمتش می‌برد. موهایش را بست و با دست جلوی حباب‌ها را گرفت. دخترک هفت‌هشت ساله‌ی من مثل سربازی به دل حباب‌ها هجوم می‌آورد و با دستش آن‌ها را می‌گرفت. در حالی که صورتش سرخ شده بود، می‌گفت: «من نمی‌ذارم ایران را بشکنی. من جلوت رو می‌گیرم».

فاطمه شکراله ابهری
کارشناس ارشد فیزیک در شهرستان
نوشهر، استان مازندران



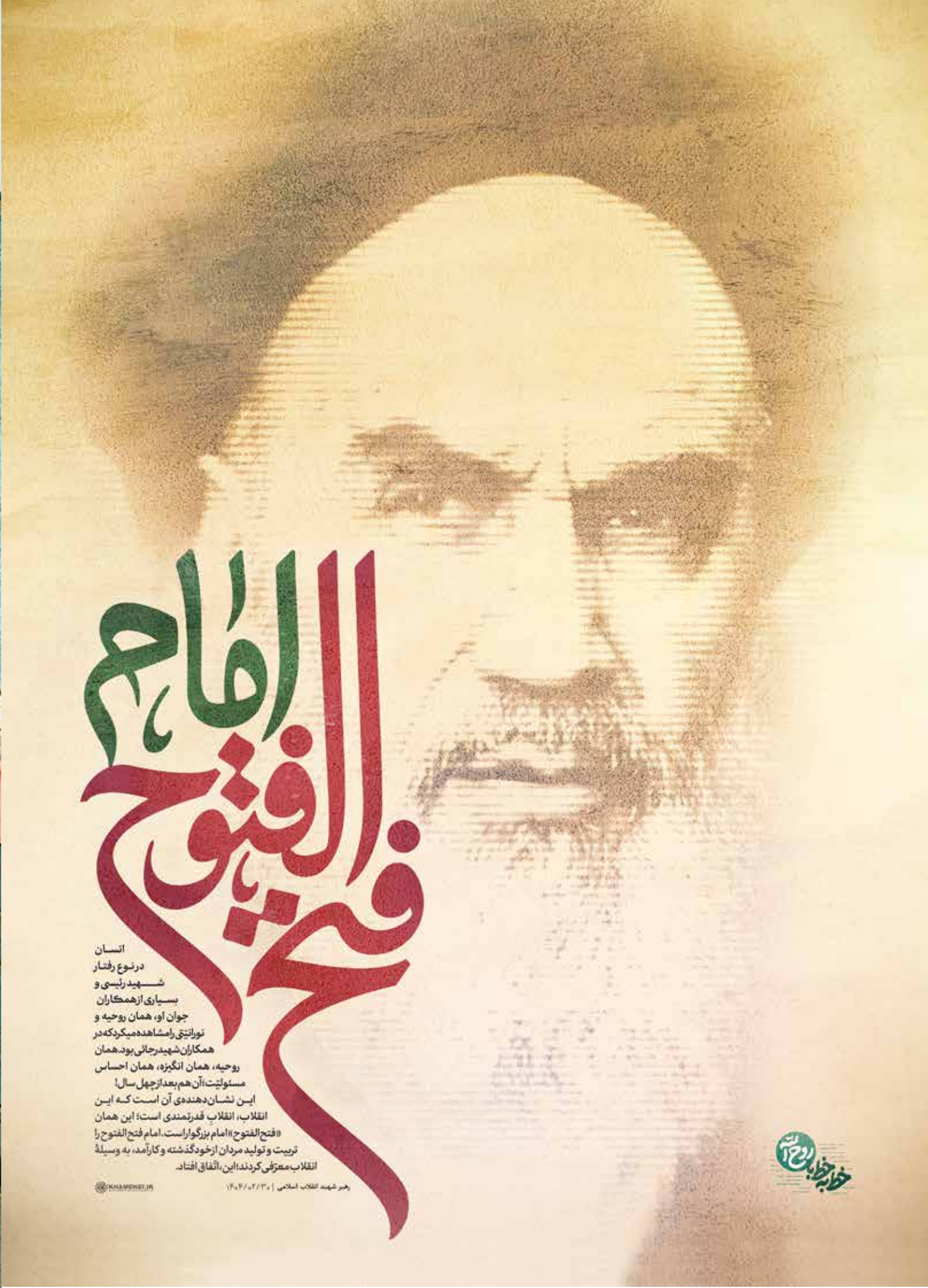
عصری خنک و دلپذیر بود. دخترکم از حرکت حباب‌های دهانه‌ی تفنگ اسباب‌بازی به وجد آمده بود. با نگاهی حباب‌ها را دنبال و با شمشیر حبابی‌اش آن‌ها را پراکنده می‌کرد. هرچه می‌گذشت، هیجانش بیشتر می‌شد. وقتی می‌پرسید حباب‌ها را بگیرد، موهایش آشفته می‌شد.



ارتقا بر اساس عملکرد

آگاهی از نظرات همه خیلی هم خوب است اما دانستن فکر و عقیده‌ی افراد موفق اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از دانش‌آموزان مانند بزرگسالان بر اساس آنچه که برایشان بهتر است تصمیم می‌گیرند. اگر ما مشورت و صلاحیت افراد موفق و یا دانش‌آموزان برتر خود را مدنظر قرار دهیم شانس بالایی در کسب موفقیت خواهیم داشت. معلمان موفق مدام این پرسش را از خود می‌پرسند که هر تصمیم آن‌ها رضایت و عدم رضایت چه گروهی را در پی دارد. وقتی با تصمیمات چالشی مواجه هستیم، اگر به این فکر کنیم که عقیده‌ی افراد موفق گروهمان در این موضوع چیست؟ کمتر احساس تنهایی و درماندگی در اتخاذ تصمیم درست می‌کنیم و حتی اگر با همکاران موفق خود مشورت کنیم، مطلقاً احساس تنهایی و سردرگمی در تصمیم‌گیری نخواهیم داشت.

معلمان موفق متفاوت عمل می‌کنند. نوشته‌ی تاد ویتکر



امام فتح الفتوح

انسان
در نوع رفتار
شهید رئیسی و
بسیاری از همکاران
جوان او، همان روحیه و
تورانتی را مشاهده میکرد که در
همکاران شهید رجایی بود. همان
روحیه، همان انگیزه، همان احساس
مسئولیت؛ آن هم بعد از چهل سال!
این نشان دهندهی آن است که این
انقلاب، انقلاب قدرتمندی است؛ این همان
«فتح الفتوح» امام بزرگوار است. امام فتح الفتوح را
تربیت و تولید مردان از خود گذشته و کارآمد، به وسیله
انقلاب معرّفی کردند؛ این، اتفاق افتاد.